

۳۳ فن و حرفه‌های و کار دانش

رشد آموزش

www.roshdmag.ir

ISSN: 1735-4927 | ریال ۸۵۰۰ | صفحه ۶۴ | زمستان ۱۳۹۲ | شماره ۲ | دوره نهم | اطلاع‌رسانی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



- کجای راه هستیم؟
- الگوی سازمان دهمی «محیط‌های یادگیری نوآورانه» در آموزش فنی و حرفه‌ای
- مدیریت خلاقیت و نوآوری در هنرستان
- صنایع دستی چوبی
- ده‌شپوۀ تلفیق برنامه‌درسی



صنایع دستی چوبی،
هنر صنعتی در خدمت
اشتغال و تولید

صفحه ۳۶ را بخوانید

۲ کجای راه هستیم؟

دکتر بتول عطاران

۴ الگوی سازمان‌دهی «محیط‌های یادگیری نوآورانه» در آموزش فنی و حرفه‌ای

غلامحسین حسین‌زاده‌یوسفی

۱۸ فرمول‌بندی تیپ‌ها و محیط‌ها

حمید نظری

۲۲ مدیریت خلاقیت و نوآوری در هنرستان

حسین رضایی

۳۰ تلفیق آموزش عمومی با آموزش فنی و حرفه‌ای دوره تحصیلی متوسطه استرالیا

دکتر احد نویدی

۳۶ صنایع دستی چوبی، هنر صنعتی در خدمت اشتغال و تولید

علیرضا درستکار

۴۴ ده‌شبهه تلفیق برنامه‌درسی

رقیه متحیربند، حسن آقابابایی

۵۰ بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش (مطالعه موردی، شهر سنندج)

جواد آقامحمدی، عزیز اسدی

۵۸ نقد و بررسی کتاب «بهداشت روانی» دوره هنرستان

رحیمه منصوروی گرگر

معرفی کتاب

علی محمد بخشوده

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: دکتر بتول عطاران

مدیر داخلی: علی محمد بخشوده

هیئت تحریریه: مهندس محسن جعفرآبادی، دکتر بهناز مرجانی، دکتر بتول عطاران،

غلامحسین حسین‌زاده یوسفی، نصرالله دادار

ویراستار: دکتر حسین داوودی

طراح گرافیک: علیرضا جوادی

عکاس: نسرين اصغری

نشانی دفتر مجله: تهران ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶، صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۸۴۲۲۵۱ - ۰۲۱ داخلی: ۳۰۵

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار: faniherfeievakarodanesh@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۳۰۱۴۸۲

چاپ: شرکت افست

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



کجای راه هستیم؟

دکتر بتول عطاران

سرمقاله

به مناسبت ۲۲ بهمن و سالگرد انقلاب اسلامی، نگاهی کنیم به گذشته، حال و آینده در حیطه جامعه، سازمان، محیط کار، ... و خانواده و ببینیم آیا درست هدف را نشانه گرفته‌ایم یا با زاویه‌ای شروع به حرکت کرده‌ایم که کم‌کم از آن دور می‌شویم. این بررسی را به منظور بازنگری و تصحیح به عهده علم مدیریت گذاشته و از او پرسیدیم که «کجای راه هستیم؟» بدون شک سازمان‌ها - در معنای وسیع کلمه - از شالوده‌های اصلی اجتماعات کنونی هستند و مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی و حتی مرگ سازمان‌هاست.

مدیر، روند حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب را هدایت می‌کند و هر لحظه در جست‌وجوی آینده‌ای بهتر است. گذشته با تمام اهمیت و آموختنی‌هایش و با تمام تأثیری که می‌توانسته بر آینده داشته باشد، اتفاق افتاده است و هیچ تغییری در آن ممکن نیست؛ اما آینده در راه است و فرزندان این سرزمین به‌گونه‌ای متفاوت‌تر از آنچه ما به آن نگاه می‌کنیم، به آن می‌نگرند. برای ساخت آینده‌ای مناسب آنان، به عزمی ملی نیاز داریم که آن را مجموعه مدیریت جامعه هدایت می‌نماید.

توانمندسازی منابع انسانی پیش برنده اساسی تقویت عملکرد است و پیش‌برنده‌های عملکرد انسانی شایستگی‌ها یا دارایی‌های اصلی مرتبط با انسان می‌باشند. مثل بهره‌وری، معماری منابع انسانی و خلق شایستگی برای آنان و یا تقویت شایستگی‌های قبلی، شاید از مشکل‌ترین مقوله‌های مدیریت و فرهنگ باشد.

اهمیت این معماری در زنجیره‌های ارزشی است که منابع انسانی را به صورت نامرئی به یکدیگر پیوند داده و سد محکمی می‌سازد تا به تغییری مناسب روی آورند، در حالی که تن واحد هستند. چهار عامل اساسی زیر در این معماری نقش اساسی دارند:

- سیستم کاری با عملکرد قوی
- همسویی سیستم منابع انسانی
- کارایی منابع انسانی
- دستاوردهای منابع انسانی

دو مورد اول شاخص‌های پیش‌نگر و دو مورد دیگر شاخص‌های پس‌نگر عملکرد و تشخیص شایستگی نیروی انسانی‌اند. کارایی منابع انسانی نشان دهنده گستره‌ای است که در آن واحد منابع انسانی می‌توانند به سایر قسمت‌های آن سازمان کمک نمایند تا شایستگی‌های خود را خلق مجدد نمایند.

مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش به حق در شماره‌های اخیر خود به مقوله شایستگی و تبیین آن برای خوانندگان چه به لحاظ تئوریک - مقالات جناب آقای شریفان و ... - و چه به لحاظ کاربردی - ارائه مقوله در گزارشات - پرداخته است لیکن به دلیل اهمیت آن در رشد نیروی انسانی و اثر آن در اشتغال و کارایی و بهره‌وری هم‌چنان بر آن تأکید می‌ورزد و نظر خوانندگان را بدان جلب می‌نماید.

۱. شاخص سیستم کاری با عملکرد قوی در نمونه‌های ذیل قابل بررسی است.

الف. تفاوت احتمالی در دریافت پاداش براساس شایستگی میان عملکرد ضعیف و عملکرد قوی چه میزان است؟

ب. چه نسبتی از دریافت پاداش شایستگی با ارزیابی عملکرد رسمی تعیین می‌شود؟

ج. چند درصد از نیروهای انسانی سازمان، پیوسته از طریق نوعی عملکرد ارزیابی رسمی می‌شوند؟

د. چه تعداد متقاضی استثنایی به سازمان ورود پیدا می‌کنند؟

۲. شاخص همسویی سیستم منابع انسانی در نمونه‌های ذیل می‌تواند بررسی شود:

الف. تفاوت میزان دریافت پاداش شایستگی در عملکرد ضعیف و قوی چقدر است؟

ب. درصد افرادی که برنامه‌های رشد سازمان توسط آنان در حال اجراست.

ج. هزینه توسعه شایستگی به ازای هر نفر چه میزان است؟

د. تعداد و نوع پروژه‌های خاص که برای نیروی انسانی بتواند بالقوه بالا در نظر گرفته شده چه میزان است؟

۳. کارایی منابع انسانی

معیار اصلی این معماری را در نمونه‌های ذیل بررسی کنید
الف. تعداد بیماری مرتبط با فشار روانی در حیطه سازمان (هنرستان،...)

ب. تعداد روزها و برنامه‌های آموزش به‌ازای هر سال
ج. متوسط دوره باقی‌ماندن نیروی انسانی در وظیفه (با حفظ سطح عملکرد)

د. میزان غیبت بر مبنای نوع وظیفه محول شده به فرد و عملکرد او

۴. شاخص دستاوردهای منابع انسانی به تشخیص پیوندهای علی فوق‌العاده‌ای یاری می‌رساند که با آن سیستم منابع انسانی در سازمان تولید ارزش می‌کنند. این پیوندها لزوماً از بعد عملکرد یا پرداخت پاداش‌های متفاوت در نظر گرفته نمی‌شوند، اما باید برای تأثیر عملکرد سازمان کاملاً شناخته شوند. اهمیت آن‌ها وقتی مشخص می‌شود که مدیریت ارشد صف اهمیت آن‌ها را درک کرده و بخواهد برای آن‌ها هزینه کند. معضل سنجش و پیدا کردن آن‌ها این است که عموماً «خلاف جریان آب» هستند. شایستگی‌های این افراد که سازمان هستی خود را برای آن شایستگی صرف نموده (هزینه‌های مالی تنها مدنظر نباشد) با سیستم سازمانی ترکیب شده و ارزش سازمان را در کل زنجیره ارزش بالا می‌برند.

قوت و ضعف این شاخص را توسط نمونه‌های ذیل می‌توان بررسی نمود

الف. میزانی که هر نیروی انسانی موجود در سازمان می‌تواند مفاد راهبردی سازمان را توضیح دهد

ب. میزانی از اطلاعات که به‌صورتی مؤثر به نیروی انسانی موجود در سازمان توسط مدیران منتقل می‌شود

ج. میزانی که رهبری سازمان در مرحله اولیه جذب متقاضیان بالقوه درگیر است

د. میزانی که منابع انسانی به ایجاد شایستگی‌های رهبری کمک می‌نمایند

ه. میزانی که سازمان راهبرد خود را نسبت به اهداف و نحوه رسیدن به هدف مشخص، تعریف می‌کند به‌طوری که نیروی انسانی می‌تواند در کوتاه‌مدت و بلندمدت به آن عمل نماید.

لذا برای رهبری منابع انسانی و شایستگی بخشیدن به آن‌ها مدیران همواره باید آماده تنظیم خود در جهت پیش‌برنده‌های عملکردی باشند که منابع انسانی آن‌ها را حمایت نماید. عدم توجه به مشارکت قوی و جدید نیروی انسانی، مدیران صف ضعیفی بار می‌آورد افرادی که در سازمان، دیگران را منتهی به خود می‌بینند و نه به اهداف سازمان.

سالروز پیروزی انقلاب اسلامی مبارک

پژوهش

غلامحسین حسینزاده یوسفی
Gh.hosseinzadeh@gmail.com

الگوریتم‌های یادگیری نوآورانه» در آموزش فنی و حرفه‌ای

چکیده

بهره‌گیری از مزیت نسبی و توان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای آتی کشور، توسعه مبتنی بر دانایی، افزایش توان علمی و آموزش مداوم معلمان فنی و حرفه‌ای، گسترش هدفمند مرزهای دانش، نوآوری در علم و فناوری و ارتباط بی‌واسطه بین مراکز آموزشی، بازار کار و نهادهای پژوهشی به منظور ارتقای جایگاه علمی کشور از طریق تربیت نیروی انسانی ماهر و توانمند از اهداف مهم به‌شمار می‌رود و ایده‌ای است که در این مقاله ابعاد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این مقاله الگویی برای مدیریت و برنامه‌ریزی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای با تلفیقی از دیدگاه‌های تغییر و نوآوری و «طرح مدرسه مبتنی بر برنامه درسی مشارکتی و پژوهش‌محور (CLP)» و مربع الکترونیکی (E.square)، با هدف سازمان‌دهی محیط‌های یادگیری نوآورانه، ارائه می‌شود. هسته اصلی این الگو، چرخه‌ای است که با تلفیق چهار

برنامه اصلاحی ۱- توسعه مدرسه، ۲. توسعه برنامه درسی، ۳. اقدام پژوهی و ۴. ارتقای معلم در «مدارس خودنوساز» شکل گرفته است. این چرخه به وسیله هفت فرایند تحولی و چهار نظام پشتیبانی، منطبق با اسناد فرادستی (سند تحول راهبردی و سند برنامه درسی ملی)، زیرساخت‌های لازم را برای توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای با دورنمای رساندن دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای به مراتبی از «حیات طیبه» ارائه می‌دهد. همچنین این طرح شامل تلاشی برای «ترسیم یک افق مشترک» و نحوه دست‌یابی به آن، در قالب یک تفاهم‌نامه همکاری بین مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای است.

مفروض ما این است که با سازمان‌دهی «محیط‌های یادگیری نوآورانه» در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و برقراری ارتباط بین مراکز آموزشی خودنوساز و معلمان نوگرا و دارای علائق مشترک، می‌توان تحرک، طراوت و تازگی لازم را برای رسیدن به اهداف توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای مورد توجه قرار داد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، توسعه مدرسه، توسعه برنامه درسی، پژوهش در عمل، ارتقای معلمان، فناوری آموزشی، نوآوری

مقدمه

در عصر حاضر، در سطح جهان حرکتی از سوی «روش‌های آموزشی سنتی» به سمت «روش‌های غیرسنتی» پدید آمده است (کوو هارلین، ۲۰۰۱) و «نوآوری‌های آموزشی موجود در زمینه محتوای درسی»، روش تدریس و سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان، (شامل مواردی مانند پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، آموزش فعال، سوق دادن محتوای درسی به سمت مسائل اجتماعی، بهره‌گیری از هنر، طرح الگوهایی برای دانش‌آموزان، بومی کردن محتوای کتاب‌های درسی و...) مورد توجه نظام‌های جهانی قرار گرفته است. همچنین جمع‌بندی یافته‌های پژوهش‌ها نشان داده است، دانش‌آموزانی که در فرایند آموزش، از نوآوری‌های آموزشی بهره‌مند می‌شوند، در مقایسه با دیگر دانش‌آموزانی که از این امکان برخوردار نبوده‌اند، سطح علمی بالاتری داشته‌اند (دسالواتور و همکاران، ۲۰۰۰) (منطقی، ۱۳۸۴).

بدون توجه به تعداد مناسب معلمانی که از نظر حرفه‌ای توانمند باشند، دسترسی به کیفیت و عدالت در آموزش فنی‌وحرفه‌ای میسر نخواهد شد. همچنین با تحت پوشش قرار دادن معلمان جدید استخدام، توانمندسازی معلمان موجود و تسهیم دانش بین مدارس و معلمان خودنوگرا، این تعداد به طرز چشم‌گیری افزایش خواهد یافت. واضح است که تقاضا برای معلمان با کفایت و پراگیزه، به نسبت روند کنونی، بسیار زیاد است و بی‌توجهی به این موضوع جهت تحقق اهداف مورد توافق در اسناد فرادستی، به‌ویژه تحقق اهداف آموزشی برای توسعه آموزش فنی‌وحرفه‌ای، نتایج منفی در پی خواهد داشت.

توسعه سیاست‌های مستند و معتبر در خصوص حمایت از برنامه‌های توسعه‌ای مدارس و توسعه حرفه‌ای معلمانی که به‌طور همه‌جانبه تدارک دیده می‌شوند و پرداختن به موضوعاتی نظیر جذب، ابقا، آموزش، شرایط و مقتضیات استخدام، آینده شغلی و پیشرفت حرفه‌ای ایشان الزامی است. هنگامی که در زمینه بازآموزی معلمان به شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب، پرداخته می‌شود، مسائل مربوط به دستمزد، شأن و منزلت و شرایط کاری آن‌ها غالباً به صورتی مطرح می‌شود که در اولویت قرار دارند. در عین حال، تحقیقات نشان می‌دهد که موضوعات مربوط به مدیریت مدارس، حمایت از نوآوری‌های آموزشی معلمان و افزایش امکانات مالی برای آن‌ها از اهمیت یکسانی برخوردار است.

اجرای مدیریت مناسب در زمینه امور معلمان باید به افزایش انگیزه، تضمین کاهش میزان کارگریزی و استقرار مؤثرتر و عادلانه آن‌ها در مناطق شهری، روستایی و دورافتاده

کمک کند. این مسئله به استفاده مؤثرتر از معلمان موجود و در نتیجه ارتقای کیفیت آموزش ارائه شده به فراگیران منجر خواهد شد. همچنین مدیران عالی وزارت آموزش و پرورش، برای گسترش سیاست‌های مناسب به منظور توسعه مدارس و رشد معلمان و پرداختن به شکاف اقتصادی و ظرفیت‌سازی در مدارس (شکاف در نظام‌های اطلاعاتی، جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها)، نیاز دارند که معیارهای بلندپروازانه‌ای را در زمینه برنامه‌ریزی، تجدید نیرو، مدیریت و حمایت از مدارس و معلمان اتخاذ نمایند. (<http://www.irunesco.org>)

در این مقاله، برای کشف و توسعه الگویی برای مدیریت و برنامه‌ریزی مدرسه‌محور با استفاده از پشتیبانی الکترونیکی و رویکردهای یادگیرنده‌محور ایده‌پردازی شده است. در واقع با ارائه چارچوب‌های کلی می‌خواهیم دریابیم که برداشت افراد مختلف در زمینه سازمان‌دهی «محیط‌های یادگیری نوآورانه» چیست؟ و چگونه می‌توان این تجربه‌های نوین را برای آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور الگوسازی کرد و به‌ویژه مدیران و معلمان فنی‌وحرفه‌ای درباره این چالش‌ها و این مسائل چگونه می‌اندیشند؟

وجود آرمان مشترک در نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای، تمایل به دگرگونی در ساختارها، نارضایتی از روش‌های سنتی آموزشی، افزایش سطح خواسته مشتریان و تشدید رقابت در بازارهای جهانی از عمده موضوعاتی است که اثرات آن‌ها در طراحی و ارائه الگوی مدیریت نوسازی و نوآوری» در مراکز آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور، مورد توجه قرار گرفته است.

نوآوری‌های آموزشی (نمونه تجارب جهانی)

نوآوری‌های آموزشی در زمینه محتوای آموزشی، مانند طرح موضوعات نو، همچون تفکر فراملی درباره حفظ محیط زیست، بهره‌گیری از تئاتر، روزنامه‌نگاری و هنرها برای آموزش دروس، آشنا کردن دانش‌آموزان با اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، آموزش در بطن جامعه، آشنا کردن دانش‌آموزان با فرصت‌های شغلی و مشاغل گوناگون، بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی (مانند بازی‌های رایانه‌ای، طراحی‌های رایانه‌ای، آموزش‌هایی براساس شبیه‌سازی، آموزش مجازی، خلق آثار هنری با بهره‌گیری از رایانه و مانند آن‌ها)؛

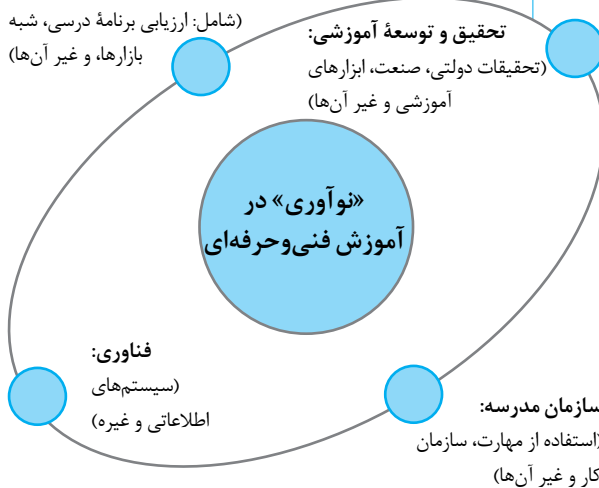
نوآوری در روش‌های آموزشی، مانند تغییر دادن نقش معلمان از یک منبع اطلاعاتی به یک راهنمای پژوهش، طراحی روش و برنامه آموزشی ویژه برای دانش‌آموزان خاص (کودکان بزهکار، کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری و کودکانی که در معرض شکست تحصیلی و اخراج از مدرسه‌اند)؛

تغییر و تحول در مراکز آموزشی، مانند ایجاد مدارس مجازی، کاهش تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری در سطح مدیریت و مراکز آموزشی و گسترش آزادی عمل در محیط‌های آموزشی.

نوآوری‌های گزارش شده توسط معلمان ایرانی (به ترتیب اولویت)

ترویج یادگیری مشارکتی یا گروهی در کلاس درس، نشاطبخش کردن محیط آموزشی، تحکیم رابطه عوامل اجرایی مدرسه با خانواده دانش‌آموزان، جذب کمک‌های مردمی و خیرخواهانه برای مدارس، تلاش برای افزایش انگیزه‌های درسی دانش‌آموزان، تدارک تمهیدات ویژه برای دانش‌آموزان مسئله‌دار مدرسه، جلب همکاری دانش‌آموزان در پیشبرد اهداف مدرسه، دادن استقلال نسبی به معلمان در آموزش دروس، تدوین مطالب درسی براساس نیازها و مسائل اجتماعی، ایجاد امکان تبادل تجربیات میان معلمان، گسترش دانش و اطلاعات معلمان، تربیت دانش‌آموزان خلاق، پیشه کردن آموزش فعال در مدارس، تلاش برای تغییر دادن روش معلم‌محور به دانش‌آموز‌محور و فردی کردن آموزش، سودجویی از فناوری‌های جدید در جریان آموزش، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در جریان آموزش، طرح الگوهای برتر علمی، فرهنگی، اجتماعی برای دانش‌آموزان، انعطاف‌پذیر کردن قوانین و مقررات مدرسه، ترویج مدیریت خلاق و نوآور در مدارس و مناطق آموزشی، حمایت از معلمان و افراد نوآور و مبتکر در نظام آموزشی، ترغیب معلمان به تحقیق و پژوهش، رایج کردن ارزیابی دوستان و هم‌کلاسی‌ها از دانش‌آموزان، تربیت و جذب معلمان خلاق و نوآور، ارزیابی کیفی دانش‌آموزان به‌جای ارزیابی کمی، تدریس میان‌رشته‌ای، همکاری مدرسه با نهادهای اجتماعی برای تحقق یافتن حس نوع‌دوستی دانش‌آموزان، ادغام آموزش عملی و نظری در مدرسه، آموزش دانش‌آموزان معلول در مدارس عادی، ایجاد امکان تبادل تجربیات دانشگاهی برای دانش‌آموزان، بهره‌گیری از هنر در فرایند آموزش، تدوین محتوای کتاب‌های درسی براساس نیازهای بومی دانش‌آموزان (منطقی، ۱۳۸۴).

نظام آموزشی:



الگوی مدیریت تغییر و نوآوری در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

در نوشته‌ها و تحقیقات مدیریت، برای ایجاد تحول و نوآوری و نهادی کردن آن در سازمان‌ها، به سه دیدگاه زیر اشاره شده است:

اول، دیدگاه روان‌شناختی: دیدگاهی که نوآوری را بیشتر یک امر «روان‌شناختی» و مربوط به «میزان هوش و استعدادهای فردی» تلقی می‌کند. بنابراین، در سازمان به استفاده از امکانات آموزشی و سیستم پاداش و تقویت‌کننده‌های مثبت، به منظور پرورش استعدادها و خلاقیت‌های افراد باهوش و با استعداد، توصیه می‌شود.

دوم، دیدگاه اجتماعی، که خلاقیت و نوآوری سازمانی را بیشتر امری «جامعه‌شناختی» و مربوط به «فراهم آمدن محیط و زمینه مناسب برای بروز استعدادها» می‌داند. این نگرش «غنی‌سازی امکانات و زمینه‌های لازم در سازمان» را برای «ایجاد و استمرار خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها» توصیه می‌کند. **سوم، دیدگاه سیستمی،** که ایجاد نوآوری‌ها و استمرار و فراگیری آن‌ها در سازمان را «یک امر سازمانی» یعنی فراتر از عوامل فردی و فراهم آوردن صرف امکانات و زمینه‌های لازم تلقی می‌کند، به این معنی که فراهم آوردن مجموعه و سیستمی از عوامل در سطح فردی و گروهی همراه با ساختارها، کارکردها و نقش‌های مرتبط با آن‌ها و نیز ارزش‌ها و باورهای خاص سازمانی را لازم می‌داند تا به‌وسیله آن‌ها بتوان خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و تحولات پویا و سازنده را در سازمان به‌صورت مستمر و فراگیر پدید آورد و آن‌ها را به‌صورت پیش‌فرض اساسی برای بقا و رشد سازمانی نهادینه کرد (سلطانی تیرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

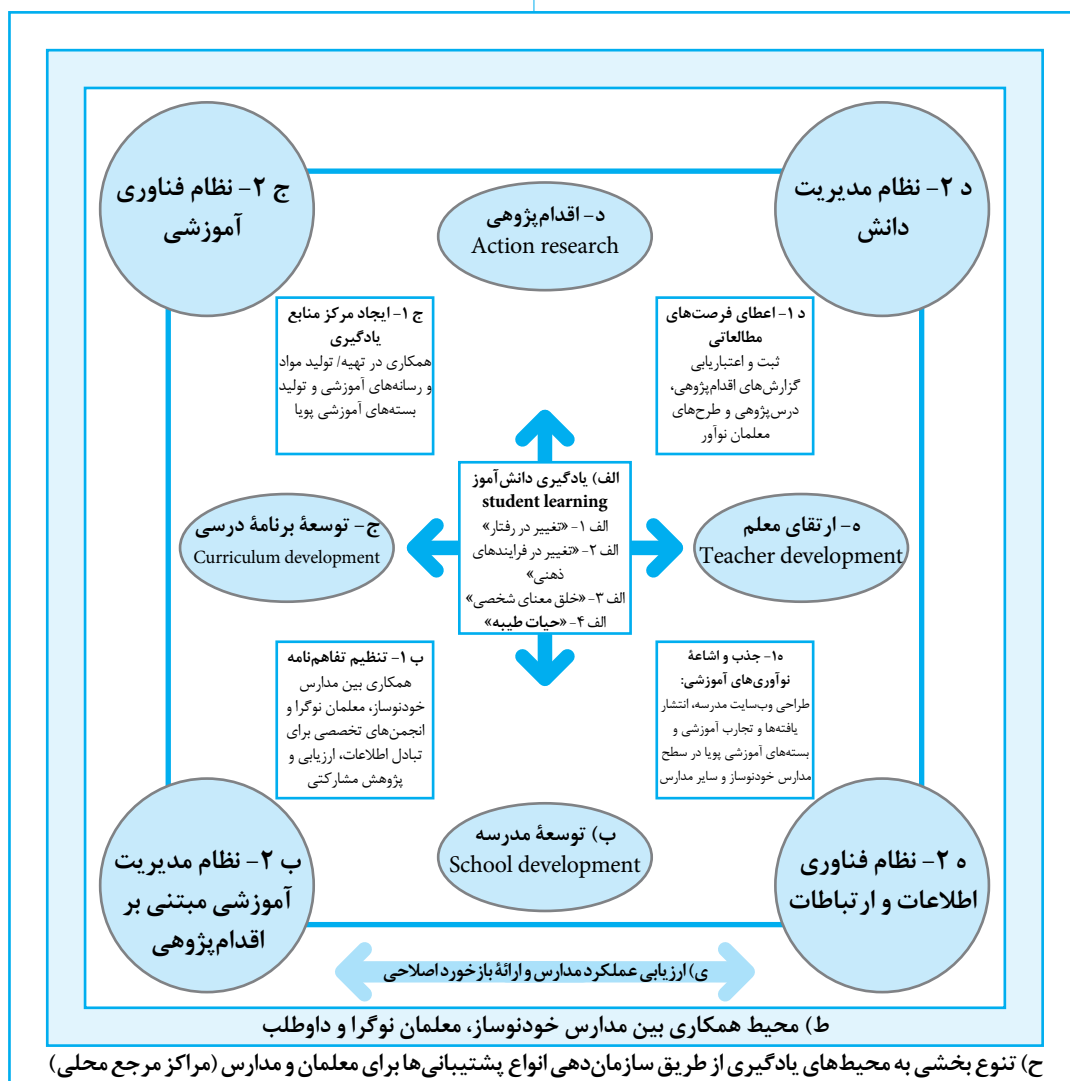
شمای کلی «الگوی مدیریت تغییر و نوآوری در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشور» با تلفیقی از دیدگاه‌های ایجاد تحول و نوآوری، «طرح مدرسه مبتنی بر برنامه درسی مشارکتی و پژوهش‌محور (CLP)»^۱، و مربع الکترونیکی (E-square)^۲ استفاده شده است. هسته اصلی این الگو، چرخه‌ای است که با تلفیق **چهار برنامه اصلاحی** ۱. توسعه مدرسه (School development)، ۲. توسعه برنامه درسی (Curriculum development)، ۳. اقدام پژوهی (Action research) و ۴. ارتقای معلم (Teacher development) در «مدارس خودنوساز» شکل گرفته است.

این چرخه به وسیله **هفت فرایند تحولی** ۱. تنظیم تفاهم‌نامه همکاری بین «مدارس خودنوساز»، ۲. همکاری در ایجاد مرکز منابع یادگیری، ۳. اعطای فرصت‌های مطالعاتی به معلمان پژوهنده، ۴. جذب و اشاعه نوآوری‌های آموزشی در سطح مدارس خودنوساز، ۵. شکل‌گیری محیط همکاری

شکل ۱ - منظومه روابط بین مؤلفه‌های اصلی مرتبط با نوآوری در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای (منبع: www.oecd.org)

پشتیبانی مالی، اداری، علمی، فنی و نظارتی حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و ساختارها و کارکردهای یک پارچه و هماهنگی، از سطح کلاس، مدرسه، منطقه، سطح استانی و ملی و منطبق با اسناد فرادستی (سند تحول راهبردی و سند برنامه درسی ملی)، زیرساخت‌های لازم را برای توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای با دورنمای سازمان‌دهی «محیط‌های یادگیری نوآورانه» به منظور رساندن دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای به مراتبی از «حیات طیبه» ارائه می‌دهد و برای ترسیم و توصیف مفاهیم مورد اشاره در آن، از الگوی «کلاژ یا درهم آمیختگی»^۲ استفاده شده است.

بین مدارس خودنوساز و معلمان نوگرا، ۶. تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری از طریق ارتباط با جامعه محلی، ۷. ارزیابی عملکرد مدارس خودنوساز، معلمان نوگرا و ارائه بازخوردهای اصلاحی، با چهار نظام پشتیبانی ۱. نظام مدیریت آموزش مبتنی بر اقدام پژوهشی (EMAR)، ۲. فناوری آموزشی (Education Technology)، ۳. مدیریت دانش (Knowledge Management) و ۴. فناوری اطلاعات و ارتباطات «فاوا» (ICT)، با همکاری گروه کاری مدارس خودنوساز و معلمان نوگرا، با مشارکت گروه‌های ذی‌نفع (گروه‌های داوطلب، انجمن‌های تخصصی و...)، با



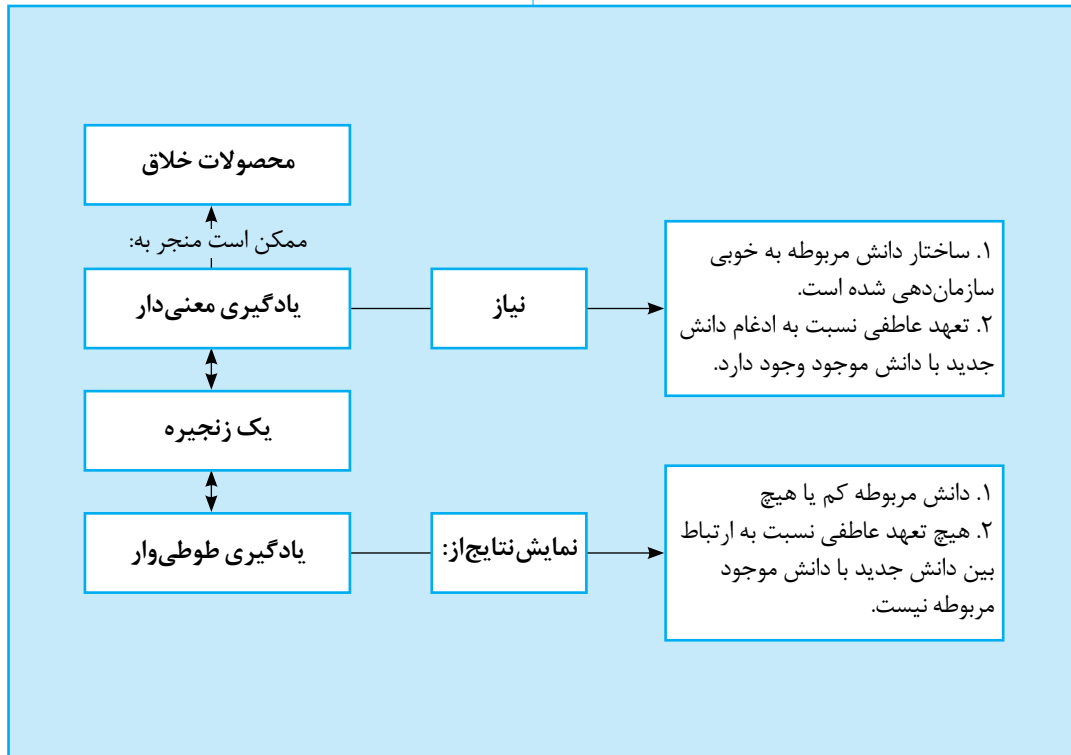
شکل ۲- شمای کلی الگوی «مدیریت تغییر و نوآوری» در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشور



توصیف برخی مفاهیم مورد اشاره در الگوی پیشنهادی الف - حیات طیبه:

بر اساس بنیان‌های نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، هدف و غایت زندگی دنیوی بر مبنای معارف اسلامی و مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام دستیابی به حیات طیبه توسط دانش‌آموزان و متریان است. آموزش و پرورش مسئولیت دارد تا زمینه‌ی لیبیک‌گویی آگاهانه و آزادانه دانش‌آموزان به ندای الهی را فراهم آورد و آنان را برای

دستیابی به حیات پاک و طیب در این دنیا و استمرار آن در آخرت مهیا سازد. عمل صالح و ایمان، که بر مفهوم تعالی بخش و انسان‌ساز قرآنی استوار است، در صورت تبیین دقیق و جامع آن، می‌تواند به نیازهای انسان سرگشته و مضطرب عصر حاضر پاسخ دهد و او را به زندگی مطلوب دنیوی و اخروی در همه ابعاد و مراتب رهنمون سازد و تحقق آن موجب دستیابی به قرب الی‌الله و مقام خلیفه‌الهی خواهد شد (علی‌اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹).



شکل ۳: محصولات خلاق در سطح بسیار بالا نتیجه یادگیری معنی‌دار است.
(منبع: <http://cmap.ihmc.us>)

از پیام مستتر در شکل ۳، می‌توان این‌طور استنباط کرد که «تأکید بر یادگیری معنی‌دار»، با «تکیه بر ساختار دانش به خوبی سازمان‌دهی شده»، همراه با «تعهد عاطفی نسبت به ادغام دانش جدید با دانش موجود بشری» سبب «خلق محصولات خلاق» و موجب دستی‌یابی به مراتبی از حیات طیبه در جهت قرب الی‌الله و مقام خلیفه‌الهی مربیان و متریان خواهد شد.

ب - توسعه مدرسه (School development):

ب-۱ - با هدف: سازمان‌دهی «محیط‌های یادگیری نوآورانه»

به وسیله تنظیم تفاهم‌نامه همکاری بین مدارس خودنوساز و معلمان نوگرا؛

از طریق ۱- تبادل اطلاعات و تجربیات، ۲. ارزیابی عملکرد و ارائه بازخورد اصلاحی، ۳. پژوهش مشارکتی

در موضوعات مورد علاقه و...؛

ب-۲ - با پشتیبانی سیستم مدیریت آموزشی مبتنی بر اقدام‌پژوهی (EMAR).

۱- تنظیم تفاهم‌نامه همکاری بین مدارس خودنوساز

گروه کاری «مدارس خودنوساز» یک ائتلاف ملی متشکل از شرکای مشتاق در زمینه توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای است، که هدف آن افزایش تلاش ملی برای پرداختن به شکاف در زمینه توانمندی معلمان فنی و حرفه‌ای کشور برای طی دوره انتقال از «نظام فعلی» به «نظام تحول بنیادین» است. این گروه به منزله هسته اولیه مدارس خودنوساز و ابزاری در جهت پی‌گیری و کمک به تحقق اهداف راهبردی ترسیم شده در سند تحول راهبردی و سند برنامه درسی ملی است و این اختیار را دارد که هماهنگی و نظارت ملی بر فعالیت‌های فوق‌الذکر را تضمین نماید. بدین منظور، معلمان خودنوگرا در قالب شرکای کاری، یک سازوکار پی‌گیری مناسب راه، که اساس آن کمک داوطلبانه به مدارس و معلمان داوطلب خواهد بود و در ارتباط تنگاتنگ با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است، ایجاد خواهد کرد.

۱-۱- چارچوب پیشنهادی برای تنظیم پیش‌نویس «تفاهم‌نامه همکاری بین مدارس خودنوساز»

این طرح عملی، در نظر دارد تا با تهیه یک «نقشه راه» زمان‌بندی شده به مدارس خودنوسازی، که در زمینه تحقق راهبردهای «حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری» با چالش روبه‌رو هستند، از طریق پر کردن شکاف مربوط به توانمندی‌های مورد نیاز معلمان فنی و حرفه‌ای تا سال ۱۴۰۴ کمک نماید.

طرح عمل مذکور اهداف کلیدی و فعالیت‌های ویژه‌ای راه، که توسط شرکای مدارس خودنوساز از سال تحصیلی آینده و

پس از آن، به منظور مقابله با مشکلات «معلمان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای»، در زمینه اجرای برنامه‌های «تحول بنیادین» توسط خود آن‌ها اتخاذ خواهد شد، به‌طور دقیق ارائه می‌دهد. برای تقویت ظرفیت‌های علمی و مفهومی مدیران و معلمان و آشنایی با روش‌های پیشرفته آموزشی و رشد کیفی یادگیری دانش‌آموزان، پیش‌بینی اقدامات زیر در سطح ملی و منطقه‌ای ضرورت می‌یابد، تا از سال ۱۴۰۴-۱۳۹۲ به منظور تضمین اجرا و نظارت به موقع و مؤثر این طرح عمل و نیز هماهنگ‌سازی مؤثر شرکای آموزش و پرورش در سطح جامعه ملی و محلی در جهت اهداف زیر، در زمینه معلمان فعالیت کنند:

- جمع‌آوری و استفاده مشترک از اطلاعات، تجارب و شیوه‌های کاری مطلوب؛

- انتشار آثار تحلیلی در زمینه سیاست‌گذاری‌های مربوط به معلمان؛

- ترویج حمایت و سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه معلمان و نیز ارتقای گفت‌وگو در مورد سیاست‌های مربوط به آن‌ها؛

- ارائه کمک برای توسعه ظرفیت ملی در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت؛

- برگزاری جلسات متعددی با معلمان، مدیران و مسئولان مناطق مختلف آموزش و پرورش با هدف بحث و تبادل نظر درباره نوآوری‌های آموزشی؛

- برگزاری همایش کارآموزی معلمان فنی و حرفه‌ای کشور با هدف نوسازی برنامه‌ریزی آموزشی، تدوین کتاب‌های درسی و تولید بسته‌های آموزشی؛

- اجرای طرح‌های مطالعاتی در زمینه توانمندسازی و به روز کردن دانش معلمان به منظور ارتقای درک مفهومی دانش‌آموزان. <http://www.irunesco.org>

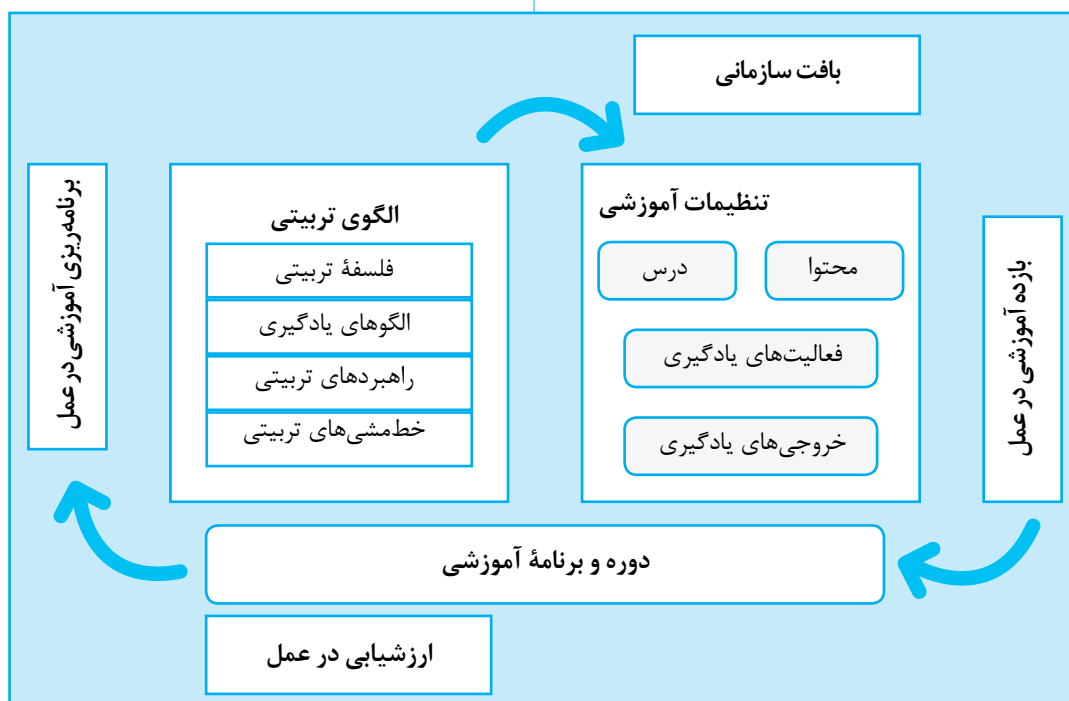


عکاس: نسرين اصغري



عکاس: نسرين اصغری

ب ۲- الگوی مدیریت آموزشی مبتنی بر پژوهش در عمل (EMAR)



شکل ۴- الگوی مدیریت آموزشی مبتنی بر پژوهش در عمل (EMAR)
(منبع: <http://www.ics.heacademy.ac.uk>)

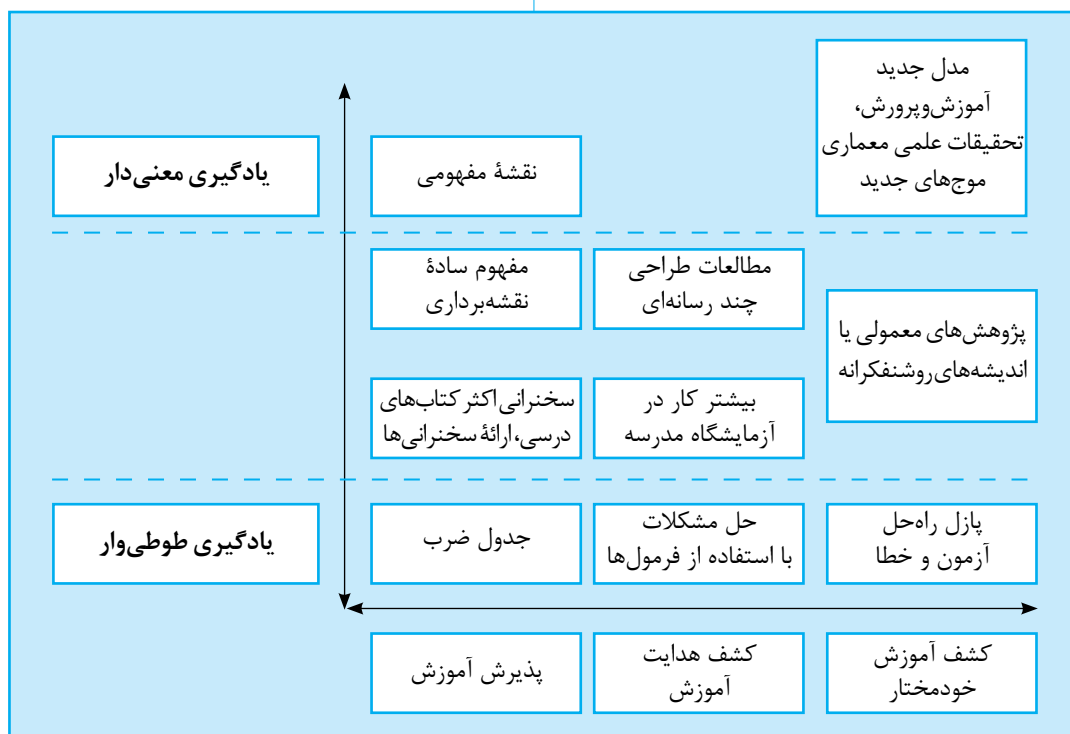
ج ۱ توسعه برنامه درسی (Curriculum development):

- ج ۱- با هدف توسعه برنامه درسی مدرسه محور برای تحقق سطحی از حیات طیبه؛ به وسیله تنوع‌بخشی به محیط‌های یادگیری (ایجاد مرکز منابع یادگیری و...); از طریق ۱. همکاری در تهیه، تولید و مبادله مواد و رسانه‌های آموزشی؛ ۲. تولید بسته‌های آموزشی پویا و... .
- ج ۲- با پشتیبانی تکنولوژی آموزشی و به‌کارگیری طراحی آموزشی.

ج ۱- کاربرد «نقشه مفهومی» در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

یکی از روش‌های آموزشی جدید که ارتباط بسیار نزدیکی با نظریه «ساختن‌گرایی»^۱ دارد، استفاده از «نقشه‌های مفهومی»^۲ است که می‌توانند در مراحل مختلف آموزش، از طراحی و تهیه محتوای برنامه درسی گرفته تا مرحله اجرا و ارزشیابی، مورد استفاده قرار گیرند. در بیست سال اخیر، معلمان و پژوهشگران برای تسهیل، تسریع و عمق‌بخشی یادگیری، از نقشه‌های مفهومی بسیار استفاده کرده‌اند. (<http://badrian.blogfa.com>)

رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی است، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختاریافته و مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی با نشاط و مدرسه دوست‌داشتنی را به تصویر بکشد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۲، ص ۴).



شکل ۵: زنجیره موج‌های یادگیری (جایگاه نقشه مفهومی در یادگیری معنی‌دار)
(منبع: <http://cmap.ihmc.us>)

جدول شماره ۱. کاربرد نقشه مفهومی (Concept Mapping) در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی:

الف) اطلاعاتی است که دانش‌آموزان باید بدانند: ۱. دانش، ۲. محرک (عاطفی)، ۳. مهارت (روانی - حرکتی)	ب) ایده‌پردازی در گروه درسی: برای تعیین فعالیت‌های یادگیری که به بهبود عملکرد و یادگیری دانش‌آموز کمک می‌کند.	ج) پیش‌بینی ابزارهایی که به بهبود عملکرد دانش‌آموزان و کارآیی کمک می‌کند.	د) تعیین گام‌های آموزشی که دانش‌آموز برای رسیدن به هدف باید بردارد.	ه) تعیین معیار برای ارزشیابی (میزان دستیابی به اهداف آموزشی)
--	---	---	---	--



د) اقدام پژوهی (Action research)

۱د- با هدف پر کردن شکاف مربوط به توانمندی‌های مورد نیاز معلمان فنی و حرفه‌ای تا سال ۱۴۰۴.

به وسیله طرح‌ریزی و اجرای برنامه ملی معلم پژوهنده (مدیر، کارکنان، معلم، دانش‌آموز و اولیای پژوهنده)؛
از طریق ۱. پشتیبانی ستادی (مالی، اداری، اطلاعاتی و تشویقی) مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای خودنوساز،
۲. همکاری در اعتباریابی گزارش‌های اقدام‌پژوهی و ۳. ارزیابی، جذب و انتشار طرح‌های معلمان نوآور، ثبت و
اشاعه نوآوری‌های آموزشی (به کارگیری الگوی آبخاری - «جذب» از پایین به بالا، - ارزیابی و اعتباریابی - و
سپس «اشاعه» از بالا به پایین).

۲د- با پشتیبانی سیستم مدیریت دانش.

د) پژوهش در عمل (اقدام پژوهی)

پژوهش در عمل، نوعی تحقیق است که توسط خود افراد درگیر در یک مسئله و برای حل یا کاهش مسئله انجام می‌گیرد. «عمل» اصلی‌ترین محور در این نوع تحقیق است. اقدام‌پژوهی، رویکردی آموزشی و پژوهشی است که هدف از آموزش و به‌کارگیری آن، حل چالش‌ها و مسائلی است که معلمان در حین عمل و به‌ویژه طی فرایند یاددهی - یادگیری با آن مواجه می‌شوند.

د ۱- محیط همکاری بین مدارس خودنوساز

د ۱-۱- همکاری در تولید بسته آموزشی

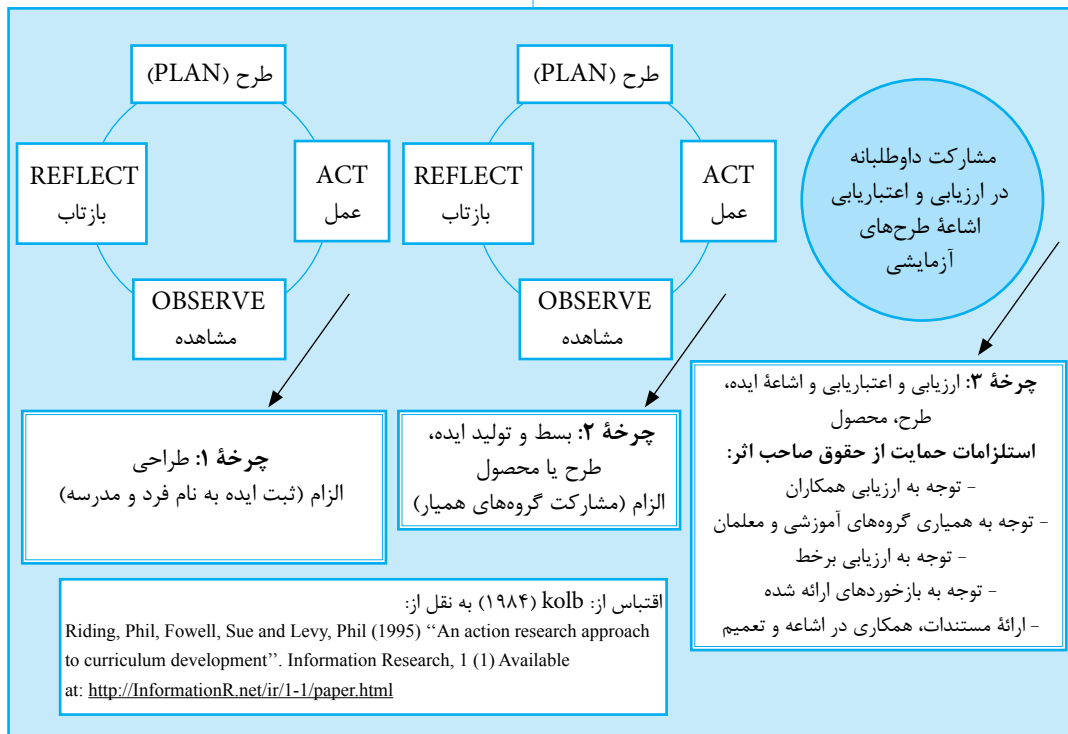
در بررسی‌های به عمل آمده از میزان آشنایی معلمان از «بسته آموزشی» چنین برداشت می‌شود که تعریفی که از این مفهوم در ذهن معلمان وجود دارد محدود و متفاوت است. بسیاری از آن‌ها در پاسخ به این سؤال که «بسته آموزشی چیست؟» اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. برخی از آن‌ها هم که خود را مطلع از بسته آموزشی می‌دانند، نظرات گوناگونی ارائه می‌دهند. برای مثال، برخی از این گروه‌ها لوح فشرده درسی را بسته آموزشی می‌دانند و برخی دیگر، ابزارهایی مانند تصاویر، فیلم، مدل و... را بسته آموزشی می‌نامند. آن‌ها اعتقاد دارند هر ابزار ساده یا پیچیده‌ای که در آموزش از آن استفاده شود، در مجموع بسته آموزشی نامیده می‌شود.

بعضی از معلمان کاربرد روش‌ها و فنون تدریس را به

موارد فوق اضافه می‌کنند و معتقدند نگاه آن‌ها به آموزش نگاهی سیستماتیک است و در نتیجه در کلاس درسشان مشکلات آموزشی کمتری دارند. بسته آموزشی در ایران یکی از مفاهیم جدیدی است که تعداد اندکی از معلمان با آن آشنا هستند. به نظر می‌رسد جامعه کنونی ما با این مفهوم آمادگی آشنایی بیشتری پیدا کرده است (نادری، ۲۰۱۲، ص ۳۰).

د ۱-۲- هدف از تولید بسته آموزشی پویا

می‌خواهیم از طریق جمع‌آوری و پردازش همه تجارب یادگیری، مواد و رسانه‌های آموزشی تولید شده، در سطح مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای خودنوساز، محصولات تولیدی را به نام مدرسه و تولیدکننده اصلی آن مستند کنیم و پس از ارزیابی مشارکتی توسط همکاران، آن‌ها را بر حسب «هر واحد یادگیری» به صورت دیجیتالی طبقه‌بندی و به کمک «پدیده تولید»، «بسته آموزشی پویا» از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی برای مدارس و معلمان علاقه‌مند به یک رشته در سطح ملی قابل دسترس نماییم. سپس با تبادل آن، بین کسانی که در یک حوزه یادگیری مولد و تولیدکننده‌اند، از نظر منابع آموزشی از سطح فعلی (تکیه بر محتوای کتاب‌های درسی چاپی و بسته‌های آموزشی استاندارد ملی) به سطح مورد انتظار «تولید بسته آموزشی پویا»، یعنی بسته‌ای که اجزای آن همواره در حال به روز شدن و در دسترس همگان بودن است، برسانیم.



شکل ۹- فرایند تولید و اعتباریابی بسته‌های آموزشی پویا به کمک الگوی اقدام‌پژوهی مشارکتی



د ۲- نظام مدیریت دانش (کار تیمی و تسهیم دانش)

بسیاری از سازمان‌ها در درون خود از نظام مدیریت دانش برای ایجاد، سازمان‌دادن و نشر دانش استفاده می‌کنند. ایجاد نوآوری مشتمل بر شناخت و تسهیم اطلاعات و دانش است که می‌تواند به کار سایر افراد بیاید. برای گذر از دانش اختصاصی به سوی تسهیم ایده‌ها، باید تغییری فرهنگی را از سر گذراند. این امر می‌تواند از شیوه‌های ذیل حاصل گردد:

۱) سازمان‌دهی دانش: اطلاعات برای در دسترس بودن باید در سراسر سازمان توزیع گردند؛

۲) توسعه دانش: معلمان فنی‌و حرفه‌ای در هر حوزه باید اطلاعاتی را که دیگران ارسال می‌کنند، مرور و تأیید نمایند. این کار اعتبار مطالبی را که منتشر می‌شود افزایش می‌دهد و بهترین کاربردهای آن‌ها را در سازمان توصیه می‌کند؛

۳) نشر دانش: چالش اصلی، یافتن راه‌های انگیزش معلمان آموزشی فنی‌و حرفه‌ای برای مستند کردن ایده‌ها و دانش کسب شده است، به نحوی که در دسترس سایرین قرار گیرد. این تفکر، بسیار ساده اما در عین حال پیاده‌سازی آن دشوار است. اما این دشواری در سازمان‌هایی که از راهبرد نوآوری استفاده کرده‌اند دیده نمی‌شود، زیرا کار تیمی و تسهیم دانش را برای رشد و یادگیری خود یک اولویت راهبردی معرفی کرده‌اند (هداوند، ۱۳۸۸).

نیازهای افراد» در عین «تأمین رضایت همزمان کل گروه»، به کاروری مداوم نیاز دارند.

اندروز و ویلر (۱۹۹۰)، ادعا کردند که راهبردهای انتخاب شده توسط دانشجویان تربیت معلم، در اثر تجارب سر کلاس خیلی زود از بین می‌روند. چرا چنین است؟ یک پاسخ برای آن ادامه تمسک نسل‌های متمادی معلمان به یک سنت شفاهی جمعی درباره نحوه اجرای آموزش در کلاس درس است. البته نیازی به توضیح پیچیده‌تر نیست که رابطه استاد - شاگردی نگرش، باور و عمل معلم جدید را شکل می‌دهد. مباحثه اتاق معلمان درباره حافظه کاری، سنجش تعاملی، سنجش فرایندهای شناختی، گفتار درونی، وساطت و تغییرپذیری شناختی، پدیده‌ای بسیار نادر است.

سایر کارکنان مدرسه نیز نیاز به آگاهی از آموزش و پرورش شناختی دارند. برای مثال، روان‌شناسان تربیتی و مشاوره و راهنمایی مدرسه، در مدارس ابتدایی و متوسطه طیف وسیعی از خدمات را به دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه ارائه می‌دهند که می‌تواند مبتنی بر اصول روان‌شناسی شناختی باشد (اشمن و همکاران او، ۱۳۹۳). این نقش‌های بالینی را به شرح زیر توصیف کرده‌اند:

- مشاوره گروهی، فردی و حرفه‌ای، مشاوره با گروه خاص، برنامه‌های راهنمایی بازدارنده، مشاوره با اولیا و خانواده‌ها، اجرای آزمون و تفسیر آن، مدیریت رفتاری، آموزش مهارت‌های بین فردی و اجتماعی، مشاوره درباره

ه- ارتقای معلم (Teacher development)

ه ۱- با هدف تسهیل دسترسی مدارس خودنوساز به دانش فنی و تشویق به آموزش مداوم معلمان فنی‌و حرفه‌ای؛

به وسیله کاربرد گسترده آموزش مجازی و از راه دور برای آموزش همزمان و مدام معلمان فنی‌و حرفه‌ای؛ از طریق: ۱. شبکه رشد، ۲. انجمن‌های تخصصی، ۳. شبکه اجتماعی مدارس خودنوساز و معلمان نوگرا، ۴. وبسایت مدرسه، ۵. نشریات آموزشی الکترونیک، ۶. دوره‌های ضمن خدمت از راه دور، ۷. برگزاری همایش‌های تخصصی با استفاده از امکانات گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات (ویدئوکنفرانس و غیره).

۲. با پشتیبانی فناوری اطلاعات و ارتباطات «فاوا» (ICT)

پیشرفت دانش آموز، مدیریت موارد خاص و انجام ارجاعات، آموزش حین خدمت کارکنان مدرسه، ارائه کمک شخصی و حرفه‌ای به کارکنان مدرسه و تغییر فرهنگ آموزش و پرورش، به نحوی که دربرگیرنده روش‌های شناختی گردد. ولی شاید مشکل‌ترین تغییری که باید اتفاق بیفتد انتقال راهبردهای شناختی از معلمان به دانش‌آموزان است که به رویکردی نظام‌مند نیاز دارد (خرازی، ۱۳۸، صص ۲۳-۱۸).

چون پیش‌بینی و تأمین نیازهای آموزشی معلمان فنی‌و حرفه‌ای به روش‌های حضوری در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست، کاربرد گسترده نظام فناوری اطلاعات و ارتباطات «فاوا» (ICT) برای تدارک آموزش معلمان فنی‌و حرفه‌ای به

معلمان فنی‌و حرفه‌ای، به مهارت‌هایی نیاز دارند که قابل کاربرد در کلاس درس باشد، مانند راهبردهای تدریس، دانش محتوا، مهارت‌های اداره کلاس، استفاده از منابع مربوطه، راه‌های توسعه تماس‌های حرفه‌ای، مدیریت حجم کار یا فشار روانی که بخشی از آن‌ها در سال اول یا دوم تدریس در کلاس، تجربه خواهد شد.

در بررسی‌های انجام گرفته بر روی معلمان جدید نشان داده می‌شود که آن‌ها راجع به: ۱. کسب آگاهی درباره چگونگی یادگیری دانش‌آموزان، ۲. نحوه تشخیص سبک یادگیری و برتری یک سبک بر سبک دیگر، ۳. چگونگی ترکیب دانش فرایند با دانش محتوا یا ۴. چگونگی «تأمین

صورت مجازی، از راه دور، همزمان و مداوم ضرورت می‌یابد.

ی- فرایند ارزیابی عملکرد و ارائه بازخوردهای اصلاحی

هدف اصلی از ارزش‌یابی حرفه‌ای، تولید اطلاعاتی است که می‌تواند در طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌ها برای بالا بردن کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزش‌یابی ممکن است در اشکال مختلف، نظیر ارزیابی و نیازمندی‌ها، ارزش‌یابی فراگیران، ارزش‌یابی کارکنان، ارزش‌یابی اثربخشی، تحلیل هزینه‌ها و سودمندی و دیگر انواع آن صورت گیرد. ارزش‌یابی مطالعه‌ای است که برای کمک به مخاطبان، در جهت قضاوت و بهبود ارزش بعضی از اهداف تربیتی، طراحی و هدایت شده است. براساس عناصر نظام آموزشی می‌تواند ارزیابی را به شرح زیر مطرح کرد:

ارزیابی فرایند - در نظام آموزشی می‌توان سه دسته فرایند را موردنظر قرار داد:

الف) فرایند ساختی - سازمانی، ب) فرایند یاددهی - یادگیری و ج) فرایند پشتیبانی - برقراری امور؛

ارزیابی برون‌دادها و پیامدها - از جمله جنبه‌های دیگری که برای فراهم آوردن کیفیت در نظام آموزشی باید ارزیابی شود برون‌داد واسطه‌ای، برون‌داد نهایی و پیامدهاست. در ارزیابی نظام‌های آموزشی معمولاً مفاهیم «کیفیت»، «کارایی» و «اثربخشی» مورد توجه قرار می‌گیرد. کیفیت با کارایی و اثربخشی رابطه مستقیم دارد. کیفیت نظام آموزشی عبارت است از میزان تطابق «وضعیت موجود» با هر یک از حالت‌های ۱. استانداردها (معیارهای از قبل تعیین شده) و ۲. رسالت، هدف و انتظارات (CRAFT، ۱۹۹۴).

ی ۱- هدف، ضرورت و روش‌های ارزیابی اثربخشی در آموزش فنی و حرفه‌ای

با توجه به گسترش برنامه‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، که مستلزم صرف منابع انسانی، مالی و مادی فراوانی است، تأمین این منابع موجب حساسیت بیشتر مدیران و شرکت‌کنندگان در دوره‌ها نسبت به آموزش شده است. بررسی میزان اثربخشی دوره‌ها و ارائه بازخورد اطلاعاتی به افراد، پاسخی منطقی به این حساسیت است.

ی ۱-۱- نمونه‌ای از ابزار ارزیابی اثربخشی (معلم کارآمد و مؤثر) عبارت است از:

الف) دانش درباره موضوع درسی: آیا معلم دانش و معلومات مورد نیاز را داراست؟

ب) سازمان‌دهی و وضوح ارائه مطالب در گروه: آیا مطالب معلم سازمان‌یافته است؟ آیا راهبردهای تدریس آگاهانه مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ آیا نکات مهم به صورت خلاصه ارائه می‌شود؟

ج) تعامل بین معلم و شاگرد: آیا در کلاس‌های درس بحث صورت می‌گیرد؟ آیا همه حاضران به طرح پرسش‌های خود تشویق می‌شوند؟

د) سطح علاقه و هیجان: آیا معلم نسبت به امر تدریس علاقه نشان می‌دهد؟ آیا معلم به فراگیران احترام قائل می‌شود؟

ه) استفاده از مواد آموزشی: آیا مواد آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

و) پیشرفت فراگیران: آموزش‌های فراگیران تا چه حدی است؟ چه نوع آموزشی می‌بینند؟

ز) دادن بازخورد به فراگیران در مورد پیشرفت آنان: آیا معلم صادقانه و در عین حال با ظرافت فراگیران را از چگونگی پیشرفت خود مطلع می‌کند؟

ح) کمک به انتقال آموخته‌ها به خارج از کلاس: آیا معلم امر انتقال آموخته‌های کلاس را به خارج از کلاس تسهیل می‌کند؟ آیا در کلاس، طرح ایجاد درآمد ارائه می‌شود (ابیلی، ۱۳۷۵) (سلطانی، ماهنامه تدبیر، <http://vista.ir>)

۶. تبدیل ایده به واقعیت

برای تبدیل ایده‌های سنت‌شکن به واقعیت، باید این نکته درک گردد که چگونه باید با فرایندهای موجود مواجه شد و بر آن‌ها غلبه کرد. تعیین گام‌های اجرایی، به تحقق این موضوع کمک می‌نماید. برای این کار لازم است تا در شروع هر برنامه نوآوری به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

* وضعیت فعلی فرایندهای آموزشی چگونه است؟ چگونه می‌توان آن‌ها را تغییر داد؟ هدف از این تغییر چیست؟ معیارهای موفقیت در این زمینه کدامند؟ مخاطبان این فرایند چه کسانی هستند؟ چه کسانی در این فرایند مشارکت می‌کنند؟ داده‌ها و اطلاعات ورودی کدامند؟ از چه ابزارهای تحلیلی استفاده می‌شود؟ چه وقایع یا مراحل در این فرایند وجود دارد؟ این فرایند چه نوع تصمیماتی را ایجاد می‌کند؟ معیارهای تصمیم‌گیری کدامند، تصمیمات چگونه تبیین می‌شوند و برای چه کسانی؟ چگونه این فرایند به سایر سیستم‌های مدیریتی متصل می‌شود؟

بعد از مستندسازی جزئیات هر مرحله، لازم است فهرستی از گروه‌های ذی‌نفع تهیه گردد و از آن‌ها خواسته شود تا مراحل ذکر شده را از نظر تأثیر روی چالش نوآوری ارزیابی نمایند. پاسخ‌های ارائه شده به تدوین برنامه‌های آموزشی نوآورانه کمک خواهد نمود (هداوند، ۱۳۸۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وجود آرمان مشترک در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، تمایل به دگرگونی در ساختارها، نارضایتی از روش‌های سنتی آموزشی، افزایش سطح خواسته مشتریان و تشدید رقابت

در بازارهای جهانی از دیگر موضوعاتی است که اثرات آن در تدوین فرایند مدیریت نوآوری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

اشتیاق به عبور از این تعاملات به ظاهر گریزناپذیر، اغلب محرک نوآوری است. مثلاً توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نمایان‌گر دو ایده متضاد تمرکززدایی افراطی و مدیریت منضبط و کلان است. شاید احساس شود که علاقه شدید حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش به حفظ وضعیت فعلی، اراده نظام آموزش را به سرمایه‌گذاری روی ایده‌های جدید تحت تأثیر قرار می‌دهد. یا شاید این تصور شکل گیرد که نظام آموزش فنی و حرفه‌ای غیرمتمرکز در جست‌وجوی مزیت‌های رقابتی، چابکی خود را روز به روز بیشتر از دست می‌دهد. در چنین شرایطی چالش پیش روی نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فرصتی برای تبدیل «این یا آن» به «هم این و هم آن» است.

مدارس خودنوسازی که در زمینه تحقق راهبردهای «حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری» با چالش روبه‌رو هستند، می‌توانند برای پر کردن شکاف مربوط به توانمندی‌های مورد نیاز خود تا سال ۱۴۰۴ به همدیگر کمک نمایند. آن‌ها می‌توانند با حل مسائل مربوط به هر یک از عوامل ذکر شده با تغییرات وارده به نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور هم‌سو شوند و به هدف بهره‌وری بیشتر دست یابند.

حال اگر مطلب فوق را به صورت معادله زیر نشان دهیم: (نوآوری + بهره‌وری، بهبود مستمر عملکرد)، مشاهده می‌شود: خلاقیت و به موجب آن دست‌یابی به نوآوری و بالارفتن اثربخشی و کارایی (بهره‌وری نیروی انسانی) می‌تواند جهت حرکت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشور را نسبت به تغییرات جهانی هم‌محور و به سمت توسعه ملی بالنده سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در زمینه تجربه هنگ‌کنگ، نگاه کنید به: دفتر آموزش هنگ‌کنگ، در جست‌وجوی برنامه درسی مشارکتی (CLP)، (دسترسی: www.edb.gov.hk)

۲. در زمینه تجربه ژاپن، نگاه کنید به: رضوی، سیدعباس. (۱۳۸۶). مباحث نوین در فناوری آموزشی، ناشر: دانشگاه شهید چمران اهواز، ص ۳۶۴.

۳. در ادبیات پست‌مدرنیسم، استعاره جدیدی به نام «کلاژ» مطرح است. «کلاژ» یا «درهم‌آمیختگی» نوعی هنر است که اشیاء، قطعات و اجزای مختلف را به گونه‌ای در کنار یک‌دیگر می‌چینند تا تصویری جدید، بدیع و با معنا حاصل شود. کاربرد این استعاره در سازمان، یعنی اینکه مدیر، نظریه‌پرداز یا رهبر باید بتواند با به کارگیری شیوه‌ها و ریزخساره‌های گوناگون، خساره مورد نظر خود را بسازد، بنابراین باید در نقش یک هنرمند عمل کند. هنرمند، در هنر «درهم‌آمیختگی» تعدادی تصویر نامربوط را در کنار یک‌دیگر قرار می‌دهد و از این راه یک ایده و احساس قوی به بیننده انتقال می‌دهد. این ایده و احساس چیزی جدا از عادات معمول بیننده است. مدیر نیز باید این‌گونه عمل کند و بداند سازمان‌ها را نمی‌توان فقط با نگرش تک‌بعدی و از زاویه دید یک تئوری، توصیف یا درک کرد (اعتباریان، ۱۳۸۷).

۴. در زمینه طرح عمل، نگاه کنید به: طرح عمل مربوط به معلمان در برنامه «آموزش برای همه» یونسکو، (دسترسی: <http://www.unesco.org>)

منابع

۱. ابراهیمی مقدم، صغری؛ حسین‌زاده یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۷)، نظریه سازنده‌گرایی و کاربرد آن در آموزش. فصل‌نامه تخصصی مدارس کارآمد، شماره ۴، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، صص ۲۴-۳۳.
۲. حسین‌زاده یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۹)، ایده تولید کتاب درسی مجازی، پویا، چندرسانه‌ای، فرامتنی، فرارسانه‌ای و تعاملی؛ پرونده‌ای باز برای تلفیق فناوری آموزشی با برنامه درسی ملی، فصل‌نامه تخصصی مدارس کارآمد، شماره ۹، سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، صص ۱۲-۴.
۳. خرازی، کمال (۱۳۸۷)، آموزش و پرورش شناختی، فصل‌نامه تخصصی مدارس کارآمد، شماره ۴، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، صص ۱۸-۲۳.
۴. سلطانی تیرانی، فلورا (۱۳۷۸)، نهادی کردن نوآوری در سازمان، چاپ اول، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
۵. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه، ۶۸.
۶. علی‌اکبری، حسن‌علی (۱۳۹۰)، حیات طبیعه: هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.
۷. منطقی، مرتضی (۱۳۸۴)، بررسی نوآوری‌های آموزشی در مدارس ایران، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی در مدارس ایران، شماره ۱۲، سال چهارم، تابستان (دسترسی: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور).
۸. منطقی، مرتضی (۱۳۸۴)، بررسی چالش‌های فراروی نوآوری‌های آموزشی، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم، بهار (دسترسی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی).
۹. نادری، مریم (۱۳۹۱)، بررسی اثربخشی بسته آموزشی بر جو روانی - عاطفی کلاس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران در درس جغرافیا: (رساله دکتری) استاد راهنما: دکتر حکمتا... عبدا... زاده، وزارت معارف جمهوری تاجیکستان؛ دانشگاه دولتی صدرالدین عینی، اکتبر ۲۰۱۲.
۱۰. نفیسی، عبدالحسین؛ ۱۳۸۷، آرمان‌ها، هدف‌ها، سیاست‌ها و عنوان برنامه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش، فصل‌نامه تخصصی مدارس کارآمد، شماره ۴، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، صص ۱۲-۱۷.
۱۱. هداوند، سعید، (۱۳۸۸)، نوآوری در آموزش‌های مهندسی: نیاز امروز، الزام فردا، فصل‌نامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۴۳، پاییز، دسترسی: سایت مدیریار (modiryar.com)

12. <http://badrian.blogfa.com>
13. <http://www.cmep.ihmc.us>
14. <http://www.ics.heacademy.ac.uk>
15. <http://InformationR.net>
16. <http://www.ironesco.org>
17. <http://www.nwlink.com>
18. <http://oecd.org>
19. <http://www.vista.ir>



فرمول‌بندی تیپ‌ها و محیط‌ها

حمید نظری

نهاده است که تیپ‌ها نتیجه‌ی عادی رشد در یک فرهنگ خاص هستند. هر تیپ به اصطلاح با یک مدل نظری و چند هدف در ذهن قابل توصیف است. این اهداف عبارت‌اند از:

۱. طراحی چارچوب تجربه‌هایی که به نوع خاصی از شخصیت می‌انجامد.
۲. بیان این نکته که چگونه تجربه‌ی شخصی به آمادگی خاصی منجر می‌شود و چگونه این آمادگی به سلسله‌ی وسیعی از رفتارهای بشر می‌انجامد.

تیپ واقع‌گرا

تجربیات و وراثت خاص فرد واقع‌گرا به رجحان فعالیت‌هایی منجر می‌شود که نتیجه‌ی آن سروکار داشتن آشکار و منظم با اشیاء، ابزار، ماشین‌ها و حیوانات، و اجتناب از فعالیت‌های آموزشی یا درمانی است. این تمایلات رفتاری به نوبه‌ی خود به کسب صلاحیت‌های عملی، مکانیکی، کشاورزی، الکتریکی و فنی منتهی می‌شوند.

رشد این الگوها، فعالیت‌ها، صلاحیت‌ها و علاقه‌های واقع‌گرایانه فردی را سبب می‌شود و در نتیجه فرد رفتارهای زیر را از خود نشان دهد:

۱. مشاغل یا موقعیت‌های واقع‌گرایانه مانند مهندسی برق را ترجیح می‌دهد و از فعالیت‌های اجتماعی دوری می‌کند.
۲. برای حل مشکلات خود در کار از صلاحیت‌های واقع‌گرایانه استفاده می‌کند.
۳. خود را فردی دارای توانایی‌های ورزشی و مکانیکی و فاقد توانایی در ارتباطات انسانی تصور می‌کند.
۴. برای اشیای عینی و خصوصیات مشخص قابل لمس

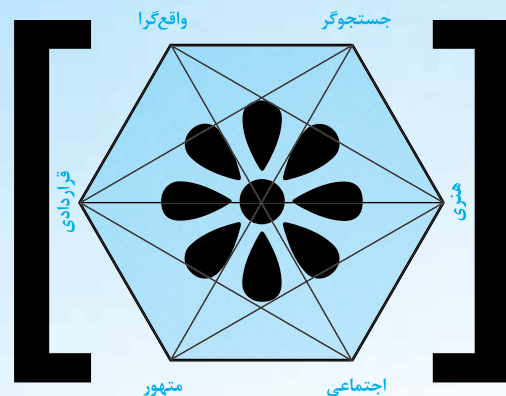
چکیده

«فرمول‌بندی تیپ‌ها» مدلی است برای ارزشیابی افراد، به‌منظور کشف اینکه این تیپ افراد چگونه رشد کرده‌اند، چگونه می‌توان آن‌ها را تشخیص داد، انتظار می‌رود چگونه رفتار کنند یا درک شوند و چگونه به یکدیگر مربوط‌اند. فرمول‌بندی مربوط به محیط‌های نمونه، با فرمول‌بندی مربوط به تیپ‌های شخصیتی موازی هستند. هر دو نوع فرمول‌بندی بر فعالیت‌ها، صلاحیت‌ها، برداشت‌ها و ارزش‌ها تأکید دارند.

کلیدواژه‌ها: تیپ واقع‌گرا، تیپ جست‌وجوگر، تیپ هنری، تیپ اجتماعی، تیپ متهور، تیپ قراردادی، تیپ شناختی

مقدمه

جان لوئیس هالند (۱۹۱۹-۲۰۰۸)، روان‌شناس و استاد بازنشسته‌ی جامعه‌شناسی در «دانشگاه جان هاپکینز» آمریکا پس از فراغت از تحصیل به مدت سه سال در ارتش به‌عنوان دستیار روان‌شناسی و مجری «آزمون وکسلر» خدمت کرد. توجه هالند، در هنگام کار روی پایان‌نامه‌ی دکترای خود، به موضوع «هنر و شخصیت» جلب شد که همان ریشه‌ی مطالعات آتی وی را فراهم آورد و سرانجام پایان‌نامه‌ی دکترای خود را تحت همین عنوان نوشت. پس از آن در سال ۱۹۵۳ پرسش‌نامه‌ی «رجحان حرفه‌ای» و سپس «جست‌وجوی خودفرمان»^۱ (SDS) را تدوین کرد که هر دو در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. هالند در رابطه با فرمول‌بندی تیپ‌ها یا فرض را بر این



- فعالیت‌های ترجیحی خود انتخاب می‌کند.
۲. برای حل مشکلاتی که در کار و محیط‌های دیگر وجود دارد، از صلاحیت‌های جست‌وجوگرانه استفاده می‌کند.
 ۳. خود را فردی دارای توانایی‌های علمی و ریاضی و فاقد توانایی رهبری می‌پندارد.
 ۴. برای علم ارزش قائل است.
- تیپ جست‌وجوگر دارای ویژگی‌هایی به این شرح است: تحلیل‌گر، منتقد، روشن‌فکر، منطقی، کناره‌گیر، کنج‌کاو، دقیق، هوشیار، مستقل، درون‌نگر، خوددار، پیچیده، بدبین و فروتن.
- محیط‌ها تجارب محیطی موازی همین تیپ را برای فرد فراهم می‌کنند و این تجارب محیطی به پیدایش ویژگی‌های ثانویه زیر در او منجر می‌شوند:
۱. به مشاغل جست‌وجوگرانه جذب می‌شود.
 ۲. در همسازی با دیگران به استفاده از راه‌های منطقی، تحلیلی و غیرمستقیم تمایل بیشتری دارد.

تیپ هنری

تجربیات و وراثت خاص فرد متعلق به تیپ هنری، به رجحان فعالیت‌هایی از سوی او منجر می‌شود که پیامد آن، فعالیت‌های پیچیده، آزاد و غیرمنظم که شامل سر و کار داشتن با مواد فیزیکی، کلامی، یا انسانی برای خلق اشکال یا محصولات هنری و بیزاری از فعالیت‌های مرتب و سازمان یافته است. رشد این الگوها فعالیت‌ها، صلاحیت‌ها و علاقه‌های هنری فردی را سبب می‌شود که رفتارهای زیر را از خود نشان می‌دهد.

- مثل پول، قدرت و مقام ارزش قائل می‌شود.
- از آنجا که شخص واقع‌گرا دارای ترجیحات ذکر شده است، مستعد ویژگی‌هایی به این شرح است:
- غیر اجتماعی، مادی، اصیل، اهل عمل، صرفه‌جو، سرسخت، خودمحور، غیرشهودی، رک، بهنجار، مُصر، انعطاف‌ناپذیر و بی‌پیرایه.
- محیط، برای فرد تجارب محیطی‌ای موازی با تیپ شخصیتی او فراهم می‌کند. این تجارب محیطی به پیدایش ویژگی‌های ثانویه زیر در افراد منجر می‌شوند؛ به عبارت دیگر افراد در این گونه محیط‌ها:
۱. به نفوذهای سنتی و عمل‌گرایانه حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.
 ۲. به مشاغل واقع‌گرایانه بیشتر جذب می‌شوند.
 ۳. در همسازی با دیگران کمتر مهارت دارند. از روش‌های همسازی ساده، مستقیم و طبیعی بهره می‌گیرند.

تیپ جست‌وجوگر

تجربیات و وراثت خاص فرد جست‌وجوگر به رجحان فعالیت‌هایی منجر می‌شود که پیامد آن بررسی خلاق مشاهده‌ای، نمادی و منظم فرد از پدیده‌های فیزیکی، زیست‌شناختی و فرهنگی به‌منظور فهم و کنترل این پدیده‌هاست و از فعالیت‌های اجتماعی و تکراری دوری می‌کند. رشد این الگوهای فعالیت‌ها، صلاحیت‌ها و علاقه‌های جست‌وجوگرانه فردی را سبب می‌شود و در نتیجه رفتارهای زیر را از خود نشان می‌دهد:

۱. مشاغل یا موقعیت‌های جست‌وجوگرانه‌ای به‌منظور

۱. مشاغل یا موقعیت‌های هنری را ترجیح می‌دهد.
۲. برای حل مشکلاتی که در محیط کار و محیط‌های دیگر به وجود می‌آید، از صلاحیت‌های هنری استفاده می‌کند.
۳. خود را فردی مبتکر، سازش‌ناپذیر، و دارای توانایی در زمینه‌های هنری، موسیقی، بازیگری و... می‌پندارد.
شخص دارای تیپ هنری از ویژگی‌هایی به این شرح برخوردار است: عاطفی، آرمان‌گرا، خودانگیخته، سازش‌ناپذیر، حساس، درون‌نگر، بی‌نظم، ابرازگر، خیال‌پرداز، مستقل، مبتکر، آزادمنش و شهودی.
محیط تجارب محیطی موازی همین تیپ را برای فرد فراهم می‌کنند و این تجارب محیطی به پیدایش ویژگی‌های ثانویه زیر در فرد منجر می‌شوند:

۱. به نفوذهای فردی، هیجانی و تخیلی حساسیت بیشتری نشان می‌دهد.
۲. به مشاغل هنری و نقش‌هایی که او را در فعالیت‌های هنری نشان می‌دهد، بیشتر جذب می‌شود.
۳. در همسازی با دیگران به شیوه‌های شخصی، عاطفی و غیرقراردادی تمایل بیشتری دارد.

تیپ اجتماعی

تجربیات و وراثت خاص فرد اجتماعی به رجحان فعالیت‌هایی منجر می‌شود که پیامد آن‌ها اداره کردن دیگران به‌منظور آگاه ساختن، تعلیم دادن، درمان یا راهنمایی آنان و دوری از فعالیت‌های سازمان یافته و استفاده از مواد، ابزار یا ماشین‌های مربوطه است. رشد این الگوهای فعالیت، فردی را به وجود می‌آورد که رفتارهای زیر را از خود نشان می‌دهد:
۱. آن دسته از مشاغل یا موقعیت‌های اجتماعی را ترجیح می‌دهد که در آن‌ها می‌تواند به فعالیت‌های ترجیحی خود بپردازد.
۲. برای حل مشکلاتی که در کار و محیط‌های دیگر وجود دارد، از صلاحیت‌های اجتماعی استفاده می‌کند.
۳. خود را فردی علاقه‌مند به کمک به دیگران، درک آنان و دارای توانایی تدریس و فاقد توانایی مکانیکی می‌پندارد.
تیپ اجتماعی دارای ویژگی‌هایی به این شرح است: مسلط،

**فرمول‌بندی تیپ‌های
شخصیتی و محیط‌های
نمونه، ابزاری را برای
توصیف و درک این امر
فراهم می‌آورد که وقتی
فردی خاص در محیطی
به خصوص زندگی می‌کند،
چه اتفاقی روی می‌دهد**

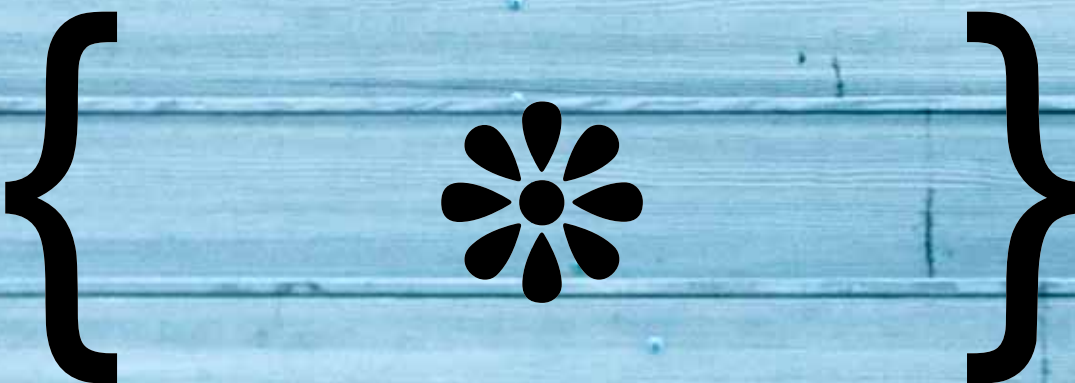
صبور، آرمان‌گرا، مشوق، معاشرتی، صمیمی، سخاوتمند، اهل همکاری، امدادگر، مهربان، مسئول، فهمیده، رفیق و تلفیقی. محیط، تجارب محیطی موازی همین تیپ را برای فرد فراهم می‌آورد و این تجارب محیطی به پیدایش ویژگی‌های ثانویه زیر در فرد منجر می‌شوند:

۱. به نفوذهای اجتماعی، انسانی و مذهبی حساسیت بیشتری نشان می‌دهد.
۲. به مشاغل اجتماعی و نقش‌هایی که او را در فعالیت‌های اجتماعی شرکت دهد، جذب می‌شود.
۳. در همسازی با دیگران، به رفاقت، هم‌پاری و همکاری تمایل بیشتری دارد.

تیپ متهور

تجربیات و وراثت خاص فرد متهور به رجحان فعالیت‌هایی منجر می‌شود که پیامد آن اداره کردن دیگران برای به دست آوردن اهداف سازمان و کسب درآمد اقتصادی و بیزاری از فعالیت‌های مشاهده‌ای و نمادی است. رشد این الگو فعالیت‌ها، علاقه‌های متهورانه فردی را سبب می‌شود و در نتیجه فرد رفتارهای زیر را از خود نشان می‌دهد:

۱. مشاغل یا موقعیت‌های متهورانه‌ای را ترجیح می‌دهد که در آن‌ها بتواند فعالیت‌های ترجیحی خود را انجام دهد و از موقعیت‌های جست‌وجوگرانه دوری می‌کند.
۲. برای حل مشکلات محیط کار و سایر محیط‌ها، از صلاحیت‌های متهورانه استفاده می‌کند.
۳. خود را فردی پرخاشگر، مطمئن به خود و دارای توانایی رهبری و سخن گفتن می‌پندارد.
۴. برای پیشرفت اقتصادی و سیاسی ارزش قائل می‌شود. شخص متهور دارای این ویژگی‌هاست: زیاده‌طلب، بانرژی، هیجان‌طلب، مطمئن به خود، پرحرف، جاه‌طلب، ماجراجو، خودنما، برون‌نگر، معاشرتی و سلطه‌جو.
محیط‌ها، تجارب محیطی موازی همین تیپ را برای فرد فراهم می‌کنند و این تجارب محیطی به پیدایش ویژگی‌های ثانویه زیر در فرد منجر می‌شوند:
۱. به مشاغل متهورانه و نقش‌هایی که آن‌ها را در فعالیت‌های متهورانه نشان می‌دهند، بیشتر جذب می‌شود.



۲. در همسازی با دیگران به شیوه‌های متهورانه، از طریق سلطه‌جویی، پرحرفی و غیره تمایل بیشتری دارد.

تیپ قراردادی

تجربیات و وراثت فردی که دارای تیپ قراردادی است به رجحان فعالیت‌هایی منجر می‌شود که نتیجه آن پرداختن به فعالیت‌های ساده و مرتب، سروکار داشتن با داده‌ها، مانند نگهداری پرونده‌ها و بایگانی مطالب، تنظیم اطلاعات نوشتاری و عددی طبق نقشه تعیین شده، راه انداختن ماشین‌های اداری و پردازش داده‌ها برای کسب اهداف سازمانی و بیزاری از فعالیت‌های مبهم، آزاد یا سازمان نیافته است.

رشد این الگوها فعالیت‌ها فردی را به وجود می‌آورد که رفتارهای زیر از خود نشان می‌دهد:

۱. آن دسته از مشاغل یا موقعیت‌های قراردادی را ترجیح می‌دهد که در آن‌ها بتواند به فعالیت‌های ترجیحی خود بپردازد.

۲. برای حل مشکلات در محیط کار و سایر محیط‌ها از صلاحیت‌های قراردادی استفاده می‌کند.

۳. خود را فردی هم‌رنگ، منظم، و دارای توانایی دفتری و حسابداری می‌پندارد.

تیپ قراردادی دارای این ویژگی‌هاست: محتاط، وظیفه‌شناس، کارآمد، منظم، اهل عمل، دوراندیش، فاقد تخیل، هم‌رنگ، انعطاف‌ناپذیر، خوددار، مطیع، پیگیر، صرفه‌جو و مدافع.

محیط‌ها، تجارب محیطی موازی همین تیپ را برای فرد فراهم می‌کنند و این تجارب محیطی به پیدایش ویژگی‌های ثانویه زیر در فرد منجر می‌شود:

۱. به نفوذهای مادی، پول، مقام، و قدرت حساسیت بیشتری نشان می‌دهد.

۲. به نقش‌ها و مشاغل قراردادی بیشتر جذب می‌شود.

۳. در همسازی با دیگران، شیوه‌های قراردادی، کنترل شده، هم‌رنگ و عملی تمایل بیشتری دارد.

ارزشیابی افراد و محیط

برای سنجش تیپ و شخصیت افراد می‌توان از روش‌های

کیفی بهره گرفت. فرد می‌تواند رجحان‌های خود را بیان کند. برای مثال، فرد ممکن است بخواهد فیزیکدان شود یا به‌عنوان فیزیکدان استخدام شود یا تصمیم بگیرد در رشته فیزیک فارغ‌التحصیل شود یا برای رشته فیزیک نام‌نویسی کند. نتیجه این هر چهار نوع اطلاعات سبب می‌شود او را در تیپ جست‌وجوگر طبقه‌بندی کنیم.

در ارزیابی محیط، از آنجا که بسیاری از ویژگی‌های مهم روان‌شناختی موجود در محیط به وسیله مردم حاضر در آن شکل یافته است، می‌توانیم محیط را با سنجش جمعیت آن مشخص کنیم. «فن ارزیابی محیطی»^۲ (EAT) به همین منظور پدید آمده و می‌توان آن را برای ارزیابی جمعیت یک دانشکده، بیمارستان و سایر محیط‌ها به کار گرفت. محیط‌های نمونه مانند تیپ‌های شخصیتی نشان دهنده فرضیات زیادی درباره رفتار اجتماعی، تحصیلی، شخصی و شغلی هستند. فرمول‌بندی تیپ‌های شخصیتی و محیط‌های نمونه، ابزاری را برای توصیف و درک این امر فراهم می‌آورد که وقتی فردی خاص در محیطی به‌خصوص زندگی می‌کند، چه اتفاقی روی می‌دهد.

و نشان می‌دهد که حرفه یا رشد شخصی در طول زندگی، زنجیره‌هایی طویل از تعامل فرد - محیط است و نتایج آن‌ها را هر کس می‌تواند در جریان رشد و بالا رفتن سن مشاهده کند. در مقاله آینده شیوه ارزیابی علاقه‌ها در بخش‌ها و چگونگی طبقه‌بندی آن‌ها در هر کدام از تیپ‌ها و محیط‌ها بیان خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Self. direct Search

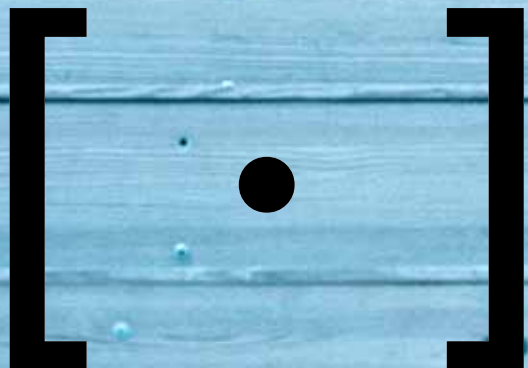
2. Environmental Assesment Technique (EAT)

این فن شامل آمارگیری از مشاغل و آموزش رجحان‌ها یا رجحان‌های حرفه‌ای یک جمعیت است. رجحان‌های مزبور طبق معیارهای عضویت طبقاتی متعلق به یکی از شش محیط طبقه‌بندی می‌شود و نتیجه این طبقه‌بندی در یک نیم‌رخ شش متغیره قرار می‌گیرد. اعداد مطلق در مورد هر تیپ به درصدی از کل جمعیت یا محیط یا سازمان خاص تبدیل می‌شود.

منابع

۱. هالند، جان. حرفه مناسب شما چیست؟ ترجمه سیمین حسینیان و سیده منوره یزدی. انتشارات آگاه. چاپ دوم، ۱۳۸۵.

2. key to Holland Test, Hollands Theory, Journal of counselling (اینترنت).



مدیریت خلاقیت و نوآوری در هنرستان

حسین رضایی
معاون هنرستان کار دانش ابراهیمی - آمل

مقدمه

مدیران امروزی در محیطی پویا، پرابهام و متحول کار می‌کنند. یکی از بارزترین ویژگی‌های عصر حاضر، تغییر و تحولات شگرف و مداومی است که در طرز تفکر، عقاید، ارزش‌های اجتماعی، روش‌های انجام کار و در بسیاری از پدیده‌های دیگر زندگی به چشم می‌خورد. سرعت این تغییرات به گونه‌ای است که نمی‌توان منحنی تغییر را در بعد زمان ترسیم کرد، زیرا پیشرفت و تحول با شتابی بیشتر از سرعت ترسیم منحنی به وقوع می‌پیوندد. کثرت تغییرات نیز، که سازمان‌ها و افراد با آن مواجه‌اند، از چنان فشار و نیرویی برخوردار است که در دنیای مشتری‌مداری رقابت افزای کنونی، هر نوع مقاومتی را درهم می‌کوبد و همه را با خود به جلو می‌برد. به عبارت دیگر، وسعت و تنوع نیروی تغییری که بر پیکر سازمان‌های امروزی وارد می‌شود، به قدری زیاد است که جز انطباق و تسلیم شدن به آن‌ها چاره‌ای نیست. با توجه به این تحولات شگرف، مسئله

این است که مدیران چگونه سازمان خود را در جهتی سوق و توسعه دهند که بهتر بتواند با تغییر و تحولات محیط هماهنگ شود. به عبارت دیگر، مدیران چگونه می‌توانند به جای داشتن حالت انفعالی و تسلیم شدن به وقایعی که برای آن‌ها حادث می‌شود، حالت فعال داشته باشند و قبلاً حوادث (تغییرات اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی، اجتماعی و...) را پیش بینی کنند و اقدامات لازم را به عمل آورند. در شرایط حساس کنونی و با توجه به تحولات سریع دنیا و نیاز اجتناب‌ناپذیر به تطابق با پیشرفت علوم، آنچه بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز آموزش و پرورش ماست (علی‌الخصوص برای مدیران مدارس) مطالعه و پژوهش بنیادی و کاربردی در زمینه خلاقیت و نوآوری و روش‌های پرورش آن و به موازات آن آموزش نظام‌دار و هدفمند به همه مدیران، معلمان و مربیان برای استفاده کاربردی از یافته‌های این پژوهش‌هاست. حال با توجه به این مقدمه، در این مقاله به مباحثی

چون تعریف خلاقیت، سازمان خلاق، ویژگی‌های مدیران خلاق، مراحل مختلف تفکر خلاق، موانع خلاقیت و نوآوری، نتیجه‌گیری و طرح‌ها و نوآوری در مدارس می‌پردازیم. **کلیدواژه‌ها:** مدیریت، خلاقیت، نوآوری، هنرستان، تفکر خلاق

خلاقیت چیست؟

خلاقیت^۱ یا نوآوری^۲ همواره مفهومی اسرارآمیز، وسیع و بسیار پیچیده بوده است. خلاقیت را شاید بتوان برترین سطح یادگیری بشر، بالاترین توانمندی تفکر و محصول نهایی ذهن و اندیشه انسان دانست. صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی از خلاقیت و نوآوری را ارائه داده‌اند.

در اینجا برخی از تعاریف مهم را بررسی می‌کنیم. معمولاً روان‌شناسان، خلاقیت را به‌عنوان شکلی از حل مشکل تعریف می‌کنند که از ویژگی آن ارائه راه‌حل‌های بدیع، نو و مفید برای مشکلات هنری، علمی یا عملی است.

استیفن رابینز (۱۹۹۱): خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه‌ها و نظرات در یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین آن‌ها بیان می‌کند. (سلیمانی، ۱۳۸۱)

هنری پوانکاره (۱۹۸۴): خلاقیت یعنی، تشخیص، تمیز، بصیرت، دریافت، درک و انتخاب. (همان)

فرهنگ روان‌شناسی وبر: خلاقیت عبارت است از ظرفیت دیدن روابط، پدیدآوردن اندیشه‌های غیر معمول و فاصله گرفتن از الگوی سنتی (رایج) تفکر. (همان)

وایزبرگ: خلاقیت یعنی پدیدآوردن دستاوردهای جدید و ارزشمند، بر اساس نوعی تفکر که در همه افراد کمابیش وجود دارد. (همان)

بنابراین می‌توان گفت خلاقیت یعنی ترکیب مجدد عقاید، اندیشه‌ها، افکار، تصورات و انگاره‌هایی که هر چند فرد قبلاً آن‌ها را می‌شناخته است، اما این ترکیب را به شیوه‌ای جدید و متفاوت با قبل انجام می‌دهد.

چنانچه مبانی نظری، نکات محوری و وجوه اشتراک تعاریف ذکر شده را استخراج کنیم و در کنار یکدیگر قرار دهیم، می‌توانیم در مورد خلاقیت به چند ویژگی بارز برسیم که عبارت‌اند از:

۱. خلاقیت فرایندی فکری و روانی است.
۲. محصول خلاقیت می‌تواند به شکل یک اثر، یک ایده، یک راه حل، یک شیء و یا هر چیز دیگری ظهور کند.
۳. محصول خلاقیت، پدیده‌ای نو و جدید است.
۴. محصول خلاقیت اثری است که علاوه بر تازگی دارای ارزش نیز باشد.
۵. خلاقیت یک توانایی عمومی است و در همه افراد

کمابیش وجود دارد.

۶. خلاقیت قابل پرورش است و با محیط اجتماعی و فرهنگی ارتباط مستقیم دارد.

سازمان خلاق

سازمان‌های خلاق ویژگی‌های بارزی دارند که از جمله انعطاف‌پذیری آن‌ها در رویارویی با بحران‌هایی است که غالباً به‌دلیل مسائل خاص پیش می‌آید. یکی از دلایل پیدایش زمینه رشد سازمان^۳، پاسخگویی به عوامل محیطی و رویارویی مؤثر و از پیش برنامه‌ریزی شده با تغییرات است. سازمان‌های انعطاف‌پذیر با مشکلات و تنگناها برخورد منطقی دارند و در صورت نیاز به تغییر و تحول، این تغییرات پس از بررسی دقیق و علمی، به وجود می‌آیند. سازمان‌های انعطاف‌پذیر، شرایط لازم برای رشد خلاقیت و نوآوری کارکنان را فراهم می‌آورند. سازمان خلاق به رهبر خلاق نیاز دارد. رهبر خلاق در فرهنگ سازمان اثر می‌گذارد و به عنوان طراح اجتماعی سازمان تحت نظارت خود:

۱. در خلاقیت و حفظ عوامل فرهنگی آن، توانمند است؛

۲. نوعی بینش جمعی در سازمان ایجاد می‌کند و همه کارکنان را نیز در این بینش سهیم می‌سازد؛

۳. بینش جدید را به شیوه‌ای معنی‌دار به همه کارکنان القا می‌کند؛

۴. اعتماد کارکنان را نسبت به عقاید و نظریات خود جلب می‌کند؛

۵. به‌دلیل برخورداری از ویژگی خلاقیت و نوآوری، از دیدگاه کارکنان تحت نظارت خود، الهام بخش تلقی می‌شود.

مدیران سازمان‌های خلاق، خلاقیت و نوآوری را در واقع خط‌مشی و سیاست رسمی سازمان تلقی می‌کنند و با حمایت از آن موجبات اشاعه خلاقیت را در پهنه سازمان فراهم می‌آورند.

ویژگی‌های مدیران خلاق

مهم‌ترین ویژگی مدیران خلاق، برخورداری از «تفکر واگرا»ست. «گیلفورد» در نظریه ساخت ذهنی خود متذکر شده که ویژگی مهم تفکر آفریننده، واگرایی آن است. به‌طور کلی او شیوه تفکر آدمیان را به دو دسته واگرا و همگرا تقسیم کرده است. در تفکر همگرا، نتیجه تفکر از قبل معلوم

است و همیشه یک جواب درست یا غلط وجود

دارد. اما در تفکر واگرا، جواب قطعی

وجود ندارد

و تعداد زیادی جواب موجود است که از نظر منطقی ممکن است هر یک از آن‌ها درست باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چند افراد خلاق از هوش بالاتر از متوسط برخوردارند اما ضرورتاً نابغه نیستند (ساعتچی، ۱۳۸۰، ۲۶۷).

مدیران خلاق تازگی و بدیع بودن را ترجیح می‌دهند، پیچیدگی مسائل توجه آنان را جلب می‌کند و به قضاوت‌های مستقل می‌پردازند. علاوه بر آن، توانایی تمام کردن، کامل کردن و یکی کردن افکار گوناگون در این افراد، بیش از دیگران است. مدیران خلاق، در یکی کردن تفکر کلامی یا تفکر بصری و تفکر منطقی و مبتنی بر واقعیت با تفکر غیرمنطقی و در عین حال تخیلی، سرآمدتر از افراد غیرخلاق هستند (کرشنر و لجر، ۱۹۵۸). (همان)

علاوه بر ویژگی‌های فوق، مدیران خلاق ویژگی‌های زیر را نیز دارند:

۱. در انجام دادن کارهای روزانه و تکراری احساس آزرده‌گی می‌کنند؛
۲. به موضوعات مختلف توجه نشان می‌دهند و درباره‌ی این موضوعات با علاقه و نشاط فکر می‌کنند؛
۳. علاقه‌ی زیاد به نظم و ترتیب دادن به کارها دارند؛
۴. قادرند در یک زمان به چند اندیشه بپردازند؛
۵. مایل‌اند درباره‌ی یافته‌های خود با دیگران صحبت کنند؛
۶. کارها را پیگیری می‌کنند و هنگامی که اندیشه‌ی جدیدی به ذهن آن‌ها می‌رسد، این اندیشه‌ها را به سادگی رها نمی‌کنند؛
۷. نسبت به تغییر، حساسیت خاصی ندارند؛
۸. از خطرپذیری حساب شده و معقول هراسی ندارند؛
۹. برای یادگیری بسیار انگیزه دارند و کنجکاو هستند؛
۱۰. آمادگی پذیرش افکار نامتعارف را دارند و تحمل ابهام در آنان زیاد است؛
۱۱. وقت شناس هستند و ارزش زمان را می‌شناسند؛
۱۲. همیشه نسبت به آزمایش و کسب تجربه‌های جدید علاقه‌مند هستند؛
۱۳. نسبت به روابط اجتماعی کم علاقه ولی نسبت به مسائل اجتماعی بسیار حساسیت دارند؛
۱۴. انگیزه‌ها و علایق آنان جهت‌دار است؛
۱۵. نسبت به زندگی کاری و محدوده‌ی آن، بینش قابل توجهی دارند؛
۱۶. از دانش و آگاهی بسیار در زمینه‌ای که قصد دارند خلاق باشند، برخوردار هستند؛
۱۷. بدون اینکه لازم باشد نابغه باشند، در مدت زمان کوتاهی برای هر مشکل خاص راه‌حل‌های مختلف پیدا می‌کنند؛

خلاقیت و نوآوری و ارائه فکر و نظر، که در شرایط و محیط‌ها مطلوب باشد و مناسب قابل شکوفاشدن و توسعه یافتن است، جزء خصوصیات فطری همه افراد است

۱۸. به اندازه‌ی کافی از عزت نفس

و اعتماد به خود برخوردار هستند؛

۱۹. قادرند منزوی بودن را تحمل کنند؛

۲۰. گاه در امور، شک معقول می‌کنند؛

۲۱. نسبت به ناکامی، مقاوم و همیشه

پیگیرند و...

به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های مدیران خلاق

را در سه دسته‌ی کلی «دانش»، «توانمندی‌های

هوشی» و «شخصیت»، مورد بررسی قرار داد.

مراحل مختلف تفکر خلاق

تفکرات خلاق آدمی، از الگوی خاصی تبعیت

می‌کنند. اما باید توجه داشت که شما نمی‌توانید از این

الگوی خاص مانند یک فرمول استفاده کنید و به دلخواه

خود، از یک مرحله‌ی تفکر خلاق به مرحله‌ی دیگر آن وارد

شوید؛ اما آشنایی با این الگوی خاص و مراحل آن به شما

کمک می‌کند تا متوجه شوید که ذهن فعال شما به کدام

مرحله از تخیل خلاق رسیده است و احتمال رسیدن آن

به کدام مرحله‌ی دیگر وجود دارد. این مراحل عبارت‌اند از:

• **آمادگی:** نخست مشکل یا طرحی را که مایل به

حل آن هستید مشخص سازید. برای این منظور، حافظه،

توانایی، استدلال و مهارت‌های ذهنی دیگر خود را به کار

گیرید تا مشکل موردنظر خود را تعریف و مشخص کنید. در

این خصوص، واقعیت‌ها و اطلاعات مفید دیگر را جمع‌آوری

کنید و قبل از اقدام به هر عملی، این اطلاعات و واقعیت‌ها را

به بخش‌های قابل فهم تقسیم و آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنید.

• **خلق اندیشه:** در این مرحله، ذهن‌تان به اندیشه‌های

خلاق و حیاتی می‌رسد و احتمال اینکه در نهایت مشکل شما

حل شود، افزایش می‌یابد. در این مرحله، می‌توانید راه‌حل‌های

گوناگون را در نظر بگیرید و به همان ترتیبی که این راه

حل‌ها به ذهن‌تان می‌رسد آن‌ها را در دفترچه‌ای یادداشت

کنید. وقتی درباره‌ی این راه‌حل‌ها به قضاوت و نقد و بررسی

می‌پردازید در نظر داشته باشید که جریان اندیشه‌ها قطع

می‌شود. در این صورت، مراقب باشید که قضاوت درباره‌ی

راه‌حل‌ها، مانع از فرایند خلاق ذهن شما نشود.

• **بازپیدایی:** پس از طی دو مرحله‌ی قبل به مرحله‌ای

می‌رسید که اندیشه‌ی تازه‌ی دیگری به ذهن شما نمی‌رسد. در

این مرحله می‌توانید به یادداشت‌های خود مراجعه کنید و

راه‌حل‌هایی را که ظاهراً غیر عملی یا خیال پردازی صرف

به نظر می‌رسند، حذف کنید. اندیشه‌های مشابه را کنار هم

بگذارید و به اندیشه‌هایی که برای روشن‌تر ساختن آن‌ها

به اطلاعات یا به تفکر بیشتر نیاز دارید، توجه زیادتر نشان

دهید. در این مرحله، می‌توانید نتایج مرحله‌ای را که طی آن

خلاقیت و نوآوری فکری داشته‌اید، منظم کنید.

● **قضایوت:** در این مرحله، می‌توانید همه توان خود را برای نقد و بررسی افکار خود به کار گیرید و فهرست اندیشه‌هایی را که به ذهن شما رسیده است، با دقت مورد آزمایش قرار دهید. این اندیشه‌ها را ارزیابی کنید و آن‌هایی را که به نظر می‌آید ناکافی هستند کنار گذارید تا بهترین اندیشه‌های شما که امکان عملی شدن آن وجود دارد و شما می‌توانید از آن برای حل مشکل خود یا دستیابی به هدف‌های مورد نظرتان استفاده کنید، در فهرست اندیشه‌هایتان باقی بماند.

موانع خلاقیت و نوآوری

موانع خلاقیت و نوآوری را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱. موانع فردی
۲. موانع اجتماعی
۳. موانع سازمانی

○ موانع فردی خلاقیت: مهم‌ترین موانع فردی خلاقیت

را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

نداشتن اعتمادبه‌نفس، محافظه کار بودن، متعهد نبودن، تمایل به هم‌رنگی و هم‌سوئی، ناتوان بودن در تحمل ابهام و تضاد، نداشتن پیچیدگی ذهنی لازم برای بررسی مسائل، داشتن وابستگی و جمود فکری، نداشتن تمرکز ذهنی، مقاوم نبودن، ویژه‌نگری شدید و نداشتن دانش کافی در مورد علوم مربوط، کم‌رویی، انعطاف ناپذیری و ...

مدیران باید بدانند که آزاد ساختن توان خلاقیت و به‌کارگیری فکرهای نو در گرو پیروزی بر موانع مذکور است، هر چند کاری است مشکل و احتیاج به زمان دارد.

○ موانع اجتماعی خلاقیت: موانع اجتماعی آن‌هایی

است که مستقیماً متأثر از محیط اجتماعی است و فرد خود به تنهایی نمی‌تواند به رفع آن‌ها اقدام کند. این موانع بیشتر در محیط‌های خانوادگی و آموزشی تجلی پیدا می‌کنند.

الف. خانواده: دوران کودکی نقش بسیار مهمی در

شکفتن و بارور شدن استعدادهای مختلف کودکان ایفا می‌کند. عقاید تربیتی غلط، آگاهی لازم نداشتن، شرایط نامساعد، بی‌توجهی به پرسش‌های کودکان و به عقاید اصیل غیرعادی آنان، ارزش قائل نشدن به عقاید کودکان، انتقاد و سرزنش کردن نابجا از کارهای آنان و قضایوت نادرست در درون خانواده، از مواردی هستند که مانع رشد و شکوفا شدن خلاقیت می‌گردند.

ب. محیط آموزشی: از آنجایی که نظام‌های آموزشی

نقش اساسی در شکوفایی استعدادهای بالقوه فراگیران دارند، ناکارآمد بودن این نظام‌ها بزرگ‌ترین موانع خلاقیت و نوآوری است.

○ موانع سازمانی خلاقیت: موانع سازمانی خلاقیت و

نوآوری در ابعاد مدیریت، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی و

آموزش قابل بررسی و تأمل است. چنانچه این ابعاد با اهداف و رسالتی که سازمان‌های آموزشی دارند هماهنگ نباشند، سازمان خود مانعی در راه خلاقیت و نوآوری خواهد بود.

موانع سازمانی خلاقیت می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

● **مدیریت:** در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شیوه‌های نادرست رهبری، نداشتن تحمل انتقاد، به‌کارگیری روش‌های تشویق و تنبیه نادرست، نداشتن تحمل شکست، نگرش منفی نسبت به توان زیردستان، ضرر و زیان محسوب نمودن هزینه‌های ناشی از خلاقیت و نوآوری و ...

● ساختار سازمانی: در این حوزه موارد زیر را

می‌توان مانع خلاقیت دانست: ارتباطات محدود سازمانی، پیروی از طبقه‌بندی مشاغل و شرح شغل ثابت، ارزیابی نادرست عملکرد، ساختار مکانیکی و انعطاف ناپذیری و ...

● فرهنگ سازمانی: این فرهنگ که در واقع بستر و

زمینه اصلی سازمان است، در بروز خلاقیت و نوآوری نقش بسیار مهمی دارد. برخی موانع که در این زمینه می‌توانند مطرح شوند عبارت‌اند از: نداشتن احساس مسئولیت اجتماعی، تلاش در جهت حفظ وضع موجود، نبودن فضای حمایت از نوآوری و نوآوران، تأکید بر اهداف سازمانی بدون توجه به کارکنان و ...

● آموزش: نیروی انسانی در اثربخشی و کارایی سازمان‌ها

مقوله‌ای مهم و تعیین کننده است. در این زمینه می‌توان به موارد زیر، که مانع خلاقیت و نوآوری هستند، اشاره کرد:

ضعیف بودن آموزش‌های پایه، نبودن آموزش‌های مستمر در زمینه مسائل کاری و یا در صورت وجود، خلاق نبودن آن‌ها.

چند اقدام عمومی برای مدیران

شما اگر مدیر هستید، علی‌الخصوص اگر مدیر آموزشی هستید، برای رشد و بالندگی و استفاده از قدرت خلاق خود، می‌توانید اقدامات عمومی زیر را انجام دهید:

۱. همیشه باور داشته باشید که اگر برای تخیل خلاق به استعداد خود اجازه فعالیت دهید، می‌توانید مشکلات را سریع‌تر و مناسب‌تر حل کنید.

۲. اعتقاد خود را به توانایی‌های خویش و قدرت خود را در تشخیص نهایی بلندپروازی‌ها، تقویت کنید. کلید رسیدن به این هدف آن است که هر روز آن (هدف مورد نظر) را برای خود تکرار کنید. وقتی ذهن به این اعتقاد رسید که امکان انجام دادن کاری وجود دارد، راه‌هایی نیز برای انجام دادن آن پیدا خواهد کرد.

۳. کلمه «غیرممکن» را از بیانات خود حذف کنید. شما می‌توانید هر هدفی را که به آن اعتقاد دارید برای خود انتخاب کنید و در نهایت به آن برسید. اما لازمه این موفقیت آن است

که توانایی خود را به درستی ارزیابی کنید، امکانات موجود را بشناسید و در عین حال، اهمیت عواملی نظیر برنامه ریزی، خلاقیت، تخیل و بالآخره، سعی و کوشش و پیگیری را دست کم نگیرید.

۴. وقتی با یک مشکل یا وضعیت سخت مواجه می شوید، به موانع یا مشکلات پشت نکنید و به جای نگران شدن، تمرکز فکری خود را به دلایل مربوط به اینکه چگونه «می توانید» این مشکل را حل کنید، معطوف سازید و دلایل مربوط به این سؤال را که چرا نمی توانید مشکل را حل کنید، به فراموشی بسپارید.

۵. شیوه‌هایی را برای گسترده‌تر کردن تجربه‌های خود پیدا کنید. برای رسیدن به این مقصود، کارهای تازه‌ای انجام دهید و موضوعات جدیدی را مطالعه کنید.

۶. به گروه یا انجمنی ملحق شوید که فعالیت آن با کار شما مرتبط باشد، در جلسات سخنرانی حاضر شوید و بالآخره سعی کنید در فعالیت‌های گوناگون مشارکت داشته باشید.

نسبت به رشد، توسعه و بهبود شرایط کار خود علاقه و توجه نشان دهید. با عقاید و افکار جدید آشنا شوید و اطلاعات خود را در این زمینه‌ها به روز نگه دارید. درباره شغل خود نیز فنون جدیدتر را فرا بگیرید و در نظر داشته باشید که شغل شما در هر زمینه‌ای که باشد، مرتب در حال تغییر و تحول است.

۷. جدول حل کنید، به معماها پاسخ دهید و ذهن خود را فعال و هوشیار نگه دارید. ۸. با هدف به مطالعه بپردازید و وقت خود را برای مطالعه بی‌هدف و صرفاً برای کسب

لذت، کمتر صرف کنید. برای اینکه نیروی تخیل خود را برانگیزانید و در عین حال، اطلاعات و دستورالعمل‌های مفیدی را فرا بگیرید، مطالعه کنید و با مطالعه هدفمند به هدف‌های مشخصی دست یابید.

۹. از همین لحظه، که در آن واقع هستید، آغاز کنید و تخیل خود را در زمینه مسائل و موقعیت‌هایی که در حال حاضر با آن سر و کار دارید، به کار بگیرید و به انتظار ننشینید تا اوضاع و احوال و شرایط به نفع شما تغییر کند. از هم اکنون تصمیم بگیرید که تخیل خود را بر محور ضروری‌ترین کارهای خود، که هم اکنون درگیر آن هستید، به کار بگیرید.

۱۰. دیگران را ترغیب کنید تا درباره مشکل یا برنامه مورد نظر شما اظهار نظر یا صحبت کنند. از آنان سؤال کنید که اگر با مشکل شما مواجه شوند، چگونه آن را از پیش پای خود برمی‌دارند و در این مورد چه اطلاع یا تجربه خاصی که ممکن است مشکل گشای شما باشد، دارند.

۱۱. همیشه دفترچه یادداشتی به همراه خود داشته باشید و واقعیت‌های مفید را در آن یادداشت کنید. اندیشه‌ها

و واقعیت‌ها را، در همان لحظه‌ای که به ذهنتان می‌رسد، در آن یادداشت کنید. به احتمال زیاد آن‌ها را فراموش خواهید کرد. گهگاه و در موقعیت‌های مختلف، به یادداشت‌های خود مراجعه کنید. وقتی می‌خواهید مشکل جدیدی را حل کنید،

نگاهی اجمالی به یادداشت‌های خود بیندازید. ممکن است در یادداشت‌های خود نکته‌ای بیابید که هر چند ظاهراً با مشکل کنونی شما ربطی نداشته باشد، اما این احتمال نیز وجود دارد که همان نکته یا مطلب ساده آغاز راه شما برای حل مشکل کنونی باشد.

۱۲. از اوقات خود

به خوبی استفاده کنید

و کنترل زمان را

برعهده داشته

**خلاقیت یعنی ترکیب
مجدد عقاید، اندیشه‌ها،
افکار، تصورات و
اندک‌گرم‌هایی که هر چند
فرد قبلاً آن‌ها را می‌شناخته
است، اما این ترکیب رابه
شیوه‌های جدید و متفاوت با
قبل انجام می‌دهد**

باشید. اگر

مدیریت زمان و

اوقات خود را به نحو

مؤثری برعهده داشته باشید،

متوجه خواهید شد که توجه شما

نسبت به تفکر خلاق بیشتر می‌شود.

۱۳. نتایج کوشش‌های روزانه خود

را کنترل کنید. هدف‌ها یا کارهایی را که باید

هر روز انجام دهید، مشخص کنید و بدانید که برای

مثال، امروز چه اقداماتی را انجام دهید.

۱۴. همیشه از یک برنامه، برای عمل، تبعیت کنید و

کاری را بدون برنامه انجام ندهید. هدفمند باشید و همیشه در

جهت دستیابی به هدفی فعالیت کنید که در پیش‌روی شما

قرار گرفته است.

۱۵. هر روز لحظاتی را به تنهایی و در خلوت بنشینید و به تفکر خلاق بپردازید. موفقیت شما در داشتن تفکر خلاق بستگی به آن دارد که چگونه ذهن خود را برای تخیل خلاق، آسوده نگه می‌دارید.

۱۶. برنامه‌ مورد نظرتان را در ذهن خود مجسم کنید. هدف‌هایی را که برای خود انتخاب کرده‌اید، برنامه‌ریزی کنید. وقتی می‌خواهید هدف‌های مورد نظرتان را تحقق ببخشید، به احتمال زیاد با مشکلات و موانعی مواجه خواهید شد. در جریان حل مشکلات موارد بسیاری پیش می‌آید که



نیاز مند خلق یا ابداع و طرح روش‌ها، فرایندها یا ابزار و اشیای جدیدی هستید که قبلاً به آن صورت خاص وجود نداشته‌اند. به هر حال، وقتی هدف‌های والای شما تحقق خواهد یافت و جنبه «واقعی» به خود می‌گیرد که شما آن‌ها را با کمک تخیل^۲ خود به برنامه‌های عملی و قابل اجرا تبدیل کنید. با انجام دادن این کار خواهید آموخت که چگونه آرزوهای خود را تحقق بخشید و آنچه را که به ذهنتان رسیده است، به عمل تبدیل کنید و به این ترتیب، کشف خواهید کرد که چگونه می‌توان اساسی‌ترین و جالب‌ترین فرایند ذهنی یا

«توانایی برای خلاق و نوآور بودن» را در خود فعال سازید و آن را در حل مشکلات زندگی کاری به کار گیرید.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که یک مدیر آموزشی خلاق و اثر بخش کسی است که:

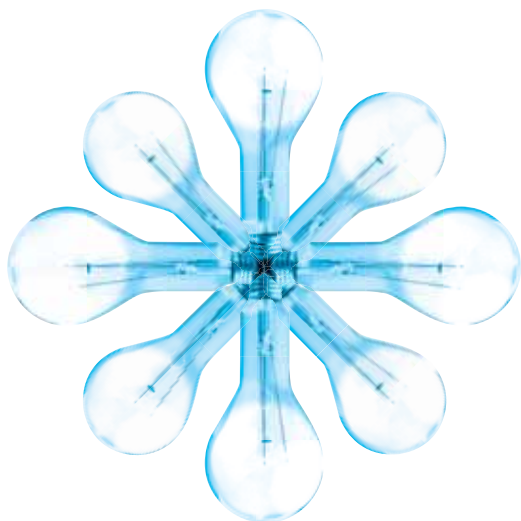
۱. زمینه بروز و توسعه خلاقیت و ابتکار معلمان و دانش‌آموزان را فراهم سازد.
۲. به بهبود کار آموزش معلمان کمک کند.
۳. فرصت‌های بهتری را برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان فراهم آورد.
۴. شیوه آموختن به دانش‌آموزان را بهبود بخشد.
۵. به معلمان آزادی عمل دهد و برای توسعه برنامه‌هایشان ایجاد فرصت کند.
۶. بهترین شرایط ممکن را برای کار در مدرسه ایجاد کند.
۷. به معلمان اجازه دهد در تصمیمات مهم مربوط به مدرسه اظهار نظر کنند.
۸. به معلمان و دانش‌آموزان علاقه‌مند باشد و نسبت به مشکلات آنان دل‌سوزی کند و به عقاید و نظریات معلمان بیش از آرای خود احترام بگذارد.
۹. برای انجام شدن کارهای مهم و اساسی، از افراد قدردانی و تمجید به عمل آورد.
۱۰. با استفاده از انتقاد دیگران ارزش‌ها را در خود ارتقا بخشد.

مهم‌ترین ویژگی مدیران خلاق، برخورداری از «تفکر و آگرا» است

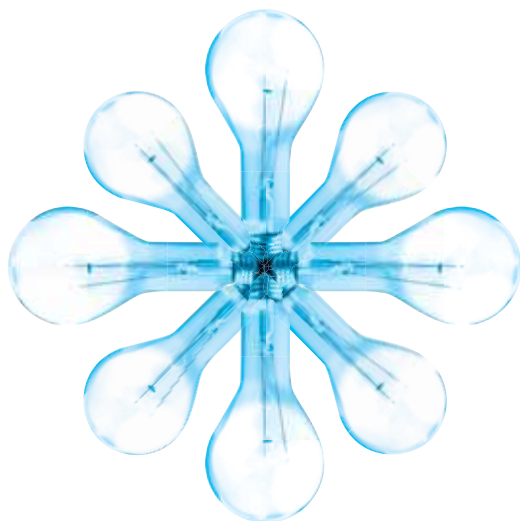
طرح‌ها و نوآوری‌هایی در مدارس [پیشنهاد]

مدیران مدارس، به منظور تحقق بخشیدن به اهداف آموزش و پرورش و استفاده بهینه از امکانات درون و برون مدرسه، می‌توانند از طرح‌های گوناگونی که به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم، استفاده کنند. البته اجرای این طرح‌ها مستلزم قبول اصل نوآوری و تغییر به وسیله مدیران رده‌های بالاتر و سازمان‌های گوناگون از جمله آموزش و پرورش و تحول اساسی در ساختار اداری، تفویض اختیار، تخصیص بودجه لازم و ارشاد و نظارت عالیه است.

۱. طرح مشارکت دانش‌آموزان در امور بهداشتی و نظافت مدرسه؛
۲. طرح مدرسه سالم در شهر سالم، با مشارکت مدیران مدارس یک شهر و سازمان‌های مسئول در امور بهداشتی مردم یک منطقه؛
۳. طرح گسترش فضای سبز مدرسه و بهره‌گیری از توانمندی‌های دانش‌آموزان در این زمینه؛
۴. طرح تقویت ورزش و تربیت بدنی و مسابقات ورزشی در مدرسه؛
۵. طرح تقویت اعتقادات مذهبی دانش‌آموزان، رشد اخلاقی آنان و توسعه نمازخانه مدرسه؛
۶. طرح ایجاد و گسترش کتابخانه، انتخاب کتاب‌های

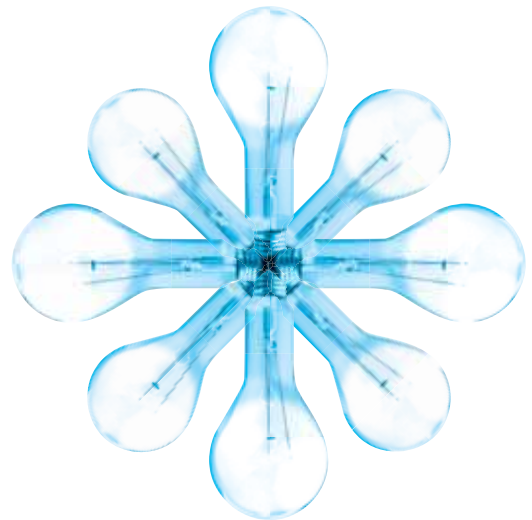
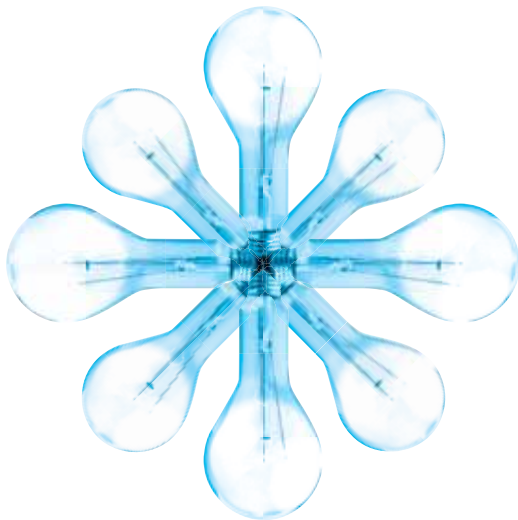


۱۶. طرح افزایش قبولی و کارایی مدرسه و کاهش افت تحصیلی؛
۱۷. طرح دانش‌افزایی معلمان و تبادل تجارب آنان از طریق شرکت در دوره‌های بازآموزی برون و درون مدرسه و یادگیری معلم از معلم؛
۱۸. طرح به‌کارگیری وسایل کمک آموزشی برای تدریس به‌وسیله معلمان و دانش‌آموزان و تقویت آموزش‌های علمی در مدرسه؛
۱۹. طرح بهسازی نظام تشویق و تنبیه در مدرسه؛
۲۰. طرح ارزشیابی از کارکنان مدرسه و ارشاد و راهنمایی آنان؛
۲۱. طرح تقویت روحیه دانش‌آموزان در مدرسه و کارکنان مدرسه؛
۲۲. طرح آشنا کردن دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه با اهداف و وظایف مدرسه، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آموزشی، اداری، امتحانی و انضباطی؛
۲۳. طرح ارتباط با دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) و آگاهی از موفقیت‌های آنان و بهره‌گیری از تجارب و نظریات ایشان در فرایند تعلیم و تربیت مدرسه؛
۲۴. طرح آشنایی با جامعه و شناخت صاحبان مشاغل و حرف‌گوناگون به منظور انجام دادن برنامه‌های بازدید، سخنرانی و کار در محیط کار؛
۲۵. طرح شناخت و پرورش استعدادها دانش‌آموزان و معرفی آنان به مسابقات علمی، مذهبی، ورزشی، هنری در اردوهای گوناگون؛



- مناسب و متنوع و افزایش علاقه دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه به مطالعه و تقویت فرهنگ کتاب‌خوانی؛
۷. طرح ایجاد مهارت در تندخوانی و تندنویسی در دانش‌آموزان مدرسه؛
۸. طرح مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه، به تناسب نیاز و شرایط و تقویت توان مدیریتی آنان؛
۹. طرح استفاده بهینه از توانمندی‌های اولیای شاگردان و تقویت انجمن اولیا و مربیان مدرسه؛
۱۰. طرح شناخت دانش‌آموزان، به ویژه دانش‌آموزان ناهنجار و مشکل‌دار و استفاده مناسب از خدمات راهنمایی و مشاوره؛
۱۱. طرح شناخت احتیاجات آموزشی خانواده‌ها به منظور آموزش و افزایش آگاهی آنان در تربیت و رفتار مناسب با فرزندان؛
۱۲. طرح استفاده از خدمات راهنمایی و مشاوره در مدرسه و آشنا کردن دانش‌آموزان با رشته‌های تحصیلی و مشاغل گوناگون؛
۱۳. طرح گسترش فرهنگ پژوهش در مدرسه و تشویق دانش‌آموزان و معلمان به انجام دادن بررسی‌ها و پژوهش‌های کتابخانه‌ای و به تدریج میدانی؛
۱۴. طرح مدرسه‌گردی، روستاگردی و شهرگردی به منظور مشاهده و یادگیری نوآوری‌ها و ابتکارات مدارس گوناگون؛
۱۵. طرح معرفی مدرسه، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و روند رشد، تحت عنوان «با مدرسه... آشنا شوید» با بهره‌گیری از نمودارها و آمارهای گوناگون؛

ناکارآمد بودن نظام آموزشی بزرگ‌ترین مانع خلاقیت و نوآوری است



پی‌نوشت‌ها

1. Creativity
2. Innovation
3. Organization Development
4. Imagination

منابع

۱. پیرخایفی، علی‌رضا. خلاقیت (مبانی و روش‌های پرورشی)، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴.
۲. ساعتچی، محمود. روان‌شناسی بهره‌وری، نشر ویرایش، ۱۳۸۰.
۳. سلیمانی، افشین. کلاس خلاقیت (تمرینات و روش‌های خلاقیت برای معلمان و مربیان)، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.
۴. سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی، انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
۵. صافی، احمد. مدیریت و نوآوری در مدارس، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۹.
۶. فصل‌نامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره ششم، شماره مسلسل ۲۴-۲۳، پاییز و زمستان، ۱۳۷۸.
۷. فصل‌نامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره هفتم، شماره مسلسل ۲۵، بهار ۱۳۷۹.
۸. راهبردهایی در مدیریت آموزشگاهی، گروه آموزشی مدیران دفتر آموزشی عمومی آپ، ۱۳۷۹.

۲۶. طرح ایجاد نمایشگاه‌های گوناگون در مدرسه و شرکت در نمایشگاه‌های خارج از مدرسه، حاوی نوآوری‌ها و ابتکارات دانش‌آموزان و کارکنان؛
۲۷. طرح بهسازی نظام امتحانی مدرسه، تهیه بانک سؤال و اجرای مناسب امتحانات و کاهش اضطراب دانش‌آموزان؛
۲۸. طرح بهسازی نظم و انضباط مدرسه؛
۲۹. طرح استفاده بهینه از همه امکانات مدرسه در طول سال تحصیلی و تابستان؛
۳۰. طرح ارتباط با دانش‌آموزان و خانواده‌ها به‌وسیله کارکنان مدرسه؛
۳۱. طرح بزرگداشت مقام معلم و گرمی‌داشت مناسب‌های گوناگون در مدرسه؛
۳۲. طرح شناخت و معرفی زنان و مردان اسوه و موفق در زمینه‌های مذهبی، اخلاقی، سیاسی، علمی، فنی و... به دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه؛
۳۳. طرح تقویت خودآموزی در دانش‌آموزان و معلمان؛
۳۴. طرح ایجاد تسهیلات و امکانات رفاهی برای دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه؛
۳۵. طرح استفاده از فناوری و نحوه تهیه آن؛
۳۶. طرح افزایش بهره‌وری از فضا و تجهیزات؛
۳۷. طرح مشارکت دادن دانش‌آموزان در اداره امور

مدرسه.

و...

تلفیق آموزش عمومی با آموزش فنی و حرفه‌ای دوره تحصیلی متوسطه

استرالیا

مقدمه

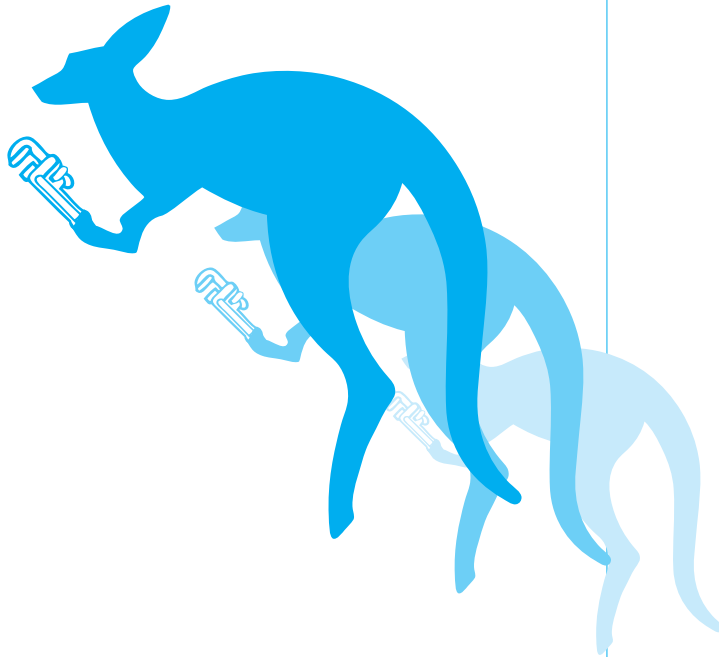
با وجود اینکه در دهه‌های اخیر رویکرد تلفیق آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عمومی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، شاید بتوان گفت هیچ کشوری در خصوص تلفیق برنامه‌های آموزش عمومی و تربیت حرفه‌ای به موفقیت کامل دست نیافته است. در این مقاله به تجارب تلفیق این دو نوع آموزش در استرالیا اشاره شده است.

البته، باید توجه داشت که آگاهی ما از تجارب این کشور در حد اطلاعات منعکس شده در منابع قابل دسترس بوده و ممکن است بیانگر تصویر کاملی از وضع موجود نباشد. با وجود این، مطالعه تجارب ناظر بر تلفیق در حد همین اطلاعات هم می‌تواند دانش و بینش ما را نسبت به شیوه‌های تلفیق بیفزاید و ظرفیت نرم‌افزاری نظام آموزشی کشور را برای استفاده از رویکرد تلفیقی توسعه دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش عمومی - فنی و حرفه‌ای کار دانش - استرالیا

دکتر احد نویدی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش



ورود به این نظام برای همه افراد دارای زمینه‌های تحصیلی و تجارب زندگی مختلف آزاد است. همه دانش‌آموزان کوئزلند از آموزش متوسطه عمومی برخوردار می‌شوند؛ در این دوره هیچ نوع برنامه اختصاصی برای کسب آمادگی ورود به دانشگاه یا به تربیت فنی و حرفه‌ای ارائه نمی‌شود.

استراتژی تلفیق

در دهه‌های اخیر در استرالیا سه روش مرتبط به هم به تغییرات عمده در جهت تلفیق برنامه‌های درسی منجر شده است. نخست مدارس، به منظور دادن پاسخ منعطف به نیازهای متنوع افراد در خصوص تدوین و توسعه برنامه آموزشی، مسئولیت بیشتری بر عهده گرفته‌اند و در بسیاری از مدارس، مجموعه‌ای از برنامه درسی فراهم شده که دامنه وسیعی از انتخاب و حرکت در خطوط فرعی را در چارچوب نظام آموزشی فراهم ساخته است.

دوم، گروه‌های فشار کوچک اما فعالی در داخل متخصصان آموزش به وجود آمده‌اند که با گروه‌های خارج از مدرسه در جهت تغییر مطالبات از موضوعات مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی همکاری می‌کنند. مدارس در جهت ایجاد هنرهای دستی و موضوعات بازرگانی، به صورت آزادتر برای دختران و به صورت اقتصاد خانگی برای پسران، قدم برمی‌دارند. تعدادی از مدارس از کلاس هشتم برای همه دانش‌آموزان دختر و پسر درس هنرهای دستی و همچنین اقتصاد خانگی را گنجانده‌اند. اتخاذ روش سوم از یک سرخوردگی ناشی از انتخاب آزاد نشئت گرفته است. به این معنی که حتی بعد از فراهم شدن راهنمایی برای دانش‌آموزان توسط مدارس، تعداد بسیار زیادی از دانش‌آموزان ترکیبی از موضوعاتی را انتخاب می‌کردند که

بر اساس ساختار نظام آموزشی استرالیا در کوئزلند حضور کودکان و نوجوانان در مدرسه از شش سالگی تا پایان پانزده سالگی اجباری است. در این نظام، آموزش ابتدایی هفت سال و آموزش متوسطه پنج سال طول می‌کشد و والدین در فرستادن دانش‌آموزان به پیش‌دبستانی حق انتخاب دارند.

تا سال ۱۹۶۰، اکثریت دانش‌آموزان تا پایان سال سوم متوسطه (پایه دهم) در مدرسه می‌ماندند و در آن مقطع حدود نود درصد افراد یک گواهی‌نامه سطح مقدماتی دریافت می‌کردند. برخی فرصت‌های آموزشی برای این قبیل دانش‌آموزان وجود داشت. آن‌ها می‌توانستند تحصیلات خود را در مدرسه تا پایه‌های یازده و دوازده ادامه دهند یا مدرسه را ترک و مطالعات دیگری را آغاز کنند و تحصیلات فرد را به صورت پاره‌وقت یا تمام‌وقت در مؤسسات دولتی یا مردم‌نهاد، با شهریه آزاد، ادامه بدهند.

از سال‌های دهه ۱۹۹۰، به بعد حدود پنجاه درصد دانش‌آموزان پایه دهم ادامه دادن به تحصیل و اخذ مدرک بالاتر، و ماندن در مدرسه برای مدت دوازده سال را ترجیح داده‌اند. فرصت‌های آموزشی بعد از متوسطه توسط مجموعه‌ای از مؤسسات (دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها، و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای) فراهم شده است. این مؤسسات که طیف وسیعی از برنامه‌های آموزشی را برای افرادی با پیشینه‌های تحصیلی مختلف ارائه می‌کنند.

در کوئزلند، انتقال از دوره ابتدایی به متوسطه بدون شرکت در آزمون انجام می‌شود. برای ورود به آموزش عالی، دانش‌آموزان در یک آزمون استعداد تحصیلی شرکت می‌کنند. اما برای ورود به نظام آموزش فنی و تحصیلات تکمیلی (TAFE)^۱ نیازی به شرکت در آزمون یک‌سان نیست و



این پیشنهادها تا اندازه‌ای به نیازهای دانش‌آموزان و جامعه برمی‌گردد و تا اندازه‌ای به قابلیت استفاده مناسب از کیفیات یا تسهیلات مناسب، مثل ابزار و مکان‌های ویژه آموزش مربوط می‌شود. اغلب دانش‌آموزان در سال هشتم موضوعات یک‌سانی را مطالعه می‌کنند و از پایه نهم، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای در انتخاب مواد درسی سهیم می‌شوند.

وظیفه مدرسه، نظارت بر انتخاب موضوعات توسط دانش‌آموزان است تا برای ادامه تحصیل در سطوح بالاتر شایستگی فرد لحاظ گردد و تهدید نشود. برای پایه دهم به مدارس پیشنهاد می‌شود که از برنامه پایه نهم یا جایگزین اصلاح شده آن، که مبتنی بر کمک‌های تخصصی معطوف به نیازهای ویژه گروه‌های خاص دانش‌آموزان باشد، استفاده کنند. دروس ریاضیات و انگلیسی در این دوره اجباری است. یکی از اهداف مهم آموزش متوسطه در سال‌های متمادی این بوده است که حیطه‌های انتخاب شغلی دانش‌آموزان را تا حد امکان گسترش دهد. بهبود مشکلات تجربه شده جوانان، در انتخاب شغل دشوار و کاستن از این اشتباهات سخت و تجربه شده لازم است.

سیاست‌گذاران آموزش متوسطه نیاز این مدارس به ایجاد امکانات آموزش حرفه‌ای عمومی را در متن آموزش عمومی احساس کرده‌اند. دبیرستان‌ها و دانشکده‌های فنی در بسیاری از جهات یک‌سان عمل می‌کنند و هدف آموزش متوسطه توسعه این همکاری در زمینه طراحی برنامه آموزشی است. حیطه‌های آموزش عمومی و آموزش حرفه‌ای هم‌پوشی دارند و به‌صورت یک پیوستارند.

مدارس متوسطه مسئولیت آماده‌سازی عمومی دانش‌آموزان را برای استخدام بر عهده دارند. از دیدگاه بخش آموزش، آموزش حرفه‌ای باید بر پایه قوی تحصیلات علمی و عمومی بنا شود. مشکل تدارک دوره‌های مناسب در سال‌های اول دوره متوسطه برای دانش‌آموزانی که در پایان پایه دهم مدرسه را ترک می‌کنند و وارد بازار کار می‌شوند، به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود. عوامل زیر در ایجاد این مشکل دخالت دارند:

۱. تکنولوژی به سطح بالایی از مهارت‌ها و فنون نیاز دارد.
۲. مشاغل به‌طور خودکار و در جهت نیاز مصرف‌کنندگان تغییر می‌یابند.
۳. تنوع حرفه‌ها گسترش یافته است و مدارس متوسطه نمی‌توانند دوره‌های لازم را برای آموزش آن تدارک ببینند.

پاسخ به این مشکلات برای شناخت اهمیت یک آموزش عمومی کامل که افراد را برای آموزش کار سازگار می‌سازد، ضروری است. از طرف دیگر، مدارس متوسطه باید بتوانند برای

به‌نظر می‌رسد تجربه‌اندوزی در آن‌ها برای زندگی موفقیت‌آمیز، نامتعادل و غیر محتمل است. این مشکل، فهم مسئولان در زمینه نیاز مبرم به ساختار یک هسته اصلی و انتخابی در برنامه درسی را افزایش داد و در اثر آن، برنامه درسی بازسازی گردید و در بعضی موارد یک یا چند موضوع حرفه‌ای در درون این هسته اصلی گنجانده شد.

مانع عمده‌ای که در مقابل پذیرش وسیع موضوعات فنی قرار دارد، ناخرسندی مؤسسات آموزش عالی برای پذیرفتن افراد مربوط در دانشگاه است. در سطح دوم آموزش متوسطه، دانش‌آموزان با انتخاب یک یا چند موضوع خیلی محدود فنی در معرض خطر از دست دادن یا کمینه شدن فرصت تحصیل در دانشگاه قرار خواهند گرفت.

تلفیق در مرحله اول دوره متوسطه

از سال ۱۹۹۴، نظام آموزشی کوئیزلند هفت سال برای آموزش ابتدایی و پنج سال برای آموزش متوسطه در نظر گرفت. آموزش متوسطه به سه سال دوره مقدماتی و دو سال دوره عالی تقسیم می‌شود. بر اساس تصمیم کمیته‌ای، سال‌های آموزش اجباری به پانزده سال افزایش یافت و راه ورود به دوره متوسطه عالی برای همه دانش‌آموزان باز شد. در مرحله اول آموزش متوسطه، دبیرستان‌های دولتی فراگیر یا جامع در مناطق روستایی ایجاد شده است. دامنه موضوعات پیشنهادی به شرح زیر خلاصه شده است:

در سال اول مرحله اول سطح متوسطه (پایه هشتم)، بیشتر مدارس به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌کنند تا از میان اقتصاد خانگی و

هنرهای دستی دست به انتخاب زنند. دانش‌آموزان گاهی هر دو موضوع درس را مطالعه می‌کنند و یا هر موضوع برای یک نیم‌سال تدریس می‌شود. تعداد ۳۵ عنوان از موضوعات در پایه‌های نهم تا دهم قابل دسترسی است. این موضوعات عبارت‌اند از: انگلیسی، بیان انگلیسی، فرانسه، آلمانی، آندونزیایی/مالزیایی، ایتالیایی، ژاپنی، لاتین، روسی، آموزش شهروندی، جغرافیا، تاریخ، مطالعات اجتماعی، ریاضیات پیشرفته، ریاضیات عمومی، ریاضیات معمولی، علوم، علوم عمومی، اصول تجارت، کتابداری، تندنویسی، تایپ کردن، مطالعات بازرگانی، اقتصاد خانگی، چوب‌کاری، فلزکاری، طراحی صنعتی یا فنی، مکانیک کشاورزی، پرورش حیوانات، کشاورزی، هنر، موسیقی، سخنرانی و تئاتر، تربیت بدنی و سلامت.

به دانش‌آموزان اجازه انتخاب موضوع داده می‌شود.

مطالعات بازرگانی، کشاورزی و هنرهای دستی در قالب آموزش عمومی برای همه دانش‌آموزان ارائه می‌شوند



دستکاری اهداف در سرفصل‌های برنامه‌دستی با توسعه الگوهای رفتاری و مهارت‌ها برای توانا ساختن دانش‌آموزان به کاربرد مناسب مواد و تجهیزات کشاورزی ارتباط دارد. این اهداف به توانایی دانش‌آموزان در سه بخش معطوف است:

- ۱) طراحی کردن، سوار کردن، به‌کار انداختن، پیاده کردن اجزای ماشین‌آلات کشاورزی و سایر تجهیزات مزرعه؛
- ۲) ثبت دقیق، سازماندهی و جدول‌بندی مشاهدات؛
- ۳) انجام پروژه‌ها و کارهای میدانی.

در مجموع، زمانی که در طول دو سال (پایه‌های نهم و دهم) به آموزش کشاورزی اختصاص داده می‌شود، صد ساعت است. اگرچه هیچ خطوط راهنمای ویژه‌ای فراهم نشده است تا مقدار کار عملی را برای معلمان تعیین کند، کار عملی در هر سه موضوع کشاورزی به‌طور کامل با مباحث نظری تلفیق می‌شود.

بعد از مطالعه مطالب نظری در کلاس، دانش‌آموزان در میدان آزمایشگاه مدرسه با فعالیت‌های دستی درگیر می‌شوند تا آن‌ها را در یادگیری یاری رسانند. در این آزمایشگاه دامنه وسیعی از فعالیت‌هایی که معمولاً در شکل بازرگانی و آزمایشگاهی انجام می‌شوند، مانند دوشیدن گاوها و ... مورد تأکید قرار می‌گیرند. همچنین، از کشاورزان و بازرگانان محلی دعوت می‌شود تا بعضی آزمایش‌ها را در زمین مدرسه انجام دهند و دانش‌آموزان از طریق مانیتور آن‌ها را مشاهده کنند.

هنرهای دستی

هنرهای دستی نه تنها یک حوزه محدود با جهت‌گیری حرفه‌ای و مهارت دستی تلقی نمی‌گردد بلکه جزئی از آموزش عمومی است و با دانش و مهارت‌های زیر سروکار دارد:

حل مسئله، برنامه‌ریزی، طراحی، دانش عمومی، دانش فنی، ارتباط، همکاری، اهمیت دادن به بهزیستی دیگران، پیشرفت شخصی، حمایت از مصرف‌کننده و توسعه فناوری و اثرات آن.

همه این دانش‌ها و مهارت‌ها از اجزای آموزش عمومی هستند و در عین حال مستقیماً به دنیای کسب‌وکار مربوط می‌شوند. اهداف هنرهای دستی نیز عبارت‌اند: پرورش آگاهی مطمئن، مهارت تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری و حل مسئله، دانش فنی، مهارت‌های روانی- حرکتی، مهارت جامعه‌پذیری، درک ارتباط فناوری با تغییرات جامعه، سواد فنی، قدردانی از کیفیت کار در ساخت، شایستگی و کفایت اقتصادی، آگاهی از نیاز به حفاظت از منابع طبیعی، کسب ویژگی استقلال فکری، تحمل، ابداع، خودتکلیفی، اعتمادبه‌نفس، همکاری، احساس رضایت از موفقیت‌های شخصی، علاقه به استفاده

پرورش مهارت‌های حرفه‌ای تدابیری اتخاذ کنند که از قابلیت اجرای عمومی در صنعت و بازرگانی برخوردار باشد. بنابراین، هدف برنامه آموزش عمومی با هدف آماده‌سازی دانش‌آموزان برای استخدام، در یک مسیر قرار دارند.

برای مثال، مهارت‌هایی نظیر تایپ کردن و تندنویسی قابلیت کاربرد عمومی در صنعت و بازرگانی را دارند. تاکنون هیچ موضوعی در سطح آموزش متوسطه کاملاً حرفه‌ای نبوده است و همه موضوعات برای آموزش عمومی ارائه شده‌اند. اما در خصوص مهارت‌های ویژه، چندین موضوع وجود دارد که برای تعدادی از مشاغل، کاربردی هستند. نمونه‌هایی از این موضوعات، مطالعات بازرگانی، کشاورزی و هنرهای دستی است، که در قالب آموزش عمومی برای همه دانش‌آموزان ارائه می‌شوند.

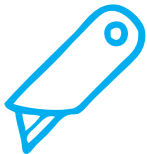
مطالعات بازرگانی

در حالی که ممکن است به نظر برسد حیطه مطالعات بازرگانی ارتباط نزدیک با آموزش حرفه‌ای دارد، در سال‌های آموزش اجباری برای آن سهمی در آموزش عمومی در نظر گرفته شده است. دوره‌هایی مثل تایپ کردن، آشنایی با اصول و روش‌های عملی بازرگانی، مطالعات بازرگانی و تندنویسی از برنامه‌های درسی‌ای است که برای مدارس پیشنهاد شده است. در مدارس دوره متوسطه عالی (پایه‌های یازدهم و دوازدهم) برای کسب آمادگی دانش‌آموزان جهت ورود به دنیای کار یا برای آموزش در سطوح بالاتر موضوعات بیشتر تخصصی شده در نظر گرفته می‌شوند.

کشاورزی

در مرحله اول دوره متوسطه، چهار موضوع کشاورزی پیشنهاد شده است: علوم کشاورزی (پایه‌های هشتم-دهم) کشاورزی، نگهداری حیوانات و مکانیک کشاورزی (سال نهم و دهم). هدف از آموزش علوم کشاورزی «فراهم کردن تجارب یادگیری برای ارزیابی مفهومی از کشاورزی به صورت بخشی از نظام محیطی، اقتصادی، فرهنگی و جامعه‌شناختی» اعلام شده است.

سه موضوع دیگر به رشد آگاهی دانش‌آموزان و فهم آن‌ها از محیط، روابط بین فردی و وابستگی‌های موجود در آن کمک می‌کند. همچنین، فرصت‌هایی برای فهم فرایندهای تکنولوژیکی و مفاهیم استفاده شده در کارهای کشاورزی است. هدف شناختی از این برنامه درسی جست‌وجو برای گسترش دانش و فهم فنون و کارهای تکنولوژیکی است، تاجایی که توانایی حل مسئله وابسته به کشاورزی رشد می‌کند.





خلاقانه از اوقات فراغت، آگاهی از مسئولیت‌های حرفه‌ای و احساس زیبایی شناختی.

تلفیق در مرحله دوم متوسطه

در کوئیزلند ساختار مرحله دوم متوسطه شبیه برنامه مرحله اول است. این برنامه‌ها برای پایه‌های یازدهم و دوازدهم در دوره بالاتر، در ۱۳۱ مدرسه فراگیر، دبیرستان‌های مختلط ایالتی و تعدادی از مدارس غیرایالتی تهیه شده است. به‌علاوه دانش‌آموزان می‌توانند به‌صورت نیمه‌وقت در ساعات بعد از ظهر برای اخذ گواهی‌نامه سطح بالاتر متوسطه در یکی از سه دبیرستان کلان‌شهر درس بخوانند یا به تحصیل چندین موضوع در محل دبیرستان‌ها بپردازند و یا در دانشکده‌های فنی حاضر شوند.

در مرحله دوم متوسطه، همه برنامه‌ها به‌عنوان آموزش عمومی در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین، در این سطح همه دانش‌آموزان آموزش عمومی واحدی را دریافت می‌کنند. این برنامه (فقط در سال یازدهم) برای بیست دانشگاه، بدون امتحان ورودی، پیشنهاد شده است. این دوره‌ها، عمدتاً شامل توسعه جهت‌گیری کاری یا مهارت‌های حرفه‌ای است و معمولاً جنبه‌ای از تجربه کاری را شامل می‌شود.

دروسی که در این دوره ارائه می‌شوند، عبارت‌اند از: انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اندونزیایی، ایتالیایی، ژاپنی، روسی، چینی، یونانی (کلاسیک)، عبری، لاتین، تاریخ باستان، تاریخ نوین، جغرافیا، اقتصاد، منطق، ریاضیات یک، ریاضیات دو، ریاضیات عمومی، ریاضیات اجتماعی، شیمی، فیزیک، علوم زیستی، زمین‌شناسی، علوم چند رشته‌ای، کشاورزی، اقتصاد خانه، مدیریت، حسابداری، منشی‌گری مقدماتی، مدیریت خانه، هنر، موسیقی، سخنرانی، نمایش‌نامه و تئاتر، علوم سیاست و تربیت‌بدنی.

هر دانش‌آموز برای ورود به آموزش عالی باید حداقل سه درس از دروس یاد شده را بگذراند. دامنه این موضوعات از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر متفاوت است. نمونه‌ای از موضوعات درسی در مدارس استرالیا در سال ۱۹۷۹ عبارت بودند از: تاریخ استرالیا، تایپ پیشرفته، مطالعات مربوط به انشا و کارهای دفتری، علوم رفتاری، آموزش تجارت، تایپ تجارت، روش‌های اداری پایه، اقتصاد پایه، آموزش مصرف‌کنندگی، رقص، دولت، فنون صنعتی، فرد و جامعه، هنرهای دستی، تمرینات اداری، تمرین منشی‌گری، آموزش اجتماعی، هنرهای فنی، تکنولوژی، جامعه‌شناسی جامعه و حرفه.

تنها، درس انگلیسی اجباری است. شیوه انتخاب مانند

مرحله قبلی است. اغلب افراد به دروس عمومی گرایش دارند تا به دروس حرفه‌ای. در هر حال، بعضی از این موضوعات به پرورش مهارت‌های مرتبط با تعدادی از مشاغل مربوط می‌شوند. همچنین، بسیاری از موضوعات مدرسه در این سطح آغاز می‌شوند. برای دانش‌آموزانی که به‌طور مستقیم از آموزش متوسطه به مطالعات مربوط به کار وارد می‌شوند، پیشرفت دانش‌آموزان در موضوعات درسی نمودی از نیازهای ویژه و علائق شناخته شده آنان است. اما خود دانش‌آموزان موضوعات را برای مطالعه انتخاب می‌کنند.

در رویکردهای نوین به آموزش فناوری، به‌خصوص در نوع فرایندمدار، چند زمینه اصلی یادگیری که تا حدود زیادی به هم وابسته‌اند و عمدتاً روی توسعه ارتباط فکر و دست دانش‌آموز تأکید دارند، ساختار محتوای یادگیری‌های حوزه فناوری را تشکیل می‌دهند.

در مجموع، تکالیف و فعالیت‌های یادگیری که دانش‌آموزان در حوزه فناوری به‌عهده می‌گیرند و نتایج و برندهای آن‌ها، با در نظر گرفتن توسعه دانش و مهارت‌های آن‌ها، در هر یک از چهار زمینه زیر تنظیم می‌گردد با الهام از برنامه آموزش فناوری در کشور استرالیا و با توجه به محتوای یادگیری‌های دانش‌آموزان در این چهار زمینه:

الف) طراحی کردن، ساختن و ارزیابی کردن: در این زمینه کوشش می‌شود تا دانش‌آموزان بتوانند:

- ایده‌هایی را توسعه دهند و راه‌حل‌های تخیل‌آمیزی برای تکالیف یادگیری خلق کنند؛
- مسائل و راه‌حل‌ها را واریس کنند؛
- راه‌حل‌های پیشنهادی و راه‌حل‌های جانشین را اختراع کنند؛

- فرایندها و محصولات را تولید کنند؛
- ایده‌ها و عملیات را با دیگران به تعامل گذراند؛
- تأثیرات و نتایج کار را ارزیابی کنند.

در عین حال در طراحی آموزش طوری زمینه‌چینی می‌شود تا دانش‌آموزان به بافتی که برای آن فرایندها و تولیدات فناوری طراحی کرده‌اند توجه داشته باشند و به مزیت‌های زیبایی‌شناسانه، محیط زیستی و اجتماعی طرح‌ها و محصولات فناورانه خلق شده یا مواجه شده، در زندگی روزانه، توجه نمایند.

ب) اطلاعات: در زمینه اطلاعات؛ یادگیری فنون جمع‌آوری، مرتب‌کردن، ذخیره‌کردن، بازیافت، انتقال و تعامل و تبادل اطلاعات، بخش مهمی از فناوری‌ست که یادگیری آن‌ها در حل چالش‌های موجود در خیلی از زمینه‌های





- از انواع و ترکیبات متفاوت مواد استفاده می‌شود و تأثیر ماهیت مواد روی نتیجه کار فهمیده می‌شود؛
- محصولات و تأثیرات ویژه‌ای با مواد خلق می‌شود؛
- مواد را پردازش و نگهداری می‌کند و دوباره به جریان می‌اندازد.

(د) سیستم‌ها: سیستم‌ها ترکیب عناصر و اجزائی هستند که برای کسب نتایج ویژه و مشخصی با هم به فعالیت می‌پردازند. اگر به فناوری‌های دوروبر خود نگاه کنیم، سیستم‌ها مجموعه گسترده و متنوعی هستند که در تمام زمینه‌های فعالیت انسانی استفاده شده، کاربرد داشته و توسعه یافته‌اند. تلویزیون‌ها، چرخ خیاطی‌ها، چهارچوب‌های تنظیم کار در مؤسسات و کارخانه‌ها، کامپیوترها، به‌کارگیری نوارهای راهنما و کاتالوگ‌ها، طرح‌های استفاده از ضایعات و زباله‌ها، شبکه‌های راهنمای ارتباطات و تهیه مواد غذایی و مصنوعات، همه نمونه‌هایی از سیستم‌های مختلفی هستند که هر یک فرایندها، درونداد خاص و برونداد خاص دارند و حلقه بازخورد در آن‌ها به چشم می‌خورد.

دانش‌آموزان، از طریق آموزش فناوری، فرصت‌هایی برای کار کردن شناخت مزایا و معایب سیستم‌ها به‌دست می‌آورند از جمله مهم‌ترین آن‌ها موارد زیر هستند:

- سیستم‌های ساده و پیچیده را مشاهده کنند و به‌صورت اجزاء خرد درآورند و دوباره نصب کنند و پس از اصلاح مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و آن‌ها را کنترل کنند؛
- عملکرد ساختارها و مکانیزم‌های درونی سیستم‌ها را مورد بررسی و واریسی قرار دهند و کارکرد آن‌ها را توضیح دهند؛

• از نزدیک بررسی کنند که چگونه سیستم‌ها طراحی شده‌اند و به‌کار گرفته می‌شوند تا نتایج و برونداد مشخصی به‌دست آید؛

• کارکردها و عملکردهای سیستم‌ها را کشف کنند، و ضمن توجه به نحوه کار آن‌ها تأثیرات فرهنگی و محیطی آن‌ها را نیز پیش‌گویی کنند؛

• سیستم‌ها را بسازند، مونتاژ کنند، سازمان دهند، مدیریت کنند و اصلاح نمایند؛

• از سیستم‌های سازمانی، الکترونیکی، مکانیکی، سازه‌ای و اطلاعاتی استفاده کنند و آن‌ها را توسعه دهند.

• شایسته و مناسب بودن سیستم‌های خاص را در ارتباط با جوامع مختلف، گروه‌های سنی و شرایط زیستی مختلف، مورد بررسی قرار دهند.

یادگیری کمک‌کننده‌اند و مورد استفاده قرار می‌گیرند. در زمینه اطلاعات فرصت‌هایی ایجاد می‌شود تا دانش‌آموزان:

• اطلاعات را در شکل‌های دیداری، شنیداری، نمادی و الکترونیک ترکیب کنند؛

• اطلاعات را در شکل متن‌ها، مدل‌ها، شبیه‌سازی‌ها و گرافیکی ویرایش کنند و به آن‌ها چهارچوب بدهند و آن‌ها را منتشر کنند؛

• اطلاعات را کسب کنند و از طریق رسانه‌های گوناگون آن‌ها را به طرف مجموعه متنوعی از دریافت‌کنندگان هدایت نمایند؛

• اطلاعات را جمع‌آوری، سازماندهی و قابل دسترس کنند سپس با ذخیره و بازیافت کردن، آن‌ها را به تعامل بگذارند، پردازش کنند و حتی تغییر شکل دهند؛

• ماهیت و موارد استفاده از اطلاعات را بفهمند و اعتبار و مربوط بودن اطلاعات را ارزیابی کنند؛

• الگوها و روندهای اطلاعات را تحلیل و تفسیر و پیش‌گویی کنند؛

• تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فناوری اطلاعاتی را کشف کنند.

(ج) مواد: در این زمینه میدان نسبتاً گسترده‌ای از فنون برای پردازش، دست‌کاری، تغییر شکل و دوباره به جریان انداختن مواد پیش‌روی دانش‌آموز قرار دارد و در اثر این فعالیت‌ها، ساختارها، فرم‌ها، تأثیرات و پیام‌های متفاوتی برای دانش‌آموز خلق می‌شود.

به‌طور کلی مواد به‌صورت طبیعی و مصنوعی (ترکیب یافته) هستند و به صورت‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند.

برای مثال می‌توان آن‌ها را به پلیمرها، الیاف طبیعی، آلیاژها و ترکیبات تقسیم کرد. اما خواص مواد در خلق محصولات فناورانه و اینکه تا چه حد جواب‌گویی خواسته‌ها و نیازهای ویژه‌اند، مشخص می‌گردد. برای انتخاب، لازم است دانش‌آموز، نسبت به منافع و محدودیت‌ها (از جهات مختلف فنی، اجتماعی و زیست محیطی) توجه دقیق داشته باشد. این توجهات بر تصمیم‌وی در خصوص کاربرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

بخشی از مهم‌ترین فرصت‌هایی که دانش‌آموزان از طریق کار با «مواد» در حوزه فناوری به‌دست می‌آورند، عبارت‌اند از:

• شکل، کارکرد، توان بالقوه و مناسب بودن مواد ارزشیابی می‌گردد؛

• از خواص فیزیکی، شیمیایی و زیبایی‌شناختی مواد استفاده می‌شود؛



صنایع دستی چوبی، هنر صنعتی در خدمت اشتغال و تولید

علیرضا درستکار

کارشناس ارشد صنایع چوب و کاغذ

چکیده

حجم تجارت صنایع دستی در جهان بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار است. این صنایع در کشورمان با ۱/۵ میلیارد دلار صادرات، همراه چین و هند، یکی از سه قطب برتر صنایع دستی جهان به‌شمار می‌رود. بخش بزرگی از صنایع دستی را هنرهای چوبی، مانند خاتم‌کاری، معرق‌کاری، منبت‌کاری، کنده‌کاری و مشبک‌کاری، خراطی چوب، ریزه‌کاری و نازک‌کاری چوبی، مبلمان و... تشکیل می‌دهد که تولیدات آن‌ها شامل محصولات متنوعی مانند صندوق چوبی، رحل، ظروف چوبی و... می‌باشد. صنایع دستی به دلایل زیاد، از جمله هزینه‌اندک برای راه‌اندازی شغل، قابلیت استفاده از مواد اولیه بومی، استفاده از زمان فراغت خانواده‌ها، قابلیت اشتغال خانگی و استفاده از نیروی سایر اعضای خانواده و... در بسیاری از کشورهای جهان به مثابه راه‌حلی برای حل مسئله اشتغال و افزایش درآمد و تولید مورد توجه قرار گرفته است. این صنعت قابلیت معرفی ظرفیت‌های فرهنگی یک منطقه را دارد و نقش آن در جذب گردشگر بسیار چشم‌گیر است.

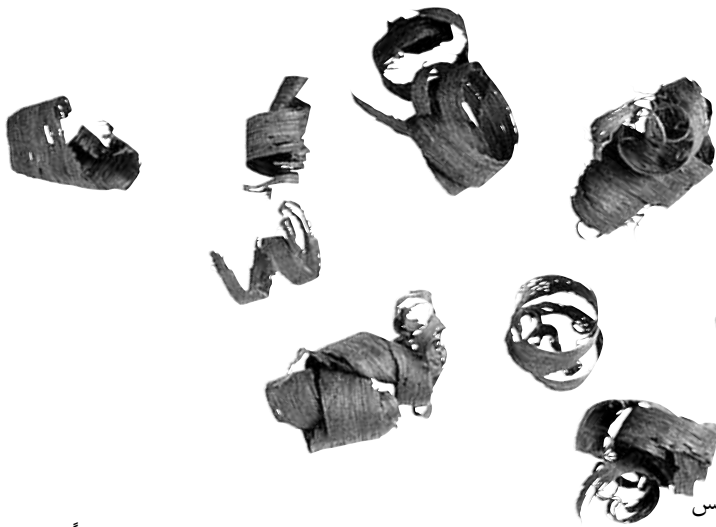
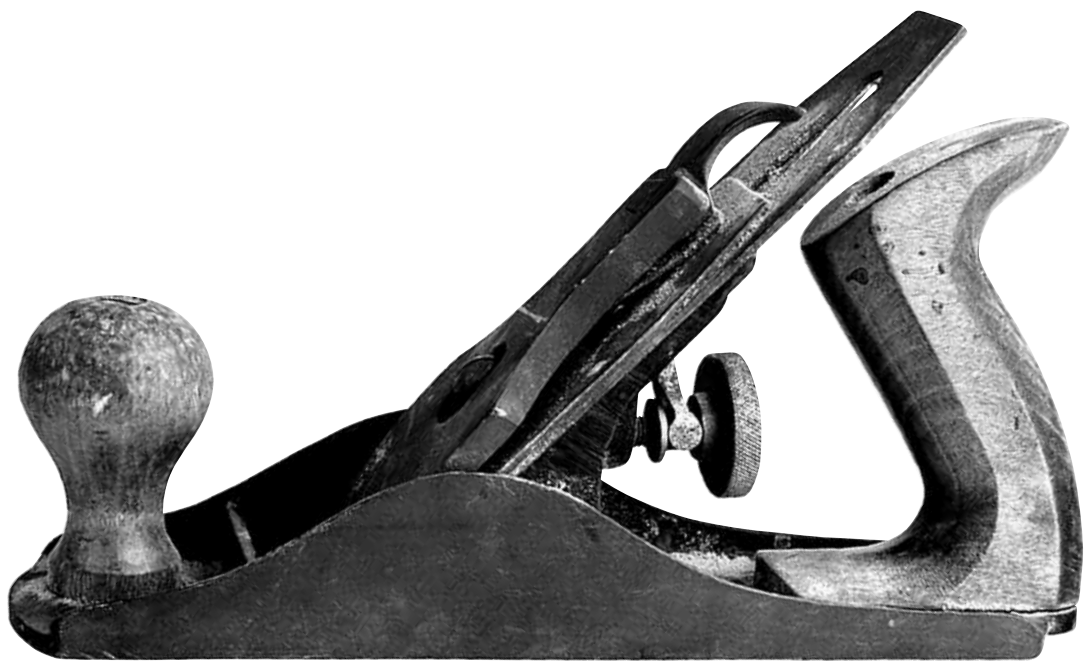
کلیدواژه‌ها: صنایع دستی، اشتغال، چوب، تولید، هنر صنعت

تعریف و تاریخچه

از مجموعه تعاریف صنایع دستی، به‌نظر می‌رسد تعریف زیر، که توسط گروهی از کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران ارائه گردیده، دقیق‌تر و جامع‌تر است؛ چرا که با وضعیت فعلی این صنعت و هنر ارزنده انطباق بیشتری دارد: صنایع دستی به مجموعه‌ای از هنرها و صنایع اطلاق می‌شود که به‌طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به کمک دست و ابزار دستی محصولاتی ساخته می‌شود که در هر واحد آن ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر سازنده به‌نحوی تجلی یافته و همین عامل، وجه تمایز اصلی این‌گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای است [۱].

صنایع دستی در بستر تاریخ ایران

ایران، یکی از کهن‌ترین کشورهای آسیا و جهان در دوران



باستان بوده که امپراتوری‌های بزرگی مانند مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را به خود دیده است و قدرت، سیاست، اقتصاد، دین و نظام اجتماعی آن‌ها بخشی از تاریخ و تمدن ایران به‌شمار می‌رود. هنر عبارت از واکنش معنوی انسان به دریافت زیبایی‌های خلقت و فضیلت‌های انسانی و بیزاری از زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. هنر تجلی خلقت است و بس. به گواه تاریخ، ایران یکی از کهن‌ترین سرزمین‌هاست، که خلافت انسان را بر زمین پذیرفته و آغاز تمدن روستایی و سپس شهری را بنیان گذارده است. اگر دستاوردها و ابداعات و آفرینش‌های هنر انسان را برای بهبود زندگی و کیفیت خوب زیستن هنر بدانیم، ایران یکی از کهن‌ترین مهدهای هنراست [۲].

تولید مواجه شد؛ به‌طوری که صادرات پارچه‌های ایرانی تقریباً متوقف و تولید ابریشم از ۲۷ میلیون پوند انگلیس دوره شاه عباس به ۲۶۰ هزار پوند تنزل یافت. کارگاه‌های کاشان نیز به ۲۲۰ واحد کاهش یافت و صادرات فرش، ظروف سفال، شیشه و بلور نیز تقریباً متوقف شد. در این دوره بود که اقتصاد ایران یکسره به تسخیر خارجی‌ها درآمد [۳].

ویژگی‌های صنایع دستی

با توجه به تعریف فوق و سایر تعاریفی که برای صنایع دستی ارائه شد، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای محصولات دست‌ساخته قائل شد [۴]:

۱. انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید، توسط دست و ابزار و وسایل دستی. برای تولید هر یک از فرآورده‌های دستی مراحل متعددی طی می‌شود ولی انجام کلیه این مراحل به وسیله دست و ابزار و وسایل دستی الزامی نیست و چنانچه تنها قسمتی از مراحل اساسی تولید به این طریق انجام شود، محصول تولید شده، با توجه به مواردی که در تعریف ذکر شد،

به‌طور خلاصه در قرن هفتم و هشتم و اواخر قرن سیزدهم و چهاردهم هنر صنایع دستی در اوج تکامل و شکوفایی خود بوده است. پس از ورود اسلام به ایران و ارج نهادن به هنرهای سنتی و دستی، بناهای اوایل دوره اسلامی در زمان سامانیان، غزنویان و سلجوقیان بخشی از شاهکارهای فنی و هنر معماری ایران را تشکیل می‌دهند. نظری کلی به تاریخ نشان می‌دهد که اصالت ایرانی در پرتو درخشندگی فرهنگ خاص خود هر بار به‌صورتی جوان‌تر و شکل‌تر و با نیروی بیشتر راه خود را به جانب حیاتی نو آغاز کرده است.

قبل از دوره قاجاریه هنرهای سنتی و صنایع دستی ایران شهرتی جهانی داشت و اغلب کشورهای اروپایی خریدار آن بودند. ولی در دوره قاجاریه اقتصاد ایران با سقوط و رکود



معرق کاری ۱۹. کاشی گری ۲۰. ملیله کاری ۲۱. مینا کاری ۲۲. ساخت اشیای مستظرفه و هنری ۲۳. ساخت زیور آلات ۲۴. ساخت سایر فرآورده‌های دستی.

در این میان برخی صنایع دستی چوبی به شرح زیرند:

الف. خراطی، شیوه‌ای از تولید محصولات چوبی است که طی آن و توسط ابزار و وسایل مختلف و به‌طور عمده به‌وسیلهٔ دستگاه خراطی، اشیایی نظیر انواع قلیان، گهواره، پایهٔ آباژور و ظروف مختلف ساخته و پرداخته می‌شود.

ب. ریزه کاری و نازک کاری چوب، روشی از ساخت فرآورده‌های چوبی است که طی آن به وسیلهٔ وسایل نجاری نظیر اژه، رنده، سوهان، مِغار و... قطعات کوچک چوبی آماده شده به‌صورت روکش بر روی بدنهٔ چوبی چسبانده و تحت فشار شکل گرفته‌اند و از این طریق انواع شکلات‌خوری، قاب‌عکس و نظایر آن تولید و عرضه می‌گردد.

ج. منبت کاری، کنده کاری و مشبک کاری چوب، شیوه‌هایی دیگر از تولید محصولات چوبی هستند که طی آن طرح‌ها و نقوش سنتی با استفاده از قلم، چکش، مِغار و سایر ابزار آلات نجاری بر روی چوب‌های مرغوب و بادوام شکل می‌پذیرد.

د. خاتم سازی: روشی از تولید فرآورده‌های چوبی است که با استفاده از روکش حاصله از به هم چسباندن قطعات کوچک فلزات، استخوان و انواع چوب در اشکال و طرح‌های سنتی (اغلب به‌صورت هندسی) و به کمک ابزار و وسایل مختلف، فرآورده‌هایی نظیر انواع قاب عکس، جاسیگاری، شکلات‌خوری، میز، صندلی و... ساخته می‌شود.

ه. معرق کاری، ترسیم طرح‌ها و نقش‌های سنتی بر روی زمینهٔ چوبی یا سرامیک و خالی کردن داخل خطوط طرح‌ها و پر کردن فضای خالی شده به وسیلهٔ قطعات آماده شدهٔ چوبی، سرامیک، فلزی، صدفی و سنگی را معرق کاری می‌گویند.

از صنایع دستی محسوب می‌گردد.

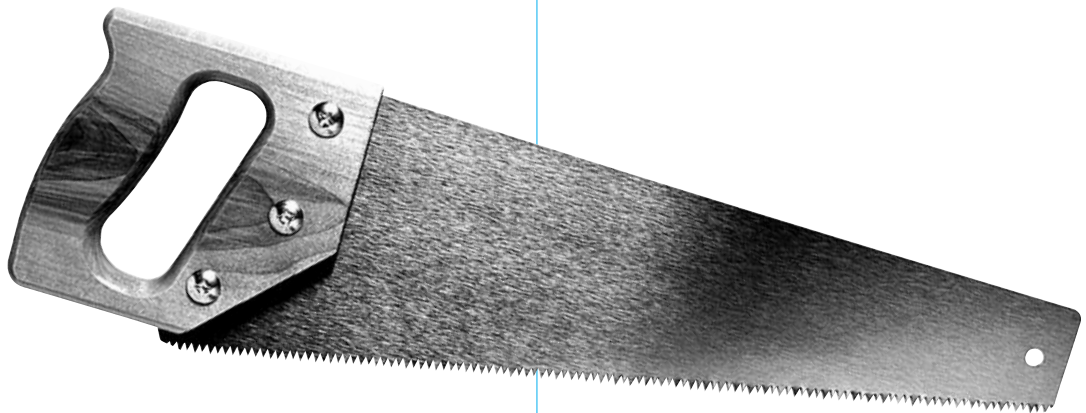
۲. حضور مؤثر و خلاق انسان در تولید و شکل بخشیدن به محصولات ساخته شده و امکان ایجاد تنوع و پیاپی کردن طرح‌های مختلف در مرحلهٔ ساخت این‌گونه فرآورده‌ها.
۳. تأمین قسمت عمدهٔ مواد اولیهٔ مصرفی از منابع داخلی.
۴. داشتن بار فرهنگی (استفاده از طرح‌های اصیل، بومی و سنتی).
۵. همانند و مشابه نبودن فرآورده‌های تولیدی با یکدیگر.
۶. نیاز نداشتن به سرمایه‌گذاری زیاد در مقایسه با سایر رشته‌های صنعت.
۷. دارا بودن ارزش افزودهٔ زیاد در مقایسه با صنایع دیگر.
۸. قابلیت ایجاد و توسعه در مناطق مختلف (شهر، روستا و حتی در جوامع عشایری).
۹. قابلیت انتقال تجربیات، رموز و فنون تولیدی، سینه به سینه و یا مطابق روش استاد و شاگردی.

طبقه‌بندی صنایع دستی

در زمینهٔ طبقه‌بندی صنایع دستی، باید گفت که این طبقه‌بندی به‌صورت‌های مختلف، از جمله بر اساس مواد اولیهٔ مصرفی یا براساس شیوه و روش ساخت آن امکان‌پذیرند. در اینجا طبقه‌بندی انجام شده توسط کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران، که عمدتاً بر مبنای روش و تکنیک ساخت این‌گونه محصولات به‌عمل آمده است، ذکر می‌شود [۵]:

۱. بافته‌های داری ۲. دست‌بافی ۳. بافتنی ۴. روکاری ۵. چاپ‌های سنتی ۶. نمدالی ۷. سفال‌گری و سرامیک‌سازی ۸. شیشه‌گری ۹. تولید فرآورده‌های پوست و چرم ۱۰. محصولات فلزی و آلیاژ ۱۱. قلم‌زنی، مشبک کاری، حکاکی روی فلزات و آلیاژها ۱۲. سنگ‌تراشی، حکاکی روی سنگ و معرق سنگ ۱۳. خراطی چوب ۱۴. ریزه کاری و نازک کاری چوب ۱۵. منبت کاری، کنده کاری و مشبک کاری چوب ۱۶. حصیربافی ۱۷. خاتم‌سازی ۱۸.

**قبل از دورهٔ قاجاریه
هنرهای سنتی و صنایع
دستی ایران شهری
جهانی داشت و اغلب
کشورهای اروپایی خریدار
آن بودند**



تأثیر صنایع دستی در اقتصاد

صنایع دستی ایران، به‌عنوان صنعتی مستقل و بومی، شاخص‌ترین هنر کاربردی ایران و یکی از سه قطب برتر صنایع دستی جهان است و در فرهنگ غنی و بارور ایران اسلامی ریشه‌های عمیق و استوار دارد. به‌طور کلی نقش صنایع دستی در اقتصاد ایران عبارت است از کمک به توسعه اقتصادی، ایجاد شغل، سرمایه‌گذاری اندک و بهره‌وری بالا.

امروزه رشد اقتصادی و دست‌یابی به هدف‌های مختلف آن سرلوحه برنامه‌ها و فعالیت‌های بسیاری از دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. این دولت‌ها در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود هدف‌های عمده‌ای را در زمینه‌های مختلف اقتصاد، اجتماع، سیاست و... دنبال می‌کنند.

در بخش اقتصاد، عمده هدف‌های دولت‌ها متوجه افزایش تولید و درآمد ملی (رشد اقتصادی)، رسیدن به اشتغال کامل و کاهش نرخ بیکاری، ثبات قیمت‌ها و کاهش نرخ تورم به‌منظور حفظ قدرت خرید پول ملی، توسعه صادرات و افزایش درآمدهای ارزی به‌منظور تأمین نیازهای ارزی کشور و تسهیل در اجرای برنامه‌های توسعه و بالآخره توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمدها برای برقراری عدالت اقتصادی در جامعه است.

بیشتر کشورهای در حال توسعه در اجرای برنامه‌های مورد نظر خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند، از جمله رشد بی‌رویه جمعیت، بیکاری، کم‌کاری و رواج انواع مختلف بیکاری (بیکاری‌های پنهان، فصلی و...)، پایین بودن سطح درآمد و معیشت گروه زیادی از مردم، نقصان تشکیل سرمایه داخلی و نبود منابع مالی کافی برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و ساخت و توسعه امکانات زیربنایی موجود به‌منظور فراهم آوردن امکان بهره‌برداری بهینه از منابع انسانی، طبیعی و ...

به همین دلیل و با توجه به سهولت گسترش صنایع کوچک، صاحب نظران اقتصادی بر تقویت، توسعه و گسترش این صنایع در برنامه توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه اصرار و توصیه دارند [۶].

صاحب‌نظران این بخش در توصیه‌های خود به‌ویژه بر قابلیت‌ها و ویژگی‌های این قبیل صنایع از جمله نیاز به سرمایه اندک برای ایجاد، راه‌اندازی و بهره‌برداری، کاربر بودن این صنایع و نیاز به سرمایه‌گذاری اندک سرانه برای ایجاد یک شغل، نیاز نداشتن به تخصص‌های فنی و حرفه‌ای بالا و سازگاری و استفاده از مهارت‌های بومی، بازار ساده فروش محصولات و بالآخره قابلیت و توانایی ایجاد درآمدهایی تکیه دارند.

بازار داخلی صنایع دستی ایران، بازاری سنتی و تا به حال برای گسترش آن بازاریابی و تبلیغات لازم و کافی صورت نگرفته است. از خصوصیات مهم این بازار، سود سرشار واسطه‌ها در امر توزیع مواد اولیه مصرف و داد و ستد آن است.

عوامل مؤثر در گسترش بازار داخلی صنایع دستی ایران به اختصار عبارت‌اند از: افزایش سطح درآمد سرانه، افزایش جمعیت، ازدیاد مسکن و افزایش سطح زیربنایی آن، ترویج تبلیغات در مورد استفاده از صنایع دستی به‌عنوان یک کالای هنر ملی و توسعه صادرات صنایع دستی ایران.

در زمینه اصول بازاریابی نوین و راهبردی که صادر کنندگان نادیده می‌گیرند، می‌توان این موارد را نام برد: نبود افراد متخصص، فقدان نوآوری، نامرغوب بودن مواد اولیه، نبود مراکز اطلاعاتی، نبود تحقیقات بازاریابی، نبود راهبرد صادرات، بسته‌بندی و استفاده از راهبرد قیمت‌گذاری.

همچنین از عمده‌ترین تنگناها و محدودیت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نداشتن شناخت کافی و مناسب از بازارهای داخلی و جهانی (بازار هدف) و سلاقی مشتریان، توجه نکردن به سطح کیفی تولید و نوآوری در محصولات تولیدی، نبود تبلیغات و بازاریابی داخلی و خارجی.

از جمله راهکارهای توسعه صنایع دستی نیز، می‌توان به معرفی این موارد اشاره کرد: تبلیغ و ترویج صنایع دستی به‌منظور بازاریابی در داخل و خارج کشور با شیوه‌های نوین تبلیغاتی، استفاده از فناوری روز در تولیدات صنایع دستی با حفظ اصالت‌های هنر ملی، حمایت و تشویق بخش خصوصی



هنرهای سنتی و صنایع دستی در جایگاه خود برای کشورهای مختلف ارز آورو دارای ارزش افزوده است

به منظور سرمایه‌گذاری در این بخش به‌ویژه برای ایجاد بازارچه‌های صنایع دستی، سیاست‌گذاری در راستای فروش و صادرات کالاها و شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی.

صنایع دستی برای اینکه حضوری بین‌المللی پیدا کند به حمایت دولت نیاز دارد و این در حالی است که صنایع دستی کشورمان سال‌های متمادی است که بدون حمایت حکومت‌ها و فقط با تکیه بر تمدن کهن ایران رشد و ادامه مسیر داده است. اما تحول در این رشته زمانی صورت می‌گیرد که بتوانیم بازاری مناسب برای فروش آن‌ها ایجاد کنیم [۷].

هنرهای سنتی و صنایع دستی در جایگاه خود برای کشورهای مختلف ارز آور و دارای ارزش افزوده است. این صنایع، امروزه اکثر بازارهای جهانی به‌ویژه کشورهای آسیایی همچون چین، تایلند، اندونزی و پاکستان را در سلطه خود درآورده است، به گونه‌ای که میزان صادرات صنایع دستی کشور چین - به‌عنوان یکی از سه کانون عمده صنایع دستی جهان در کنار هند و ایران - سالانه بیش از پنج میلیارد دلار است و میزان فروش به گردشگرانی که از این کشور دیدن می‌کنند، بیش از ۵۰۰ میلیون دلار است [۳].

چالش‌های پیش روی توسعه صنایع دستی

صنایع دستی در جهان امروز، علاوه بر حفظ جایگاه خود در عرصه هنر، زیبایی‌شناختی و هویت بخشی ملی و منطقه‌ای، به یک منبع مهم ارزش افزوده و بهره‌وری اقتصادی تبدیل شده است. در ایران به دلیل برخی موانع و مشکلات، این صنعت از جایگاه واقعی خود فاصله گرفته و از نقش آفرینی در عرصه اقتصادی نیز دور مانده است. مجموع این عوامل سبب شده است که تأثیر و نقش صنایع دستی در افزایش اشتغال و درآمدزایی به مرور کم‌رنگ شود، به طوری که از سویی امکان عرضه در بازارهای داخلی را از دست می‌دهد و از سوی دیگر رؤیای رقابت با بازارهای خارجی را ناممکن می‌سازد.

واردات بی‌رویه صنایع دستی، فقدان حمایت مادی و معنوی از این گونه صنایع در داخل کشور و همچنین انتقال نیافتن دانش و تجربه این قبیل مهارت‌ها از پدران و استادان این فنون و هنرهای مذکور به نسل حاضر از عمده‌ترین چالش‌های پیش روی این هنر صنعت به‌شمار می‌رود.

صنایع دستی، با وجود داشتن مزایایی چون دسترسی آسان و ارزان به مواد اولیه، بی‌نیازی به سرمایه‌گذاری زیاد، برخورداری از ابزار کار ساده و تأثیرگذاری در صنعت گردشگری به دلیل فقدان بازار فروش و عرضه محصولات تولیدی و همچنین حمایت کافی نشدن دیگر قادر نیست که جوانان و نواندیشان را به خود جلب کند [۸].

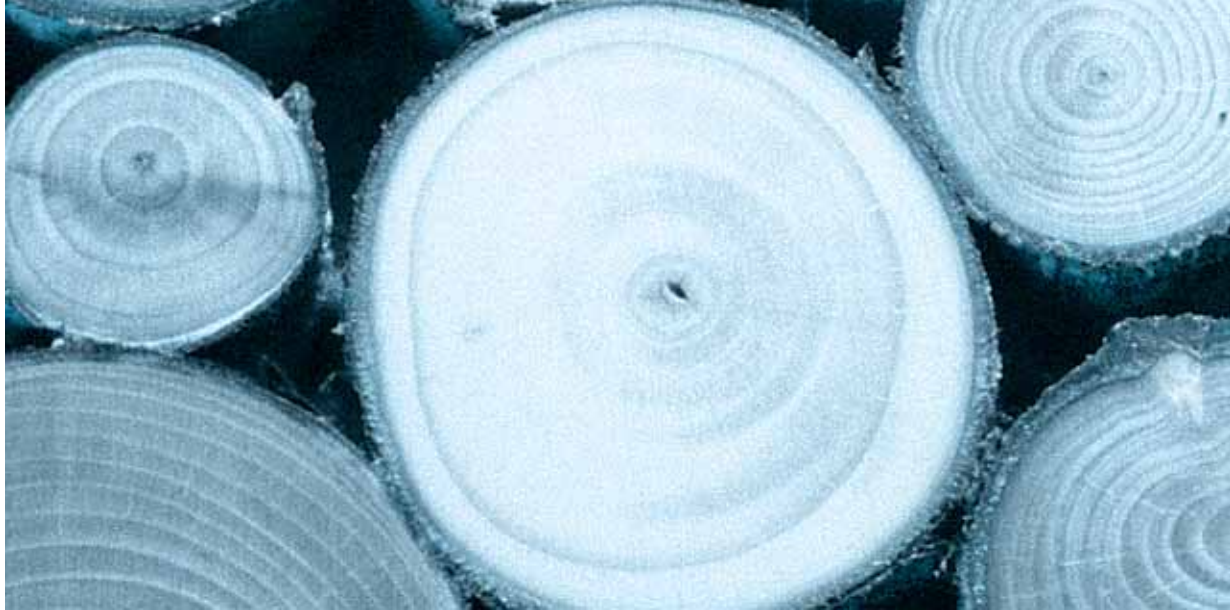
صنایع دستی، آمیزه‌ای از هنر و صنعت

امروزه تلفیق هنر و صنعت به وضوح در همه جای زندگی بشر دیده می‌شود. به معماری ساختمان‌ها دقت کنید. مبلمان و دکوراسیون خانه‌ها و... همگی آمیزه‌ای از هنر و صنعت‌اند، آمیزه‌ای از دو مفهوم که در ظاهر معانی مختلفی دارند. صنایع دستی نیز محصول تلفیق هنر و صنعت است.

با بررسی صنایع دستی در هر کشور یا منطقه می‌توان با فرهنگ و صنعت مردم، استعدادها، مهارت‌ها و خلاقیت افراد آشنا شد. این هنر به منزله نماد فرهنگی و تاریخی هر کشور نیز شناخته می‌شود و از این لحاظ دارای اهمیت است. صنایع دستی در صیانت از هویت فرهنگی نقشی استراتژیک ایفا می‌کند. محصولات صنایع دستی با ساختار فرهنگی خود و با خصلت‌های بومی و سنتی هویت فرهنگی را تقویت می‌کنند و قوه خلاقیت و آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهند [۹].

رشد و توسعه صنایع دستی

امروزه تولید صنایع دستی، که مزین به نقش آثار تاریخی، باستانی و یادمان‌های ویژه هر کشور است، در دستور کار اکثر صنعت‌گران جهان قرار دارد و تلاش می‌شود که حتی بخشی از این گونه آثار، که از سنگ، چوب، فلز یا بر روی سرامیک و



و ظرافت خود غرق می‌سازد. تمدن غنی چندین هزار ساله ایران در برابر تمدن‌های نه‌چندان دور اروپایی و آمریکایی هر گردشگری را متحیر می‌سازد و او را ترغیب می‌کند تا تکه‌ای از این سرزمین کهن را به نشانه خلاصه‌ای از تاریخ ایران زمین، به سوغات ببرد و این تکه ارزشمند برای گردشگران، همان صنایع دستی‌ست که روح و عشق انسان شرقی با آن پیوند خورده و این اعجاب سرزمین ایران است که گردشگران را متمایل می‌سازد تا از هر گوشه‌ای سوغاتی ارزشمند به ارمغان ببرند.

جهانیان با وجود تنوع و تکثر صنایع دستی ایران، تنها با تعداد محدودی از این صنایع آشنا هستند لذا معرفی صنایع دستی ایران می‌تواند در صنعت گردشگری و اقتصاد کشور تأثیر گذار باشد. صنایع دستی، اهمیت ویژه‌ای نیز در نظام اقتصادی دارد. البته رونق هنر مذکور در چگونگی بازاریابی آن است و باید در بازاریابی، روش‌های سنتی معرفی صنایع دستی را فراموش کرد و از شیوه‌های امروزی استفاده کرد. جهانگردان برای شناخت تاریخ و فرهنگ هر کشور و منطقه به شناخت صنایع دستی آن کشور یا منطقه می‌پردازند، البته بیشتر سعی می‌کنند هنرهای سنتی یک کشور را بررسی کنند و از این طریق به تمدن گذشته مردم آن کشور پی ببرند و تاریخ باستانی آن را مطالعه کنند. همچنین از این طریق می‌توانند از علایق و گرایش‌های مردم سرزمین‌های مختلف آگاه شوند و از این موضوع در تجارت خود بهره ببرند. این موضوع هم به سود مردم آن کشور است و هم به سود توریست‌ها و نتیجه آن پیشرفت اقتصادی هر دو گروه است [۱۰].

توسعه صنایع دستی، راهکاری برای ایجاد اشتغال پویا

اشتغال‌زایی یکی از مشکلات فراروی هر جامعه است و از آنجا که بیکاری معضلات عظیم اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد، لذا توجه به رفع این مشکل در رأس برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها قرار دارد. آنچه در این راستا مهم است اولویت بخشیدن برنامه‌های حمایتی دولت‌ها برای جهت‌دهی

پارچه پدید می‌آید، با قیمت‌های ارزان در اختیار گردشگران قرار گیرد.

نقش و اهمیت صنایع دستی به‌عنوان هنری مقدس، صنعتی مستقل، بومی و اصیل با جنبه‌های قوی کاربردی، از جهات هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بر همگان آشکار است.

امروزه تمامی ممالک جهان، به تأثیر متقابل صنایع دستی و صنعت گردشگری اعتقاد دارند. چرا که در عمل و تجربه دریافته‌اند که هنرهای صنعتی یکی از عوامل بسیار مؤثر در جلب و جذب گردشگر در تمامی گرایش‌های ملی، منطقه‌ای و داخلی‌ست و متقابلاً به این نتیجه هم رسیده‌اند که صنعت گردشگری می‌تواند به رشد، توسعه و گسترش صنایع دستی و بهبود کیفیت آن کمک کند.

به نظر می‌رسد اولین راهکار این است که باید بستر توسعه صنایع دستی را، با توجه به دلایل زیر، در روستا قرار داد: ایجاد فرصت‌های اشتغال مولد برای جمعیت مازاد و سرریز روستایی، توزیع برابر و عادلانه فرصت‌ها و امکانات، آمایش سرزمین و یا پراکندگی متوازن جمعیت و ثروت در پهنه جغرافیایی کشور، اجتناب از ایجاد قطب‌های جمعیتی در مترو پلیس‌ها و کلان شهرها و نتیجتاً کاهش جرم و جنایت و بزه اجتماعی در سطح شهرهای بزرگ و... [۴].

کارشناسان معتقدند رمز ماندگاری و حیات آینده کشورها در روند جهانی شدن، در گرو نگاه کیفی و برنامه‌ای به صنایع دستی‌ست. مولد فرایند جهانی شدن حرکت به سمت یکپارچگی زندگی بشری‌ست و آنچه که در این فضا می‌تواند اصالت و قومیت‌ها را زنده و پویا نگه‌دارد، عمق دادن به هنر و فرهنگ محلی و منطقه‌ای با رویکرد زمان خود است. فضای جهانی شدن، روح حاکم زمان ماست و با انزوا، بی‌تفاوتی یا پیروی کورکورانه نمی‌توان در این میدان رقابت پیروز بود.

صنایع دستی، جاذبه‌ای برای گردشگران

صنایع دستی ایران جلوه‌ای از هنر، فرهنگ و تمدن کهن این سرزمین شرقی‌ست که روح هر بیننده‌ای را در نقوش



نقش و اهمیت صنایع دستی به عنوان هنری مقنن، صنعتی مستقل، بومی و اصیل با جذب‌های قوی کاربردی، از جهات هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بر رهبران آشکار است

به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است که نیل به این هدف را در کوتاه‌ترین زمان و کمترین هزینه میسر سازد.

برنامه‌ریزان اقتصادی ایران معتقدند برای اینکه در کشور ما اهداف کارآفرینی یا اشتغال‌زایی تا حد ممکن محقق شود و نرخ بیکاری کاهش یابد باید از ظرفیت‌های بالقوه تمامی بخش‌ها، اعم از کشاورزی، صنعت، حمل و نقل، انرژی، تجارت

خارجی، گردشگری و نیز صنایع دستی برای کارآفرینی و اشتغال بهره گرفت. ایجاد هر شغل به‌طور متوسط بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون ریال هزینه در بردارد. ایجاد اشتغال در مناطق مختلف نیز باید با توجه به مزیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در هر منطقه صورت گیرد، بنابراین هزینه اشتغال‌زایی در هر ناحیه متفاوت خواهد بود [۱۱].

توسعه و سرمایه‌گذاری روی صنایع دستی همواره به‌عنوان یکی از راه‌های ارزان و مناسب برای اشتغال‌زایی مطرح بوده است. به‌خصوص اینکه وجود ۲/۵ میلیون بیکار در روستاهای کشور زمینه مهاجرت به شهرهای بزرگ و روی آوردن به مشاغل کاذب و تبعات بعدی آن را به‌دنبال دارد.

این در حالی است که می‌توان با حمایت هرچه بیشتر از فعالان بخش کشاورزی و نیز توسعه صنایع تبدیلی و بسته‌بندی، ضمن سودآور کردن و افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی، از طریق توسعه و حمایت از صنایع دستی، زمینه را برای مهاجرت معکوس و اشتغال‌زایی فراهم ساخت.

بخش کشاورزی و دامپروری به‌دلیل فصلی بودن، اوقات فراغتی را به‌وجود می‌آورد که اشتغال به صنایع دستی برای ایام بیکاری خانواده‌های روستایی در آن زمان مفید است و می‌تواند سبب رونق، پایداری و ثبات کشاورزی و دامپروری

شود، که این امر ضمن افزایش توان اقتصادی و رفاه خانوارها، کاهش فاصله طبقاتی را هم به‌دنبال خواهد داشت [۴].

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت تکیه بر حمایت از صنایع دستی برای اشتغال‌زایی حائز اهمیت است، به‌ویژه آنکه سرمایه‌گذاری در این بخش از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

۱) نیاز به سرمایه‌گذاری اندک برای ایجاد اشتغال (۲) وجود مواد اولیه در دسترس (۳) حفظ سنت‌های محلی توسط بومیان هر منطقه (۴) عجین بودن صنایع دستی با هنر و در نهایت فراهم شدن محیط کاری پر نشاط (۵) پیشگیری از مهاجرت که پی‌آمد آن ایجاد مشاغل کاذب در شهرهای بزرگ است.

راهکارها و پیشنهادها

راهکارهای مختلفی در زمینه تقویت و ایجاد بازارهایی برای ترویج و بسط و توسعه صنایع دستی و در کنار آن فروش محصولات صنایع دستی وجود دارد که این راهکارها می‌تواند به تقویت، توسعه، بازاریابی و تبلیغ صنایع دستی در کشور بینجامد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بسته‌بندی مناسب آثار صنایع دستی و فراهم آوردن امکانات صادرات برای آن‌ها؛
۲. ایجاد و تقویت تعاونی‌های صادرکنندگان صنایع دستی و آموزش و به‌کارگیری نیروهای جوان؛
۳. شرکت در نمایشگاه‌های صنایع دستی داخلی و بین‌المللی؛
۴. تأسیس و راه‌اندازی بازارچه‌های صنایع دستی؛
۵. ایجاد مراکز و مناطقی که در آن‌ها بتوان مراحل ساخت و تولید صنایع دستی را برای گردشگران به نمایش گذارد؛
۶. راه‌اندازی بانک اطلاعات جامع صنایع دستی و ترویج تجارت الکترونیک؛
۷. تهیه و تدوین استاندارد مواد اولیه مورد مصرف با حفظ اصالت‌های بومی، ملی و فرهنگی؛



۸. افزایش پوشش بیمه‌ای برای نیروهای کار و تولیدات صنایع دستی؛
۹. افزایش میزان تنوع و بالا بردن کیفیت و افزایش میزان دوام هنرهای صناعی؛
۱۰. تولید صنایع دستی با الهام از نگاره‌های تاریخی و باستانی؛
۱۱. قائل شدن تسهیلات لازم و ارزان قیمت حتی رایگان برای ارسال صنایع دستی به صورت پستی و فراهم آوردن امکانات و ارائه خدمات مناسب در زمینه بیمه، حمل و نقل و تحویل سالم و به موقع آثار در مقصد مورد نظر گردشگران؛
۱۲. کنترل و نظارت مستمر نهادهای ذی ربط در زمینه کیفیت و قیمت آثار صنایع دستی؛
۱۳. مشارکت فعال صدا و سیما در امر تبلیغ روی صنایع دستی با هدف ایجاد موقعیت مناسب برای عرضه کالا [۱۲ و ۱۴].

یافته‌ها

تجارت صنایع دستی بازار اقتصادی بزرگی را شامل می‌شود که در بسیاری از کشورها، به دلایل زیر، مورد توجه قرار گرفته است: دسترسی آسان و ارزان به مواد اولیه، نیاز به سرمایه‌گذاری اندک، برخورداری از ابزار کار ساده و تأثیرگذاری در صنعت گردشگری و از سوی دیگر، اشتغال‌زایی در مناطق روستایی، استفاده از اوقات فراغت روستائیان و بهره جستن از بیکاری فصلی کشاورزان و روستائیان.

ایران از لحاظ تعداد رشته‌های صنایع دستی رتبه اول جهان و از لحاظ صادرات آن رتبه سوم دنیا را دارد. بخش زیادی از صنایع دستی به تولیدات چوبی اختصاص دارد. معرق، منبت، خاتم، گره‌چینی و ریزه‌کاری‌های چوبی از جمله صنایع دستی چوبی هستند که آمار دقیقی از میزان صادرات آن‌ها در دست نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت دادن به صنایع دستی، نه تنها سطح درآمد روستائیان را بالاتر می‌برد و از اوقات فراغت آن‌ها می‌کاهد، بلکه از مهاجرت روستائیان به شهر جلوگیری می‌کند و در بروز خلاقیت‌های هنری و ترویج فرهنگ اقوام مختلف کشور نقش دارد. از سوی دیگر، بازاریابی این محصولات، به خصوص به کمک فناوری‌های جدیدی مانند اینترنت، علاوه بر افزایش فروش محصول و انتقال فرهنگ و هنر این سرزمین، به افزایش درآمد صنایع مرتبطی مانند گردشگری منجر می‌شود. توجه به صنایع دستی چوبی به دلیل ارزش افزوده بالایی که ایجاد می‌کند، ضمن اشتغال آفرینی برای بسیاری از افراد، تولید محصولات استراتژیکی را بر عهده دارد که هویت ساز است و به توسعه فرهنگی کشور کمک می‌کند.

منابع

۱. عمادی ازوجی، مهران و حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۷)، نقش و کارکرد صنایع دستی در امور اقتصادی و اجتماعی، سایت صنایع نیوز.
۲. الطافی، مصطفی (۱۳۸۷)، نقش صنایع دستی در حفظ تاریخ، تمدن و فرهنگ ملی و اسلامی. همایش راهکارهایی توسعه صنایع دستی ایران، تبریز، خرداد ۱۳۸۷
۳. معروفی، علی (۱۳۸۷)، توسعه صنایع دستی، کاستی‌ها و راهکارها، روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۷/۴/۲
۴. اسفندیاری، ابوالفضل (۱۳۸۶)، عملکرد صنایع دستی در بهبود وضعیت اجتماعی، سایت آفتاب
- ۵ [۵] پرتوی، ملوک (۱۳۸۷)، صنایع دستی و نقش آن در اقتصاد ملی، همایش راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران، تبریز، خرداد ۱۳۸۷
- ۶ [۶] هاتفی، حسین (۱۳۸۸)، هنرهای سنتی و صنایع دستی، محور توسعه فرهنگی و صادرات، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۳ بهمن ۱۳۸۸، صفحه ۷۷-۷۸
- ۷ [۷] عباس‌زاده، حسین (۱۳۸۶)، صنایع دستی، هنر سودمند. مجله الکترونیکی ویستا، روزنامه ابتکار
- ۸ [۸] پارسایی، الهام (۱۳۸۶)، نگاهی به چالش‌های پیش روی صنایع دستی، روزنامه همبستگی.
۹. کیا، بیژن (۱۳۸۷)، صنایع دستی و توسعه فرهنگی، دو ماهنامه آینه خیال، شماره ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۷، ص ۱۳۵-۱۳۴
۱۰. زمانی، افسانه (۱۳۸۷)، صنایع دستی و نقش آن در اشتغال و کارآفرینی، همایش راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران، تبریز، خرداد ۱۳۸۷
۱۱. پارسایی، الهام (۱۳۸۶)، صنایع دستی، بهترین راه اشتغال‌زایی، روزنامه همبستگی
۱۲. قجریان، امید (۱۳۸۷)، راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران، همایش راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران، تبریز، خرداد ۱۳۸۷



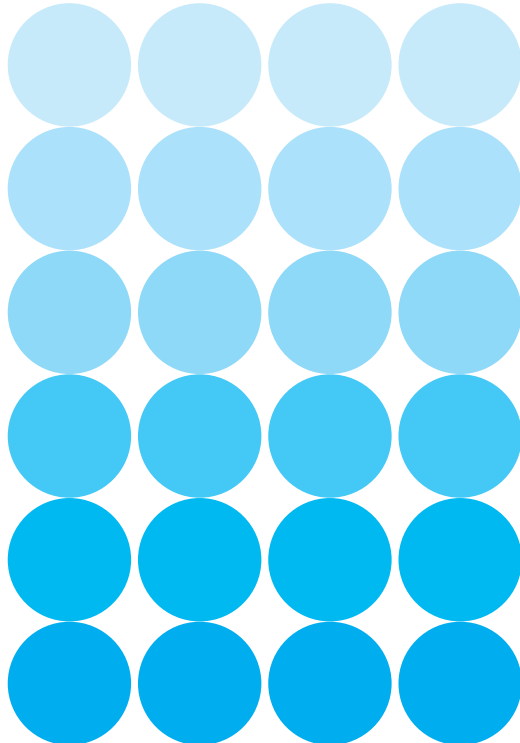
ده‌شپ‌وه تلفیق برنامه‌درسی

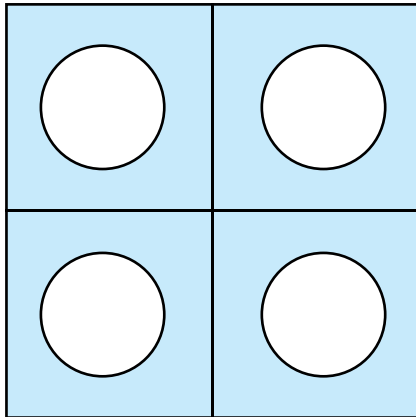
رقیه متحیرپسند، حسن آقابابایی

مقدمه

هر چیزی در ذهن نوجوانان به‌صورت انفرادی و وابسته به خود یا بدون ارتباط به چیز دیگر شکل می‌گیرد، اما به مرور زمان و در آینده، او چگونگی ارتباط و اتصال دو چیز را پیدا می‌کند و آن‌ها را یک پارچه و با ماهیتی یکسان می‌بیند. سپس همین روند در مورد هزاران چیز دیگر اتفاق می‌افتد. برای مثال، ریشه‌های یک گیاه یا درخت از طریق جست‌وجو مواد غذایی مختلف موجود در زمین، را به‌صورت املاح یک پارچه و مخلوط جذب و دریافت می‌کند و در نهایت گل از شاخه آن شکوفه می‌زند. یا یک ستاره‌شناس از طریق علم هندسه، که یک علم انتزاعی است می‌تواند حرکت سیاره‌ها را اندازه‌گیری کند.

«تلفیق» به‌معنای کوشش برای ایجاد ارتباط، اتصال و نهایتاً یک پارچگی در تجربیات یادگیری دانش‌آموزان است. از زاویه دیگر می‌توان رویکرد تلفیقی را در طراحی برنامه درسی به‌معنای فاصله گرفتن از الگوی سنتی برنامه درسی دانست که با اتکا و ابتنا بر حوزه‌های یادگیری مستقل (مواد درسی) موجب پراکندگی و تفرق در تجربیات یادگیری دانش‌آموزان می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۹).





برنامه‌ی درسی تلفیقی، مجموعه‌ای است از تجربه‌های یادگیری برنامه‌ریزی شده، که نه تنها با نگاهی کل‌نگر مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش مشترک را به صورت الگو، نظام و ساختار در اختیار یادگیرنده قرار می‌دهد، بلکه توانایی یادگیرنده را برای دریافت یا کشف ارتباط‌های نوافزایش می‌دهد و از آن طریق او را به سوی خلق الگوها، نظام و ساختارهای جدید سوق می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۸).

در این مقاله ده روش تلفیق در برنامه‌ی درسی، که توسط رابین فوگارتی بیان شده است، معرفی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شیوه تلفیق، برنامه درسی و مدل توالی منطقی

الگوهای مجزا^۱

رویکرد سنتی سازماندهی برنامه‌ی درسی، برای هر یک از رشته‌ها به‌طور مجزا و متمایز حکم می‌کند. این مدل، برنامه‌ی درسی را از طریق پریسکوپ نگاه می‌کند و هر بار یک نگاه را ارائه می‌دهد، یعنی تمرکز هدایت شده‌ای بر یک رشته‌ی مجزا. نوعاً حیطه‌های علمی عمده عبارت‌اند از ریاضیات، علوم، ادبیات و علوم اجتماعی. هر رشته به تنهایی به صورت ماهیت محض مشاهده می‌شود. روابط بین حیطه‌های درسی مانند فیزیک و شیمی، فقط به صورت تلویحی نشان داده می‌شود. در مدارس راهنمایی و متوسطه، معلمان متفاوت و در مکان‌های مختلفی این رشته‌ها را تدریس می‌کنند و دانش‌آموزان از اتاقی به اتاق دیگر می‌روند. هر تجربه‌ی مجزا، سازماندهی سلولی متمایزی دارد و نسبت به برنامه‌ی درسی دیدگاه‌های پراکنده‌ای به دانش‌آموزان می‌دهد. در کلاس‌های درسی ابتدایی، مدل نسبتاً ساده‌ای از این پراکندگی حاکم است. معلم در این کلاس‌ها می‌گوید: «خوب حالا کتاب‌های ریاضی را بگذارید کنار و کتاب‌های علوم‌تان را درآورید.» در جدول زمان‌بندی روزانه، مدت معینی برای هر درس در نظر گرفته شده است و مباحث دو حیطه‌ی مختلف گهگاه به‌طور عمدی با هم مرتبط می‌گردد.

یک دانش‌آموز دبیرستانی، برنامه‌ی درسی مجزا را این‌گونه توضیح داد: «ریاضی، علوم نیست، علوم هم زبان انگلیسی نیست، زبان انگلیسی هم تاریخ نیست. هر درس چیزی است که یک‌بار آن را می‌گذرانیم و هرگز نیاز نداریم که دوباره آن را بگذرانیم. این درس‌ها مانند گذراندن تعطیلات است. برای مثال من درس جبر را گذرانده‌ام زیرا به آن نیاز داشتم.»

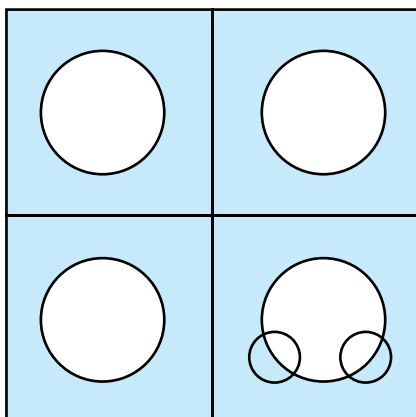
به‌رغم نقاط ضعف این مدل سنتی، معلمان می‌توانند از آن به‌طور انفرادی یا به کمک همکاران استفاده کنند، به این ترتیب که موضوعات درسی، مفاهیم یا مهارت‌ها را فهرست‌بندی و درجه‌بندی کنند. معلمان یا تیمی از آن‌ها با این شیوه، می‌توانند برای تفکیک اولویت‌های برنامه‌ی درسی در قلمرو محتوایی خودشان اقدام کنند؛ اولین گامی که بسیار لازم است.

الگوی ربط یافته^۲

مدل ربط یافته‌ی برنامه‌ی درسی تلفیقی در واقع نگرستن از طریق دوربین تئاتر است. به این معنی که نمای بسته‌ای از جزئیات، ظرایف و ارتباط‌های درونی را داخل یک رشته ارائه می‌دهد، ضمن آنکه رشته‌ها همچنان مجزا هستند.

این مدل جهت برقراری ارتباط‌های صریح در داخل هر موضوع درسی متمرکز می‌شود. یعنی یک موضوع، یک مهارت و یک مفهوم را به موضوع، مهارت یا مفهوم بعدی مرتبط می‌سازد. کارهای یک روز یا حتی ایده‌های یک ترم را به بعدی متصل می‌کنند. نکته‌ی اصلی این مدل عبارت است از تلاش آگاهانه برای مرتبط ساختن ایده‌های درون یک رشته، بدون اینکه فرض را بر این بگذارند که دانش‌آموزان، به‌طور خودکار، پیوندها و ارتباط‌ها را درک می‌کنند.

به‌طور مثال در مدارس راهنمایی یا متوسطه، معلم علوم، واحد زمین‌شناسی را با واحد ستاره‌شناسی مرتبط می‌سازد تا بر ماهیت تکاملی هر موضوع تأکید ورزد. سپس همین شباهت بین دو واحد درسی، زمانی که دانش‌آموزان در این دو زمینه کار می‌کنند، آن‌ها را سازماندهی می‌کند. معلمان به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با ایجاد پیوندهای صریح بین حیطه‌های درسی، ارتباط‌های لازم را برقرار سازند.



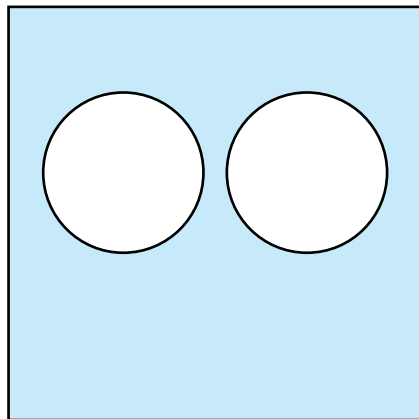
مدل لانه‌ای یا تودرتو^۲

مدل تلفیقی لانه‌ای از طریق دوربین سه‌بعدی به برنامه‌داری می‌نگرد و ابعاد چندگانه هر درس را هدف قرار می‌دهد. تلفیق لانه‌ای از ترکیب طبیعی کمال استفاده را می‌برد. به‌طور مثال یکی از دروس دوره ابتدایی که مربوط به سیستم گردش خون است می‌تواند مفهوم سیستم‌ها و نیز حقایق و برداشت‌های خاصی را جمع به سیستم گردش خون را هدف قرار دهد. همچنین معلمان، علاوه بر این هدف مفهومی، می‌توانند مهارت تفکر براساس علت و معلول (علیت) را هم هدف قرار دهند.

مثال دیگر می‌تواند درسی از کلاس علوم کامپیوتری دبیرستان باشد که برنامه‌های CAD/CAM را هدف قرار می‌دهد (طراحی با کمک کامپیوتر^۳، تولید با کمک کامپیوتر^۴). همچنین که دانش‌آموزان طرز کار این برنامه را فرا می‌گیرند، معلم می‌تواند مهارت تفکر انتزاعی «تجسم» را برای تشریح صریح و تمرین، هدف قرار دهد. در رویکرد لانه‌ای، دانش‌آموزان در کلاس کامپیوتر می‌توانند، همان‌طور که تجهیزات مدارس آینده را طراحی می‌کنند، مهندسی محیط کار را هم بیاموزند.

«جنگ انقلابی» مطرح شود. واحد درسی رسم نمودار می‌تواند با گردآوری اطلاعات در واحد درسی آب و هوا منطبق باشد. در مدارس متوسطه ممکن است فردی مطالعه بازار سهام در کلاس ریاضی را با بررسی «رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰» در تاریخ منطبق سازد.

جان آدامز زمانی گفته بود: «متن کتاب درسی، یک قرارداد اخلاقی نیست که معلمان ملزم به تدریس آن باشند؛ معلمان ملزم به آموزش کودکان هستند». رعایت توالی متن کتاب درسی ممکن است در برخی موارد مؤثر واقع شود، ولی در سایر موارد ممکن است تغییر توالی واحدهای درسی منطقی‌تر باشد. همچنان‌که توالی جدید شبیه به عرضه محتوای دیگری در میان رشته‌های مختلف باشد و ممکن است منطقی‌تر به نظر رسد.

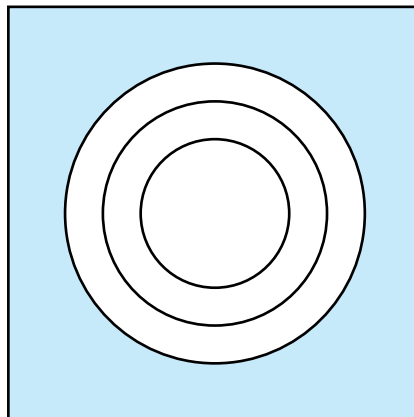


مدل هم‌پوشی^۷

مدل هم‌پوشی، برنامه‌داری را از طریق دوربین دوچشمی می‌نگرد، یعنی دو رشته متمایز را در تصویری با کانون واحد جای می‌دهد. این مدل با استفاده از مفاهیم هم‌پوشانی، به‌مثابه عناصر سازمان‌دهنده، مستلزم برنامه‌ریزی مشترک یا تدریس در دو رشته است.

در مدارس راهنمایی و متوسطه، گروهی ممکن است یک واحد تحصیلی را طراحی و برنامه‌ریزی کنند. دو عضو این گروه در جلسه مقدماتی برنامه‌ریزی با مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌های اصلی مواجه می‌شوند، همان مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که در روش تک-درس به‌طور سنتی تدریس می‌شد.

همان‌طور که این دو عضو، اولویت‌ها را شناسایی می‌کنند، در جست‌وجوی هم‌پوشانی در محتوا هستند. برای مثال، معلم ادبیات ممکن است مفهوم «رؤیای آمریکایی» را به‌عنوان سازمان‌دهنده مجموعه داستان‌های کوتاه نویسندگان آمریکایی انتخاب کند. در همان حال، معلم تاریخ نیز ممکن است توجه داشته باشد که واحد درسی تاریخ آمریکا می‌تواند از «رؤیای آمریکایی» به‌صورت موضوع مشترک استفاده کند.



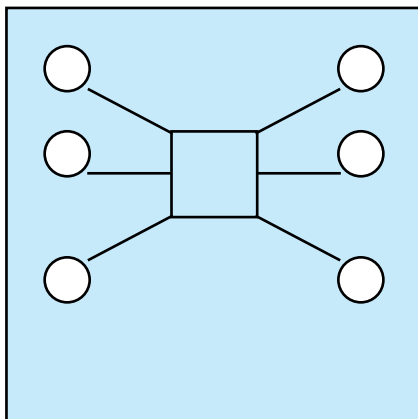
مدل توالی منطقی^۶

مدل توالی منطقی، برنامه‌داری را از طریق عینک می‌نگرد که در آن لنزها از هم جدا هستند ولی با قاب مشترکی به هم مرتبط‌اند. در برنامه‌داری، گرچه موضوعات یا واحدهای درسی به‌طور مجزا تدریس می‌شوند ولی ترتیب مجدد و توالی آن‌ها طوری‌ست که شالوده وسیعی را برای مفاهیم مرتبط فراهم می‌نمایند.

معلمان می‌توانند موضوعات را طوری ترتیب دهند که واحدهای مشابه با هم منطبق باشند. به‌طور مثال در کلاس درس مستقل، «تارشارلوت» می‌تواند با واحد درسی مربوط به عنکبوت همراه باشد.

شخصیت «جانی ترمین» می‌تواند به موازات مطالعه

می‌کند و فرد می‌تواند از موضوع یک کتاب یا نوع خاصی از کتاب بهره‌گیرد، سپس برنامه‌درسی را از نظر موضوع سازماندهی نماید. به این ترتیب از موضوعات عام و غنی جهت سازماندهی برنامه‌درسی بین رشته‌ای استفاده می‌شود.

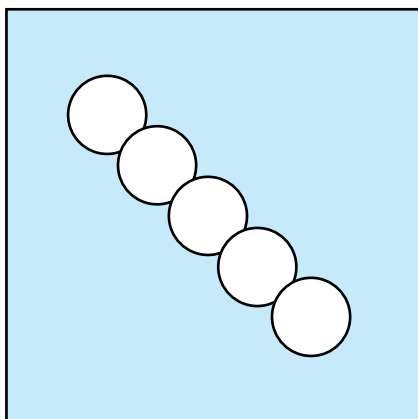


مدل دانه تسبیحی^۹

مدل تلفیق دانه تسبیحی، برنامه‌درسی را از طریق ذره‌بین می‌نگرد: «پده‌های بزرگ» در تمام محتوا، به کمک رویکرد فراتر از برنامه‌درسی، توسعه می‌یابد. این مدل، مهارت‌های تفکر، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های مطالعاتی، سازمان‌دهندگان گرافیکی و رویکرد هوش‌های چندگانه را، نسبت به یادگیری در کلیه رشته‌ها، به همراه دارد.

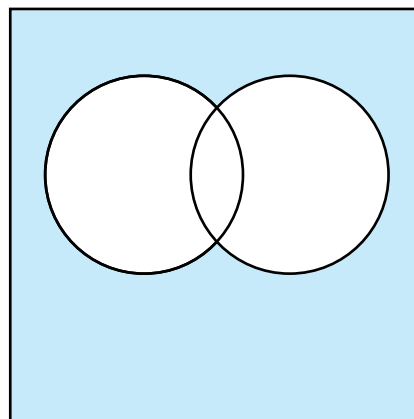
یک مهارت می‌تواند در تمام محتوای موضوعات درسی جایگزین شود. برای مثال مهارت «پیش‌بینی» در ریاضیات جهت تخمین؛ پیش‌بینی وقایع جاری؛ پیش‌بینی در داستان‌ها و در علوم برای فرضیه‌پردازی به کار می‌رود. معلمان می‌توانند با استفاده از ایده «فراتر از برنامه‌درسی» مجموعه‌ای از مهارت‌های تفکر را آموزش دهند و آن‌ها را در محتوای درسی وارد کنند.

همان‌گونه که مهارت‌های تفکر با مهارت‌های اجتماعی همانند دانه‌های تسبیح در محتوا گنجانده شده‌اند، معلمان از دانش‌آموزان می‌پرسند: «نظر شما در مورد آن چیست؟ کدام یک از مهارت‌های تفکر مفیدتر است؟ گروه شما امروز چگونه عمل کرد؟ سؤالاتی از این قبیل تفاوت آشکاری با سؤالات در سطوح شناختی دارد، از قبیل «کدام پاسخ را متوجه شدید؟»



به این ترتیب معلم ادبیات و معلم تاریخ با همکاری یکدیگر وجوه اشتراک را به دانش‌آموزان یادآوری می‌کنند.

مدل‌های ابتدایی برنامه‌درسی مشترک ممکن است در بردارنده مدل‌های برنامه‌ریزی استاندارد باشد که قبلاً در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گرفت. معلم کلاس درس مستقل ممکن است یک واحد درسی علوم (ماشین‌های ساده) و یک واحد درسی تعلیمات اجتماعی (انقلاب صنعتی) را در مورد مفهوم مدل‌های کارآمد طراحی کند. معلمان ممکن است از خودشان سؤال کنند: «این واحدهای درسی چه مفاهیم مشترکی دارند؟ آیا ما مهارت‌های مشابهی را تدریس می‌کنیم؟»



مدل تنیده^۸

مدل تلفیق تنیده، برنامه‌درسی را از طریق تلسکوپ می‌نگرد، یعنی کل مجموعه رشته‌ها را در آن واحد ملاحظه می‌کند. در این مدل، برنامه‌های درسی معمولاً از یک مفهوم خلاق، نظیر «تواوری» برای تلفیق موضوعات درسی استفاده می‌کنند. زمانی که یک تیم (از معلمان) مفهومی را انتخاب کرده باشد، همه اعضا از آن مفهوم به نشانه پوششی برای دروس مختلف استفاده می‌کنند.

به‌طور مثال، مفهوم اختراعات در علوم به مطالعه ماشین‌های ساده منجر می‌شود، در ادبیات به خواندن و نوشتن راجع به مخترعان منتهی می‌شود، در هنرهای صنعتی به طراحی و ساخت مدل‌ها می‌انجامد، در ریاضیات به ترسیم و مطالعه دستگاه‌های جدید و در کلاس‌های تکنولوژی به تهیه فلوجارت‌ها منتهی می‌شود. به این ترتیب کلیه مطالب بیان شده در درس‌های مختلف، هر یک به نوعی درباره مفهوم اختراعات بوده است.

رویکرد برنامه‌درسی تنیده به تلفیق غالباً از طریق استفاده از موضوعاتی عام و در عین حال غنی، مانند «الگوها» حاصل می‌شود. این موضوعات برای رشته‌های گوناگون امکاناتی غنی فراهم می‌نماید. همچنین موضوعات مشابهی مانند الگوها زمینه‌باروری را برای واحدهای مطالعاتی بین رشته‌ای فراهم

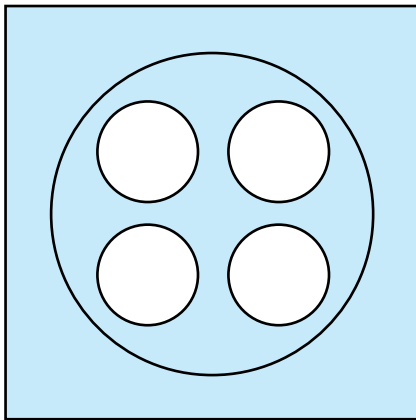
مدل تلفیقی^{۱۰}

مدل تلفیقی، برنامه‌دروسی را از طریق کالیدوسکوپ می‌نگرد: «یعنی موضوعات درون رشته‌ای حول مفاهیم هم‌پوشاننده مجدداً دسته‌بندی می‌شوند. این مدل با استفاده از رویکرد میان رشته‌ای، چهار رشته عمده را با هم ترکیب می‌کند، به این ترتیب که مهارت‌ها، مفاهیم و نگرش‌های هم‌پوشاننده در هر چهار رشته گنجانده می‌شوند. مدل تلفیقی، همانند مدل هم‌پوشی، حاصل تفکیک ایده‌های مرتبط به محتوای موضوعات درسی است. تلفیق از درون رشته‌های مختلف صورت می‌گیرد و معلمان به موازات وجوه اشتراک (حول مفاهیم و موضوعات) آن را درمی‌یابند.

در مدارس راهنمایی و متوسطه، معلمان علوم، واحد زمین‌شناسی را با واحد ستاره‌شناسی مرتبط می‌سازد تا بر ماهیت تکاملی هر موضوع تأکید ورزد

در مدارس راهنمایی و متوسطه معلمان می‌توانند مفهوم استدلال و شواهد را در ریاضیات، علوم، ادبیات، و تعلیمات اجتماعی به کار گیرند. در کلاس‌های ابتدایی کاربرد مدل تلفیقی، همان استراتژی زبان کامل است که در مهارت‌های خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن از برنامه کل‌نگر مبتنی بر ادبیات سرچشمه می‌گیرد.

برای مثال، دکترای متخصص پیوندهای شیمیایی، با وجودی که رشته تخصصی او شیمی است، بر برنامه‌های نرم‌افزاری کلاس‌های علوم کامپیوتر تسلط کامل دارد و می‌تواند آزمایش‌های شیمی را شبیه‌سازی کند (از تخصص خود در زمینه کامپیوتر در مطالعات رشته تحصیلی استفاده می‌کند). او قانون حق انحصاری اختراعات را فرا می‌گیرد تا از ایده‌های خود برای شرکت دفاع کند. در این مدل فراگیرنده اگر به موضوعی علاقه‌مند باشد ارتباط آن را با رشته تحصیلی فراهم می‌کند.

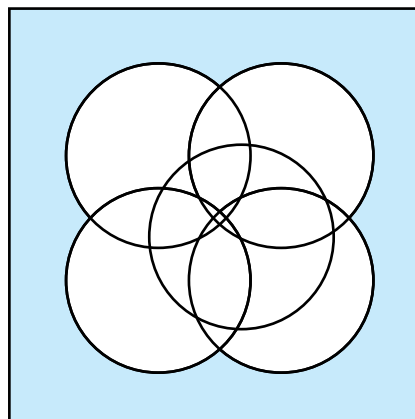


مدل شبکه‌ای^{۱۲}

مدل تلفیق شبکه‌ای، از طریق منشور به برنامه‌دروسی می‌نگرد و روی چند بعد تمرکز می‌کند. این مدل مانند تلفن‌های کنفرانس که سه یا چهار خط دارد، راه‌های گوناگونی جهت بررسی ارائه می‌دهد.

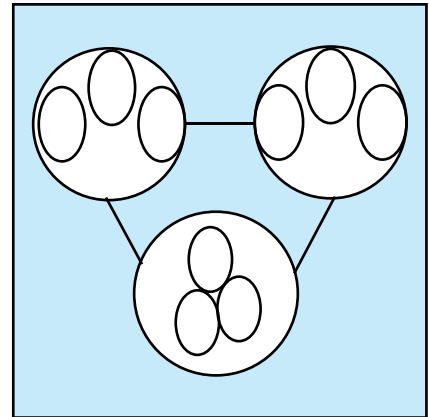
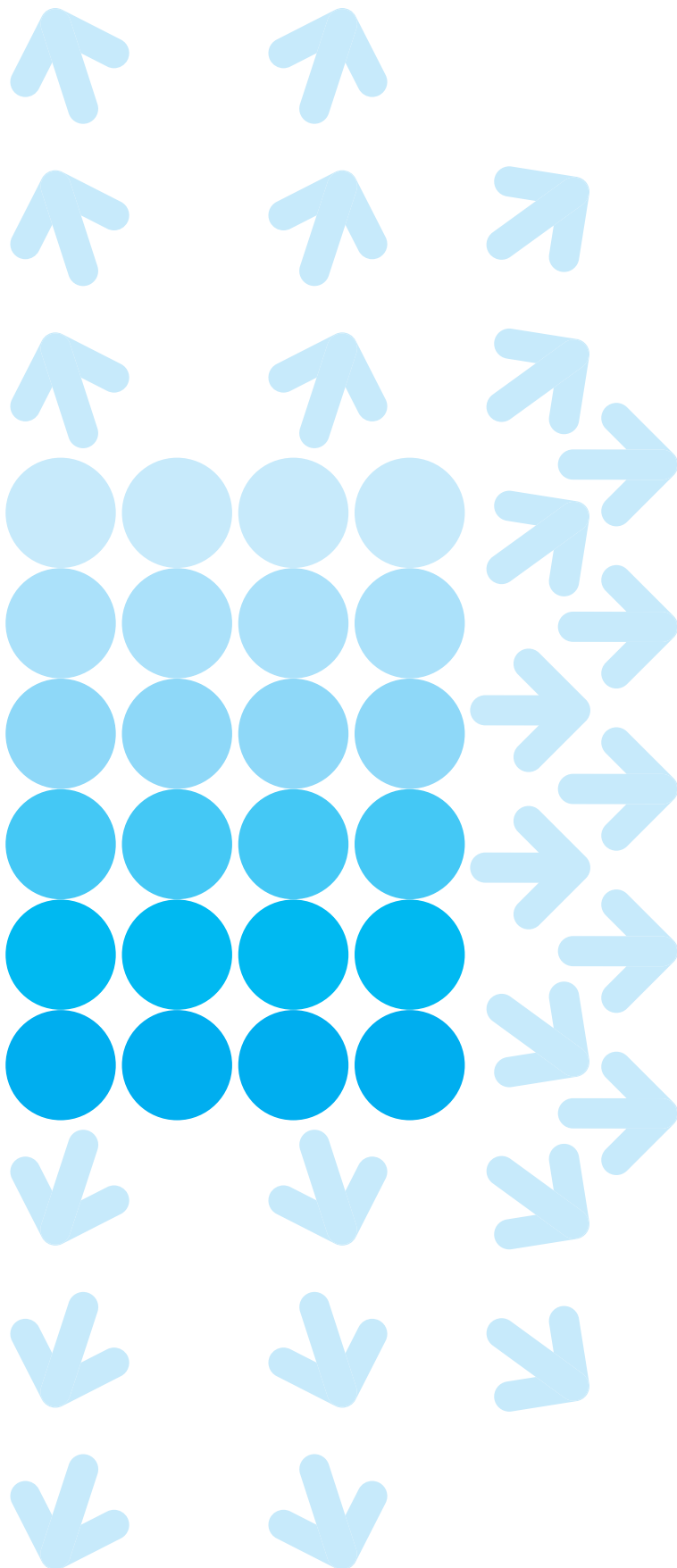
در این مدل، فراگیران فرایند تلفیق را هدایت می‌کنند. فراگیران با اطلاع از جزئیات و ابعاد رشته خود می‌توانند منابع ضروری را مدنظر قرار دهند، همچنان که در درون حیطه‌های تخصصی خود پیش می‌روند. این مدل در مدارس ابتدایی به‌طور محدود مشاهده می‌شود.

یک دانش‌آموز کلاس پنجم را در نظر بگیرید که از دوران کودکی به کابوی بازی و سرخ‌پوست بازی علاقه داشته و بازی می‌کرده و علاقه شدیدی به بومیان آمریکایی داشته است. شور و شوق او نسبت به دانش عامه سرخ‌پوستان او را به سمت مطالعه مطالب تاریخی سوق می‌دهد. خانواده‌اش که از علاقه او اطلاع دارند باخبر می‌شوند که یک گروه حفاری باستان‌شناس در بخشی از برنامه تابستانی خود پسرچه‌ها را جذب می‌کند. دانش‌آموز به دلیل حضور در این اردوی تابستانی با افرادی از رشته‌های مختلف آشنا می‌شود، از جمله با مردم‌شناس، زمین‌شناس، باستان‌شناس و گرافیسیت. به این ترتیب تلفیق شبکه‌ای در این فراگیرنده شکل می‌گیرد.



مدل غوطه‌ور شده^{۱۱}

مدل تلفیق غوطه‌ور شده، از لوله میکروسکوپ به برنامه‌دروسی می‌نگرد. این مدل به شیوه‌ای کاملاً شخصی، محتوا و موضوعات را از طریق لنزهای علاقه و تخصص عبور می‌دهد، یعنی افراد از منظر علاقه و تخصص، موضوعات را مطالعه می‌کنند. در این مدل، تلفیق در درون فراگیران صورت می‌گیرد و مداخله خارجی بسیار اندک است یا وجود ندارد. همچنان که صاحب‌نظران، دانشجویان، داوطلبان دکتری و فوق‌دکتری کاملاً در حوزه مطالعاتی خود غرق شده‌اند. آن‌ها همه داده‌ها را با گذراندن از مجرای بسیار محدود حیطه علاقه شدید خود، تلفیق می‌کنند.



نتیجه

در مجموع، مدل های تلفیق مذکور، مدل های اصلی و مفیدی هستند که می توانند در سازماندهی برنامه های درسی مورد استفاده فرد یا افراد قرار بگیرند. در کنار آن معلمان می توانند ایده های خود را برای تلفیق برنامه های درسی ابداع کنند، به گونه ای که نوعی ارتباط منطقی بین مفاهیم، مهارت ها و نگرش ها پیدا و یا ایجاد کنند و این چرخه ادامه خواهد داشت.

بر این اساس تلفیق در سازماندهی برنامه های درسی می تواند نقش مهمی در بسط و گسترش دانستنی های دانش آموزان ایفا کند. به هم تنیده شدن دنیای واقعی با دنیای درسی و راه های استفاده از دانسته ها و کاربردی کردن آن ها در حل مسائل زندگی و جامعه، در حوزه برنامه رسمی کارساز نیست. بنابراین یافتن تلفیق و استفاده بهترین شکل از آن عزم و اهتمام ویژه ای طلب می کند که بر عهده معلمان، برنامه ریزان و سیاست گذاران و طراحان برنامه درسی ست.

پی نوشت ها

1. Fragmented
2. Connected
3. Nested
4. CAD
5. CAM
6. Sequenced
7. Shared
8. Webbed
9. Threaded
10. Integrated
11. Immersed
12. Networked

منابع

1. Fogarti, R (1991): «The Ways to Integrate Curriculum». Integrating the Curriculum. copyright 1991 by the Association for Supervision and Curriculum Development.
۲. مهرمحمدی، محمود: مفهوم شناسی تلفیق در برنامه درسی. دانش نامه برنامه درسی، ۱۳۸۹.
۳. احمدی، پروین: برنامه درسی میان رشته ای، فصل نامه میان رشته ای در علوم انسانی، شماره ۳؛ ۱۳۸۸.

بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش (مطالعه موردی، شهر سنجند)

چکیده

پیشی گرفته‌اند و این ویژگی‌ها در هنرجویان نسبت به هنرآموزان برجسته‌تر است. همچنین نتایج نشان داد سطح سواد و تحصیلات عامل بسیار مهمی در تعیین ویژگی‌های کارآفرینی است، به این صورت که هرچه سطح سواد بالا رود به همان میزان ویژگی کارآفرینی در فرد افزایش می‌یابد. عامل جنسیت نیز نقش مهمی در تعیین ویژگی کارآفرینی در بین هنرآموزان دارد. نتایج نشان‌دهنده این واقعیت است که ویژگی کارآفرینی در مردان بیشتر از زنان است و این در حالی است که این اختلاف و تفاوت بین هنرجویان زن و مرد وجود ندارد.

هدف تحقیق حاضر بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهر سنجند بوده است. روش مطالعه به شیوه توصیفی و بر روی ۲۸۵ نفر هنرآموز و هنرجو، که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است. روش گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه استاندارد سنجش ویژگی‌های کارآفرینی (متشکل از سی سؤال و شش گویه) بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که «هنرجویان» در همه مؤلفه‌ها و ویژگی‌های کارآفرینی، به جز تحمل ابهام، از «هنرآموزان»

جواد آقامحمدی^۱
عزیز اسدی^۲



کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت و بهره‌وری سهم مهمی در رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی دارند

سیاست‌های توسعه کارآفرینی در دنیا ایجاد شود. تأمل در وضعیت اقتصادی و روند مراحل پیشرفت و توسعه در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، که به موضوع کارآفرینی توجه کرده‌اند، بیانگر آن است که این کشورها

توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یابند و با حداقل، بحران‌های پیش آمده را به سلامت پشت سر گذارند و بحران‌هایی را که وقوعشان را در آینده پیش‌بینی می‌کردند مهار کنند.

پرداختن به مقوله کارآفرینی مستلزم ایجاد بستر و فرهنگ‌سازی مناسب است. باید پذیرفت تا زمانی که افراد یک کشور از اهمیت کارآفرینی و کارکردهای آن غافل باشند هرگز نمی‌توان انتظار داشت که آنان با شوق و انگیزه کافی به این سمت حرکت کنند و قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را به منصه ظهور برسانند. نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در کشور، به خصوص در نظام آموزشی، این نتیجه مطلوب را به دنبال خواهد داشت که نیروی انسانی، مخصوصاً نیروی جوان، بدون اتکا به دولت، به کارآفرینی پردازند و در تولید کالا و خدمات و در فرایند توسعه کشور سهم شایسته خود را داشته باشند.

دلایل مهم توجه به موضوع کارآفرینی عبارت‌اند از: تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد. کارآفرینی سبب نماد تلاش و موفقیت در امور تجاری و کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. توانایی آن‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آن‌ها در نوآوری و ظرفیت در برابر موفقیت، معیارهایی هستند که کارآفرینی نوین به وسیله آن‌ها سنجیده می‌شود.

کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت و بهره‌وری سهم مهمی در رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی دارند. کارآفرینان همواره سعی می‌کنند تا هزینه‌های خود را به حداقل برسانند، با توجه به منابع موجود

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، مؤلفه‌های کارآفرینی، هنرستان‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش، آموزش و پرورش.

مقدمه

در عصر حاضر که با افزایش جمعیت، جوامع و سازمان‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت‌اند و در پی آن، پیچیدگی آن‌ها نیز رو به فزونی است، کارآفرینی در یک تعامل چندسویه، یعنی هم در مفهوم ایجاد اشتغال، هم در مفهوم ایجاد تحول از راه نوآوری‌ها و بهبود فرایندها و هم به منزله عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است. حتی می‌توان بحث کارآفرینی را در عصر مدرن امروزی یکی از اصلی‌ترین راهبردهای بنیادی هر کشور محسوب کرد و یکی از معیارهای مهم تمایز کشورهای توسعه یافته و جهان سوم را می‌توان در میزان کارایی و عملیاتی کردن این مقوله دانست.

سرعت تغییرات کنونی به گونه‌ای است که شناسایی و پیش‌بینی تغییرات از حالت یک‌نواخت و همسان خارج شده است و تجارب و دستاوردهای گذشته الزاماً موفقیت آینده را تضمین نمی‌کنند. می‌توان گفت عصر حاضر، عصر فقدان تداوم، پیش‌بینی و انقیاد است. حاکم شدن این انگاره در اساس تغییرات جوامع امروزی، این جوامع را بیش از پیش به سوی خلاقیت و نوآوری و پذیرش تفاوت و تغییر سوق داده است. می‌توان این مهم را در میزان کارآفرین بودن آن‌ها یافت، در نتیجه هر کشوری که توان برقراری رابطه منطقی و معقول بین موارد یادشده را داشته باشد و در جهت تغییرات جهانی گام بردارد می‌تواند ادعا کند که در این دریای خروشان با موفقیت به سر منزل مقصود، که همان موفقیت و پیشرفت است، گام برداشته است (ناهدی، ۱۳۸۸).

رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، موجب شده است موجی از

برنامه‌ریزی کنند و به آنچه نمی‌دانند بیشتر از آنچه دارند می‌اندیشند. به همین جهت ریسک‌پذیرند، تحمل ابهام را دارند و به تحقیقات ارجح می‌نهند.

بنابراین، اعتقادی در جوامع لازم است که به انقلاب کارآفرینی بینجامد، به گونه‌ای که این انقلاب در قرن حاضر، اهمیتی به مراتب بیشتر از اهمیت انقلاب صنعتی پیدا کند (شفیع‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰). باید پذیرفت که عصر تسلط دولت‌ها بر اجتماعات بشری رو به افول است. اکنون دوران تسلط روحیه کارآفرینی فرا رسیده است. در بازارهای پرقابلیت جهانی، سرمایه‌داری بزرگ کلاسیک به مرور قدرت خود را از دست می‌دهد. فقط کسانی که روحیه کارآفرینی دارند قادر به ادامه حیات اقتصادی - اجتماعی در عرصه‌های مختلف‌اند. از این رو در این عرصه نوین رقابتی، جامعه‌ای پیش‌تاز است که از دانش‌آموختگان پویا و خلاق برخوردار باشد، از عهده گردآوری منابع مختلف تولید برآید و با کوشش‌های خلاقانه خود به کسب و کار بپردازد و به بیانی بهتر، کارآفرین باشد (بهرام‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹).

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که در افراد قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنان می‌شود. به عبارت دیگر، پیشرفت و توسعه اقتصادی به یک گروه و مذهب خاصی اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها، از جمله؛ ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، خلاقیت، نوآوری و غیر آن‌ها در افراد، می‌توان زمینه رشد و توسعه اقتصادی و فعالیت‌های کارآفرینانه را در جوامع مختلف فراهم کرد.

در بیان اهمیت و نقش این ویژگی‌ها تحقیقات متعددی صورت گرفته است. از جمله دراکر^۲ (۱۹۸۵) و پوستیکو^۴ (۲۰۰۲) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که خلاقیت و نوآوری با کارآفرینی لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد. تورن و کرا^۵

(۲۰۰۷) در ادامه تحقیقات خود در خصوص همین ویژگی دریافتند که خلاقیت و نوآوری از طریق تمدن و فرهنگ‌های متفاوت تعدیل می‌شود و فرهنگ‌های متکی بر استقلال فردی بر این ویژگی بسیار تأکید دارد.

در خصوص ویژگی استقلال‌طلبی و ماهیت آن در شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه، میشل^۶ (۲۰۰۴)، با مطالعاتی که بر روی دانش‌آموزان انجام داد، دریافت که بین این ویژگی و توانایی افراد کارآفرین رابطه مستقیمی وجود دارد. وگنر^۷ (۲۰۰۷) نیز در تحقیق خود نشان داد که در شروع

فعالیت‌های کارآفرینانه، مخاطره‌جویی و ریسک‌پذیری نقش مهمی را ایفا می‌کند (مراذی و همکاران، ۱۳۸۷)، طاهری و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که به بررسی رابطه کارآفرینی سازمانی با خلاقیت در سازمان فنی‌وحرفه‌ای شهرستان گچساران پرداخته، آورده‌اند که بین کارآفرینی سازمانی و خلاقیت و ابعاد کارآفرینی با خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پرداختچی و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهش خود، که به بررسی اثربخشی مدیریت در زمینه‌سازی برای بروز و پرورش کارآفرینی پرداختند، نشان دادند که هیچ رابطه‌ای بین کارآفرینی و سطح تحصیلات افراد و سابقه کاری آن‌ها وجود ندارد. مشایخ (۱۳۸۶)، در پژوهشی که بر روی ۱۳۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی در مورد روحیه کارآفرینی انجام داده، به نتایج ذیل دست یافته است: دانش‌آموزانی که در رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش تحصیل می‌کنند، نسبت به سایر دانش‌آموزانی که در رشته‌های نظری تحصیل می‌کنند از روحیه کارآفرینی بالاتری برخوردارند. بین دانش‌آموزانی که آموزش کارآفرینی دیده‌اند و دانش‌آموزانی که آموزش کارآفرینی ندیده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد.

رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) در تحقیقی، با عنوان بررسی چگونگی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب، نتایج نشان دادند که نمره میانگین دانشجویان، زن و مرد، گرچه در روحیه کارآفرینی مؤلفه نیاز به موفقیت و استقلال تفاوت وجود داشت اما در مؤلفه کنترل درونی، خلاقیت و تمایل به خطرپذیری تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید و همچنین بین دوره تحصیلی کاردانی و کارشناسی در روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوت محسوسی مشاهده نشد، قهرمانی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که به بررسی فرهنگ سازمانی و رابطه آن با کارآفرینی سازمانی از دیدگاه کارکنان غیرهیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی پرداخته، مشاهده کردند که بین کارآفرینی سازمانی و فرهنگ سازمانی از نظر جنسیت و مدرک تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

مشایخ (۱۳۸۳)، در پژوهشی که به بررسی ارتباط پایگاه اجتماعی خانواده و میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخته به نتایج زیر دست یافته است: بین سواد والدین و شغل آن‌ها با روحیه کارآفرینی رابطه مستقیم وجود دارد اما در این تحقیق رابطه خاصی بین روحیه کارآفرینی و جنسیت مشاهده نگردیده است، توسل خدمتی (۱۳۷۹)، در تحقیقی، با عنوان بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی

اسلام برای کارهای تولیدی و کارهای تجاری اهمیت قابل‌است و از بی‌کاری، تنبلی و تن‌پروری نهی و همواره بشر را متوجه این نکته می‌کند که هر چه هست عمل است

شده است که زنان در برنامه‌ریزی، شهود و ادراک نمره‌ای بالاتری نسبت به مردان داشته‌اند (به نقل از رضایی و رهسپار، ۱۳۸۸). جانز و انگلیش (۲۰۰۴)، طی مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان انجام شد، دریافتند که با فرایند آموزش کارآفرینی می‌توان افراد را با توانمندی خود برای بازشناسی فرصت‌های تجاری، به صورت داشتن اعتمادبه‌نفس و نیز دانش و مهارت برای اقدام آشنا کرد (به نقل از قلی‌زاده و مقتدری، ۱۳۸۷).

شریف‌زاده (۱۳۸۲)، در پژوهش خود که به بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی با چهار خصیصه نیاز به پیشرفت، قدرت، رقابت و تحمل ریسک‌پذیری پرداخته است، نتیجه می‌گیرد که بین دانشجویان رشته‌های گوناگون تحصیلی و نیز مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری از نظر روحیه کارآفرینی وجود ندارد.

با این تفصیلات، پژوهش حاضر در پی دستیابی به ویژگی‌های شخصی کارآفرینی در بین هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سنندج به منظور ارائه راهکارهای علمی و عملی است تا به این طریق بتوان به برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی حوزه آموزشی کمک کرد تا نسبت به مقوله کارآفرینی و کسب و کار تصمیمات واقع‌بینانه‌ای اتخاذ نمایند.

در دبیرستان‌های دولتی کاردانش شهرستان کرج، می‌گوید که مدارس فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش سهم عمده‌ای در بروز و توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی بر عهده دارند و با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت می‌توان به این مهم دست یافت.

عبدالملکی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی که به بررسی رابطه مهارت‌های کارآفرینی با کارآفرینی سازمانی در شرکت ایران‌خودرو پرداخته‌اند، به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای جنسیتی، سن و سواد عامل مهمی در میزان کارآفرینی به شمار می‌روند. مرادی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی در خصوص بررسی ویژگی‌های بنیادین کارآفرینی دانش‌آموزان به این مهم رسیدند که دانش‌آموزان از نظر قابلیت‌های بنیادین در وضعیت نامطلوبی قرار دارند، هرچند که این افراد در چهار ویژگی توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، خلاقیت و ریسک‌پذیری متوسط به بالا هستند و یادآور می‌شود که مدارس ما باید از این لحاظ مورد بررسی قرار گیرند و به تشخیص نقاط ضعف و قوت خود بپردازند و اگر لازم باشد در اصول و سیاست‌های آموزشی خود بازنگری کنند.

کولینز^۸ (۲۰۰۷)، در پژوهش خود به نمره بالای ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، تحمل ریسک، مدیریت زمان و برون‌گرایی مردان نسبت به زنان اشاره کرده و در مقابل یادآور



کار آفرینی

به گفته لونس بری^۹ (۲۰۰۱)، مفهوم کار آفرینی برای اولین بار برای کسانی به کار می‌رفت که در جنگ‌های سده شانزدهم میلادی در مأموریت‌های نظامی خود را به خطر می‌انداختند و به استقبال مرگ می‌رفتند. بعدها این واژه به کسانی اطلاق می‌شد که مخاطره یک فعالیت اقتصادی را می‌پذیرفتند و دست به یک نوآوری می‌زدند.

کار آفرینی از دیدگاه سنتی، به صورت یک پدیده در سطوح فردی مفهوم‌سازی شده و مورد مطالعه قرار گرفته است. اما از دیدگاه نئوکلاسیک واژه کار آفرینی یک پدیده اجتماعی است که در لوای تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنان که در دانشگاه‌های آمریکا، فرهنگ کار آفرینی مشارکتی در حال ترویج است تا از این طریق کارآفرینان در شغل خود ارزش افزوده حاصل کنند و موفقیت خود را تضمین نمایند (شفیع‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰).

تعاریف متعددی در مورد کار آفرینی مطرح گردیده است. در **دایره‌المعارف** بریتانیا کار آفرین این‌گونه تعریف شده است: شخصی که کسب و کار یا مؤسسه اقتصادی را سازماندهی و مدیریت می‌کند و خطرات ناشی از آن را می‌پذیرد. هیستریج^{۱۰}

فرایند کار آفرینی را خلق چیزی نو می‌داند که توأم با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است. نتیجه این فرایند از فعالیت منظمی حاصل می‌شود که خلاقیت و نوآوری را به نیازمندی‌ها و فرصت‌های بازار پیوند می‌دهد (مرادی و همکاران، ۱۳۸۷).

مطالعه کار آفرینی در روان‌شناسی بر درک این نکته که چگونه صفات افراد با انگیزش و عملکرد کار آفرینانه ارتباط دارد، متمرکز است (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵). استیونسون^{۱۱} و دیگران (۱۹۸۵) معتقدند کار آفرینان، رفتاری فرصت‌گرایانه دارند و سازمان‌های کار آفرین دارای ویژگی‌های پویا همچون تشویق افراد به تجسم‌سازی، انعطاف‌پذیری و تمایل به مخاطره‌پذیری هستند (حسن مرادی، ۱۳۸۳).

به نظر بلای گریو^{۱۲} (۱۹۹۴)، کار آفرین فردی است که مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره، تقبل و تعهد می‌کند و در عین حال، کسی است که یک فرصت را درمی‌یابد و برای پی‌گیری آن فرصت، یک سازمان را راه‌اندازی می‌کند و فرایند کار آفرینی تمام وظایف، فعالیت‌ها و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پی‌گیری آن فرصت‌ها ارتباط می‌یابد، دربرمی‌گیرد (ناظم، ۱۳۸۶).



کارآفرین فردی است که توانایی آن را دارد تا فرصت‌های کسب و کار را ببیند، آن‌ها را ارزیابی و منابع لازم را جمع‌آوری کند، از آن‌ها بهره‌برداری و عملیات مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی‌ریزی کند. او می‌تواند با استفاده از عوامل تولید متعلق به دیگران و مدیریت خویش به فعالیت‌های مولد اقتصادی اقدام کند (صالحیان، ۱۳۸۳).

با توجه به تعاریف فوق و در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت کارآفرینان افرادی هستند که از فرصت‌ها به خوبی استفاده می‌کنند، خدمات نو و بدیع ارائه می‌دهند و محیط‌های مخاطره‌آمیز را ترجیح می‌دهند.

مکاتب تفکر کارآفرینی

● **مکتب انسانی:** مکتب انسانی همانند نگرش، از صفات مشخصه رهبری است. این مکتب صفات مشخصه ویژه‌ای را برای کارآفرینان موفق برمی‌شمارد که عبارت‌اند از:

- نیاز به پیشرفت^{۱۲}: نیاز به پیشرفت و موفقیت، عبارت است از تمایل به انجام دادن کار در استانداردهای عالی برای موفقیت در موقعیت‌های رقابتی؛

- مرکز کنترل درونی^{۱۴}: کارآفرینان موفق، به خود ایمان و اطمینان دارند و موفقیت یا شکست خود را به بخت و اقبال نسبت نمی‌دهند، بلکه شکست و موفقیت در کنترل آن‌هاست (هورندای، ۱۹۷۱)؛

- ریسک‌پذیری^{۱۵}: تمایل به ریسک‌پذیری عبارت است از پذیرش مخاطره‌های معتدل، که می‌توانند از طریق تلاش‌های شخصی مهار شوند. کارآفرین لزوماً در پی فعالیتی نیست که مخاطره آن زیاد باشد، بلکه مایل است مقدار متوسطی از مخاطره و ریسک را برای شروع فعالیت بپذیرد و در این حد حاضر می‌شود تا پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به خطر اندازد و هرگز این‌طور نیست که تصور شود کارآفرینان دست به قمار زده‌اند. بلکه در اقدام به مخاطره بسیار حساب شده و با دقت عمل می‌کنند و تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند.

- نیاز به استقلال^{۱۶}: در واقع نیاز به استقلال، عاملی است که سبب می‌شود تا کارآفرینان به اهداف و رؤیاهای خود دست یابند. بیشتر کارآفرینان، ساعت‌های زیادی در روز کار می‌کنند اما رضایت آنان از آنجا حاصل می‌شود که با وجود محدودیت‌های اقتصادی و محیطی، خود تصمیم می‌گیرند، کارها را به شیوه خود انجام می‌دهند، طبق برنامه وارد عمل می‌شوند و سودی را که خود ایجاد کرده‌اند برداشت می‌کنند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۰).

- گرایش به خلاقیت و نوآوری^{۱۷}: توانایی ترکیب

اندیشه‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای ایجاد ارتباط نامعمول میان اندیشه‌ها (رابینز، ۱۹۹۴). کایزر^{۱۸} (۱۹۶۸)، خلاقیت را عبارت از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم تازه و نو می‌داند. لوسیر^{۱۹} (۱۹۹۷)، در تعریف خلاقیت به شیوه‌ای از تفکر که باعث تولید ایده‌های جدید می‌شود، تأکید می‌کند. در تعاریف ارائه شده از خلاقیت روی ابعاد و جنبه‌های مختلفی تأکید شده است، لذا می‌توان گفت که خلاقیت پدیده‌ای چندوجهی و یک کل یک‌پارچه است.

- **تحمل ابهام**^{۲۰}: فرای^{۲۱} (۱۹۹۳)، قدرت تحمل ابهام عبارت است از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانشی ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز یک فعالیت مستقل، بی آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر. به نظر می‌رسد کارآفرینان، به مراتب بیش از مدیران شرکت‌ها، قدرت تحمل ابهام را دارند.

- **سازگاری و انعطاف‌پذیری**^{۲۲}: کارآفرینی با خشکی و انعطاف‌پذیری سازگار نیست. اگر کارآفرین بخواهد با دیگران کار کند و مؤثر باشد باید خود را در آن مجموعه انعطاف‌پذیر کند و از انطباق با تیم و دانشگاه ابایی نداشته باشد.

● **مکتب محیطی:** این تفکر کارآفرینی مجموعه‌ای از عوامل پیچیده محیطی را در تعیین تعداد و نوع کارآفرینان موفق دخیل می‌داند. این عوامل شامل مؤسسات و نهادها، ارزش‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی و فرصت‌های اقتصادی است که اگر در یک محیط با یکدیگر ترکیب شوند موجب شکل‌گیری مؤسسات کارآفرین می‌گردند.

● **مکتب ریسکی (مخاطره‌ای):**

جدیدترین مکتب در زمینه تفکر کارآفرینی تا اندازه‌ای پیچیده‌تر از سایر مکاتب کارآفرینی است. این نگرش بیان می‌دارد که صفات مشخصه فردی و محیطی لازم‌اند اما برای کارآفرینی کافی نیستند. براساس این نگرش اگر افرادی که دارای انگیزه بالا هستند در یک محیط مطلوب قرار بگیرند، تضمین‌کننده کارآفرینی نخواهند بود، بلکه آن‌ها باید یک فرصت ریسکی را شناسایی نمایند و منابع و حمایت محیطی لازم را برای بهره‌برداری از آن‌ها نیز بیابند. برای کارآفرین بودن، انتخاب درست فرصت مخاطره‌آمیز در زمان و مکان مناسب و سپس طراحی شغل متناسب با آن ضروری است (مقیمی، ۱۳۸۶).

کارآفرینی در اسلام

اسلام دین کار و تلاش و آیین عمل و کوشش است و

**قرآن کریم را جعبه عمل،
بسیار تا آکید دارد و با
تعمیر رساو زیبایی در
این خصوص می‌فرماید:
برای بشر جز آنچه کوشش
کرده است چیز بی وجود
ندارد**

همه انسان‌ها را برای تأمین معاش و زندگی با عزت و شرافت دعوت می‌کند. سخت‌کوشی و مقاومت در برابر سختی‌ها از آموزه‌های اساسی اسلام است و اهتمام به کار و تلاش از دیدگاه اسلام نوعی عبادت است، همان‌گونه که روح و جسم وی را تقویت می‌کند.

اسلام برای کارهای تولیدی و کارهای تجاری اهمیت قائل است و از بیکاری، تنبلی و تن‌پروری نهی و همواره بشر را متوجه این نکته می‌کند که هرچه هست عمل است. سرنوشت انسان را عمل او تعیین می‌کند. این یک طرز فکر واقع‌بینانه، منطقی و منطبق با قوانین طبیعت است.

قرآن کریم راجع به عمل، بسیار تأکید دارد و با تعبیر رسا و زیبایی در این خصوص می‌فرماید: «برای بشر جز آنچه کوشش کرده است چیزی وجود ندارد.» (سوره نجم، آیه ۳۹) آموزه‌های دینی مورد بحث در حوزه کارآفرینی هیچ‌گاه این موضوع را به ذهن متبادر نمی‌کند که رابطه کار و تلاش با اخلاق دینی یک رابطه دنیاگرایانه است، بلکه وارد شدن به مباحث زندگی و برنامه‌ریزی برای هر فرد در زندگی مادی هم مورد توجه دین اسلام است و دنیا پلی است به سوی آخرت و برای زندگی در دنیا به همه منابع و ضروریات زیستن پرداخته شده است. بر این اساس انسان مؤمن به تمام معنا می‌تواند یک کارآفرین باشد و به موفقیت و کامیابی دنیا و آخرت دست یابد.

از دیدگاه فرهنگ اسلامی، کارآفرین فرد تلاشگری است که با اتکا به نفس و توکل به خداوند می‌تواند در جهت منافع فردی و اجتماعی گام بردارد. همچنین با بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری مبتنی بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی، به تغییر و تحول و توسعه بپردازد. در آموزه‌های اسلامی مراحل از عزت نفس، مرهون تلاش و کوشش انسان است و این مساعی موجب سربلندی فرد می‌شود. اسلام به فرد می‌آموزد که به دیگران وابسته نشود، دست‌گدایی به سوی این و آن دراز نکند و با کار و حرفه خود استقلال نظر و عمل پیدا کند. خلاصه این‌که در قرآن کریم کسب و کار و کارآفرینی به عناوین مختلفی در بیش از سی سوره و حدود پنجاه آیه توصیه و تشویق شده است (هزارجریبی، ۱۳۸۹).

سؤالات پژوهش

- وضعیت هر یک از ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سنندج چگونه است؟

- آیا بین ویژگی‌های هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سنندج تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان برحسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان برحسب مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی است. چراکه به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه جهت سنجش نظرات هنرآموزان و هنرجویان استفاده شده است (پیمایشی)، برای به نمایش گذاشتن ویژگی‌های نمونه آماری طرح و تحلیل سؤالات به منظور توصیف وضع موجود از درصد، نمودار، جداول فراوانی و انحراف معیار استفاده شده است (توصیفی).

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سنندج است، که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به کار یا تحصیل بوده‌اند و نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۰ نفر هنرآموز و ۱۳۵ نفر هنرجوست، که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری و اندازه‌گیری اطلاعات

روش اسنادی: در این روش از منابع معتبر کتابخانه‌ای، اعم از مقالات، نشریات، پایان‌نامه‌ها و کتب داخلی و خارجی استفاده شده است.

روش میدانی: برای سنجش و آزمون سؤالات تحقیق از پرسش‌نامه استاندارد سنجش کارآفرینی سی سؤالی که دارای شش مؤلفه است، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از اجرای آزمون به دو صورت توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است: مقادیر کمی مأخوذ از پرسش‌نامه با استفاده از میانگین، نمودار و جدول ترسیم و در بخش آمار استنباطی از آماره t و F استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی فرایندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعه ملی و حتی اقتصادی جهانی ایفا می‌کند. لذا لزوم ایجاد بستر و جو مناسب در جهت حمایت‌های منطقی اعم از مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینی و کارآفرینان بیش از پیش در کشور ما احساس می‌گردد. اهمیت بحث کارآفرینی به حدی است که اقتصاددانان کارآفرینان را موتور محرک و عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی جامعه

می‌دانند. دانشمندان مدیریت نیز آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل تحول و نوآوری‌های سازمانی در عصر حاضر به شمار می‌آورند. لذا هر محیطی که افراشد برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشند، اقتصادی پویا و متنوع و محیطی با نشاط و سرشار از تولید خواهند داشت (میرغفوری، ۱۳۸۸)، عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه‌هاست، کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه‌اند بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت درآورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌هایی دست یافته‌اند. یکی از عوامل مهم دسترسی به این نوآوری‌ها که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته را از نو زنده کرده منوط به کارآفرینی بوده است. کارآفرینی موجب بالا رفتن کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد، کاهش اضطراب‌های اجتماعی و بهره‌وری از منابع ملی می‌شود.

امروزه سرمایه انسانی معادل کیفیت نیروی انسانی است که با وجود آن، امکان ترکیب مناسب نهاده‌های کار و سرمایه فیزیکی و خلق فرصت‌های اقتصادی جدید فراهم می‌شود، یکی از عواملی که در ارتقای کیفیت نیروی انسانی مؤثر است تربیت افراد تحصیل کرده با ویژگی‌های پیش‌برنده مانند روحیه خلاقیت، تفکر، نوآوری، کارآفرینی و توسعه‌گرایی در مراکز آموزشی است.

از مهم‌ترین مراکزی که می‌توانند در پرورش کارآفرینان نقش مهمی ایفا کنند، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌باشند. به همین منظور، یکی از اهداف مهم آموزش عالی کشورمان در چند سال اخیر، پرورش نیروی انسانی کارآفرین بوده است. در شرایط کنونی که اقتصاد کشورمان با مسائل و نارسایی‌های مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری به‌ویژه در فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، کمبود نیروی انسانی متخصص، کاهش سرمایه‌گذاری دولت و نیز عدم تحرک و رشد اقتصادی کافی روبه‌روست، آموزش کارآفرینان در دانشگاه‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است.

سؤال اول ما به بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین هنرآموزان و هنرجویان می‌پردازد. نتایج نشان داد که میانگین ویژگی‌های کانون کنترل، نیاز به کنترل، نیاز به موفقیت، سلامت فکری و استقلال‌طلبی در میان هنرجویان بیشتر از میانگین مقدار آن در میان هنرآموزان است. اما میانگین ویژگی تحمل ابهام در میان هنرآموزان بیشتر از میانگین آن در میان هنرجویان است. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که در افراد قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنان می‌شود، به عبارتی دیگر

پیشرفت و توسعه اقتصادی به گروه خاصی اختصاص نداشته است و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها در افراد می‌توان زمینه رشد و توسعه اقتصادی را در جوامع مختلف فراهم کرد. یکی دیگر از سؤالات تحقیق به بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین هنرآموزان و هنرجویان زن و مرد پرداخته و نتایج نشان داد که ویژگی کارآفرینی هنرآموزان مرد نسبت به زن بیشتر است و این با نتایج تحقیق عبدالملکی (۱۳۸۷) همسو و با نتایج تحقیق کولینز (۲۰۰۷) که در آن رأی به برتری زنان نسبت به مردان داده بود مغایرت دارد. این در حالی است که بین هنرجویان زن و مرد از لحاظ ویژگی کارآفرینی تفاوتی وجود ندارد و این با نتایج تحقیق رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) و مشایخ (۱۳۸۳) همسو و هماهنگ می‌باشد. از دیگر نتایج تحقیق رابطه کارآفرینی با مدرک تحصیلی و دانشگاهی است به این معنی که هرچه سطح سواد افزایش یابد ویژگی‌های کارآفرینی بیشتر در فرد بروز می‌کند و این در حالی است که پرداختگی و همکاران (۱۳۸۷)، شریف‌زاده (۱۳۸۲)، رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) و قهرمانی و همکاران (۱۳۸۹) رأی به عدم رابطه بین کارآفرینی و سطح تحصیلات داده بودند و مغایر با نتیجه تحقیق حاضر است و عبدالملکی (۱۳۸۷) در تحقیق خود از سطح تحصیلات به‌عنوان عامل مهمی در رشد و توسعه کارآفرینی نام می‌برد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
Email: javad_am_59@yahoo.com

۲. کارشناس آمار دانشگاه شهید چمران اهواز.

Aziz_1357@yahoo.com

3. Druker

4. Postigo

5. Turn & Kara

6. Mitchell

7. Wagner

8. Collins

9. Lounsbury

10. Histrich

11. Stevenson

12. By grave

13. Need for achievement

14. Internal locus of control

15. Risk taking propensity

16. individuality

17. creativity

18. Kaiser

19. Lussier

20. Ambiguity tolerance

21. Fry

22. flexibility



رحیمه منصوری گرگر

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی
هنرآموز رشتهٔ کودکانیاری، ناحیهٔ ۳ تبریز

کلیدواژه‌ها: رشته کودکانیاری، بهداشت روانی، سیما فردوسی

از آنجا که رویکرد آموزش و پرورش دورهٔ هنرستان، موضوع محور است، انتخاب عنوان کتاب (بهداشت روانی) جهت بررسی مناسب به نظر می‌رسد.

هدف از تدوین کتاب، صرفاً ارائهٔ مطالب نظری برای گذراندن واحد درسی دانش آموزان نیست، بلکه هدف، تأمین و حفظ سلامت روانی، بهزیستی، رفاه اجتماعی و سازگار نمودن نوجوانان در رویارویی با مشکلات زندگی است. پس هدف کلی کتاب، آشنایی فراگیران با موازین سلامت روان و عوامل مؤثر در آن است، بنابراین هدف و مسیر حرکت مشخص شده است. با مشخص شدن هدف برای تدوین یا توسعهٔ برنامهٔ درسی، اقدامات ضروری متناسبی تعیین شده و نوع و میزان منابعی که برای دستیابی به هدف‌ها باید به کار گرفته شوند تعیین گردیده است.

با توجه به هدف کلی، اهداف رفتاری نیز تعریف گردیده و مطابق با فصول مختلف کتاب و سرفصل‌ها، اهداف رفتاری متفاوت و متناسب با آن تعیین شده است.



نقد و بررسی کتاب «بهداشت روانی» دورهٔ هنرستان

رشد آموزش [فنی و حرفه‌ای و فنی و حرفه‌ای](#)

دورهٔ نهم / شمارهٔ ۴ / زمستان ۱۳۹۲

است و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های دولت در تعیین اهداف آموزش و پرورش و آن نیز به نوبه خود در تعیین اهداف کلی و جزئی کتاب تأثیرگذار خواهد بود.

مقوله معیارهای انتخاب محتوا بیشتر در قالب ملاک‌های تناسب محتوا مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص، محتوا را می‌توان در قالب یکی از طبقات زیر قرار داد:

- میزان تناسب محتوا با مجموعه عوامل و ارزش‌های اجتماعی و منابع استخراج محتوا از آن‌ها؛
- تناسب محتوا با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان، نظیر علایق، استعدادها، توانایی‌ها و...؛
- تناسب محتوا با قانونمندی‌های برنامه درسی.

میزان تناسب محتوا با مجموعه عوامل و ارزش‌های اجتماعی

محتوای کتاب با عوامل و ارزش‌های اجتماعی نه تنها منافات ندارد بلکه مطابق با آن معیارها و ارزش‌هاست. به‌طور کلی، در انتخاب محتوا سعی شده است از این ملاک‌ها استفاده شود (نظیر انتقال مفاهیمی چون نوع دوستی، توجهات از دوران مختلف رشد، تأکید بر تقویت اعتقادات مذهبی جهت پیشگیری و درمان بیماری‌های روانی، تأکید بر عوامل اجتماعی



هدف آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف، پرورش و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان است؛ یعنی رشد جسمی - حرکتی، رشد شناختی، رشد زبان و گفتار، رشد عاطفی - اجتماعی، رشد خلاقیت، ابراز وجود و درک زیبایی‌ها.

در این کتاب سعی شده است این هدف مورد توجه قرار گیرد. هر چند دسترسی به تمام سطوح و جنبه‌های رشد، تنها توسط این کتاب میسر نیست و سایر کتب و فعالیت‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرند. چون یکی از اهداف آموزش و پرورش در دوران مختلف رشد، آماده کردن افراد برای زندگی و سازگاری با محیط اجتماعی است و نیز با توجه به توضیحات مؤلف در مقدمه کتاب، تدوین چنین محتوایی ضروری است و از این طریق دستیابی فراگیران به هدف مورد نظر میسر می‌شود.

بررسی محتوایی کتاب

در این کتاب موضوعات فصول، شامل کلیات بهداشت روانی، اهداف و عملکرد بهداشت روانی، سازگاری، بهداشت روانی در دوره کودکی، بهداشت روانی در دوره بلوغ و نوجوانی، نقش مراکز آموزشی در بهداشت روانی کودکان و نوجوانان، بهداشت روانی در دوره جوانی، میان‌سال و سالمندی، نقش اوقات فراغت در بهداشت روانی و بالآخره نقش مذهب در بهداشت روانی است. در انتهای کتاب نیز فهرست منابع آمده که به نظر من بهتر است منابع هر فصل در انتهای آن فصل بیاید تا به این ترتیب، راهنمایی و ارجاع سریع به آن‌ها به سهولت انجام گیرد، ضمن اینکه از منابع به‌روز نیز باید استفاده شود.

به جرئت می‌توان گفت نوع سؤالات، طراحی تمام صفحات کتاب، نوع عملکرد معلم یا مربی، فراهم آوردن محیط مناسب برای تحریک حس کنجکاوی کودکان، نوع ارتباط بین معلم و کودکان و کودکان با یکدیگر و... همگی موجب تقویت حس کنجکاوی در کودکان و در نتیجه ایجاد انگیزه در آن‌ها برای شروع و ادامه فعالیت خواهند بود.

موضوعات فصول مختلف با هدف کلی کتاب در ارتباط است و به تحقق این هدف کمک می‌کند.

محتوا به‌صورت مکتوب است، اما کافی نیست و لازم است معلم یا هنرآموز از روش شفاهی نیز استفاده نماید و توضیحات اضافی در خصوص مفاهیم، واقعیات و حقایق مندرج در کتاب به‌صورت شفاف و واضح ارائه گردد.

با توجه به مقدمه، چنین به نظر می‌رسد که انتخاب محتوای کتاب «بهداشت روانی» به‌صورت تیمی و مشارکتی بوده و سعی شده است تا از دانش و تجربیات خود مؤلف و سایر هنرآموزان که تجربه تدریس درس بهداشت روانی را دارند و با خصوصیات خلقی و رفتاری دانش‌آموزان در این مقطع سنی آشنایند، استفاده شود.

البته انتخاب محتوا براساس اهداف تعیین شده از سوی آموزش و پرورش انجام گرفته، زیرا سیستم متمرکز

اشاره کرده‌اند مباحث اساسی در بهداشت روانی با زبانی ساده و با ذکر مثال‌های متناسب با سن و شرایط نوجوانان ارائه گردیده است تا دانش‌آموزان بتوانند از مطالب مندرج در کتاب به صورت کاربردی استفاده نمایند. همچنین از معلمان نیز خواسته‌اند تا مطالب را به صورتی تدریس کنند که دانش‌آموزان بتوانند مسائل محیط پیرامون خود را در چارچوب اطلاعات داده شده در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار دهند و به این وسیله عملی شدن نکات نظری را در زندگی روزمره بیشتر تجربه کنند.

تناسب محتوا با قانون مندی‌های برنامه‌درسی

از نظر تعادل محتوا باید گفت به لحاظ کمیت این تعادل رعایت شده است و مطالب مربوط به هر فصل از نظر کمی از تناسب و تعادل کافی برخوردار است؛ و از نظر کیفیت هم می‌توان ادعان داشت که کلیه مطالب و فعالیت‌های مطرح شده تا حدودی پاسخ‌گوی هدف کلی کتاب هستند. همچنین در محتوا به ارزش‌های ملی توجه کرده‌اند و تلاش شده است تا از کلمات و تصاویر متناسب با سطح آموزشی هنرستان استفاده شود.

از نظر بررسی تعادل در توزیع محتوای مختلف، آن هم در سطوح متفاوت تحصیلی، لازم است سایر کتب نیز در کلیه پایه‌ها بررسی شوند. اما می‌توان گفت که در اینجا بین جنبه‌های نظری و عملی، تعادل وجود دارد.

انسجام محتوا را نیز نمی‌توان در بررسی یک کتاب در

مؤثر در بزهکاری نوجوانان، ملاک‌های انتخاب همسر، احترام به بزرگ‌ترها و ارزش نهادن به آن‌ها، توجه به سفارش‌های دین اسلام در خصوص بهداشت روانی و...).

محتوا با پیشرفت‌های علمی و فنی تناسب دارد، زیرا محتوا دربرگیرنده مفاهیم اساسی و پایه و متناسب با تحولات علمی (نسبت به مباحث و علوم جدید) پذیرنده است. همچنین به جای آموزش خلاصه‌ای از دانش بشری، که با گذشت زمان کهنه و از رده خارج می‌شود، بر پرورش تفکر تأکید می‌ورزد. اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد، لازم است از منابع جدید بیشتر استفاده شود و مطالب هم به‌روز باشد.

در خصوص تناسب محتوا با مسائل و نیازهای جامعه ملی و محلی می‌توان گفت که بررسی آن به وقت و انرژی بیشتری نیاز دارد ولی تا حدودی سعی شده است که با نیازهای جامعه ملی و محلی متناسب باشد.

موضوع تناسب محتوا با مسائل و ارتباطات جهانی نیز به بررسی بیشتر نیاز دارد و نقد این بخش تنها در یک کتاب کافی نیست و لازمه تفحص بیشتر در این باره به بررسی کل نظام آموزشی بستگی دارد.

تناسب محتوا با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان

جهت بررسی میزان تناسب محتوا با توانایی‌ها و استعداد‌های یادگیری کودکان، همچنین تناسب محتوا با نیازها و رغبت‌های کودکان لازم است نسبت به دانش‌آموزان دوره دبیرستان، به خصوص هنرستان، شناخت داشته باشیم و براساس آن محتوا را انتخاب نماییم. حال اینکه آیا این تناسب وجود دارد یا نه؟ بستگی به یک تحقیق جداگانه دارد و لازم است مراحل اجرا و شیوه‌های راهبردی یاددهی - یادگیری نیز مورد توجه قرار گیرند. اما من، به‌عنوان هنرآموزی که این درس را طی سالیان متمادی تدریس می‌کنم، در کل می‌توانم بگویم محتوای کتاب با ویژگی‌های رشد هنرجویان در هنرستان متناسب است.

معمولاً محتوای کتاب برای دانش‌آموزان برخوردار از هوش طبیعی تدوین شده است. بنابراین، می‌توان آن را به چنین مجموعه‌ای از دانش‌آموزان اختصاص داد و تدریس کرد. در انتخاب محتوا سعی شده است از نمونه‌های عینی و ذهنی توأم استفاده شود و انتخاب نمونه‌ها و مثال‌ها متناسب با زندگی واقعی است. اما اینکه آیا این محتوا برای تک‌تک دانش‌آموزان می‌تواند مفید واقع شود نیاز به بحث دیگری دارد. به‌رحال، لازم است معلم از ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان این دوره آگاه شود و سپس با بهره‌گیری از دانش و تجربیات کافی در این زمینه، از راهبردهای یاددهی - یادگیری مناسب استفاده نماید.

همان‌طور که پدیدآورندگان این کتاب در قسمت مقدمه



و ایجاد ارتباط با مطالب و مفاهیم کتب سال‌های گذشته یا کتب در پایه تحصیلی مربوطه (سوم) می‌توانند آموخته‌های خود را در زندگی به‌کار گیرند و حتی در محیط آموزشی و کاری خود نیز آن‌ها را به‌کار برند و در تأمین، حفظ و نگهداری سلامت جسم و روان خود و سایرین مؤثر واقع شوند.

راهبردهای یاددهی - یادگیری

آموزش و پرورش در دوره دبیرستان، باید مبتنی بر روش‌هایی چون مباحثه، روش فعال، پرسش و پاسخ، تحقیق، واحد کار، حل مسئله و اکتشافی باشد. معلم نیز براساس اهداف تعیین شده و بررسی محیط آموزشی خود می‌تواند از هر یک از این روش‌ها برحسب شرایط استفاده نماید. در طراحی و تدوین کتاب سعی شده است یادگیری به شکل فعال انجام گیرد. در ضمن از روش اکتشافی نیز استفاده می‌شود. اما علاوه بر انتخاب محتوای مناسب، نوع عملکرد و راهبردهای یاددهی - یادگیری به‌کار گرفته شده توسط معلم یا مربی و سایر شرایط (فراهم نمودن محیط مناسب برای فعالیت کودکان، تعامل و همکاری بین والدین و مربیان، تعامل و همکاری میان کارکنان آموزشگاه و...) همگی در دستیابی به اهداف تأثیر گذارند. بنابراین، لازم است به سایر مقوله‌های برنامه‌ریزی درسی چون مرحله اجرا، اتخاذ راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی نیز توجه شود که این خود به تحقیقات مجزایی نیاز دارد.

ارزشیابی

با توجه به اینکه هر فصل کتاب براساس اهداف رفتاری تدوین شده است، ارزشیابی آن کار ساده‌ای است. اما چون هدف یادگیری و استفاده کاربردی از آموخته‌ها در زندگی است، ضرورت دارد به سایر مقوله‌های ارزشیابی نیز توجه شود و ارزشیابی صرفاً هدف‌محور نباشد بلکه از سایر الگوهای ارزشیابی، چون هدف آزاد، سی‌ای‌پی‌پی (CIPP) و... استفاده شود.

در بررسی کتاب از نظر مشخصات محتوایی و فنی نتایج زیر حاصل شده است:

- رنگ‌ها، شکل‌ها و طرح‌ها در برانگیختن ذوق و شوق دانش‌آموزان تا حدودی مؤثرند؛
- در توالی محتوا نظم خاصی رعایت شده است و مفاهیم از ساده به مشکل طراحی شده و چیده شده‌اند؛
- جنس جلد، نوع کاغذ داخل جلد، اندازه حروف و اعداد مناسب است، اما در چسباندن کاغذها، اصول لازم رعایت نشده و اوراق کتاب به راحتی از هم جدا می‌شوند؛
- به نظر من بهتر است طراحی رو و پشت جلد کتاب تغییر یابد و از طرح‌های جذاب و مناسب استفاده شود؛
- اگر در متن از تصاویری نیز استفاده شود، در برانگیختن حس کنجکاوی و انگیزه دانش‌آموزان مؤثر واقع خواهد شد.

دوره دبیرستانی جست‌وجو کرد و کافی دانست. زیرا لازم است میزان وفاق میان مفاهیم و مضامین محتوا از یک سو در یک پایه تحصیلی و از سوی دیگر محتوای برنامه‌های درسی پایه‌های مختلف آموزشی مورد بررسی قرار گیرد.

اما به نظر من (به‌عنوان مدرس این درس) اگر دو سال تحصیلی را در دوره هنرستان مورد بررسی قرار دهیم مشاهده خواهیم کرد که در دوره اول هنرستان تا حدودی سعی شده است با استفاده از مطالب کتب روان‌شناسی عمومی و زیست‌شناسی در هنرجویان، شناختی نسبت به وجود انسان از ابعاد مختلف، به‌خصوص از بعد جسمی و روانی، حاصل شود. بنابراین، مطالب از انسجام لازم برخوردار است.

الگوی سازماندهی محتوای کتاب موضوع محور و از نوع مارپیچی است. هنرجویان ابتدا عقاید و ایده‌های اصلی را مورد مطالعه قرار می‌دهند و سپس در کلاس‌ها و پایه‌های بعدی مجدداً به عقاید و ایده‌هایی که قبلاً مطالعه کرده بودند باز می‌گردند تا آن‌ها را به‌صورت عمیق‌تر و پیشرفته‌تر بیاموزند. استفاده از این الگو باعث می‌شود دانش‌آموزان شیوه یادگیری را بیاموزند. این امر باعث می‌شود که آنچه را می‌آموزند بهتر درک کنند و آن را در یادگیری‌های آینده مورد استفاده قرار دهند. همچنین این الگو با رشد شناختی و ذهنی هنرجویان تناسب دارد و کمتر به موضوعات مجزا در قالب تقسیم موضوعات درسی محصور می‌شود. مثلاً هنرجویان با استفاده از مطالب و مفاهیم مندرج در کتاب بهداشت روانی





معرفی کتاب

علی محمد بخشوده

فرهنگ نامه، مشاغل

نام کتاب: فرهنگ نامه مشاغل

عنوان و نام پدیدآورنده: فرهنگ نامه مشاغل (جمعی از نویسندگان)

مشخصات نشر: تهران، نشر طلایی

مشخصات ظاهری کتاب: ۳۴۴ ص، مصور (رنگی)، چاپ

اول، اسفند ماه ۱۳۹۱، قیمت ۲۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۶۶۴۸۳۰۶۶

شناخت این ویژگی‌ها، علاوه بر احساس رضایت نمودن از خود و شغل خویش، می‌توانیم در رشد و توسعه کشورمان نیز نقش مؤثری داشته باشیم. یکی از شاخص‌های خودشناسی، تشخیص استعدادهاست.

برای تشخیص استعدادهایتان باید در رفتارهای خود دقیق شوید و به علایقتان توجه خاص داشته باشید. داشتن علاقه می‌تواند یکی از نشانه‌های استعداد باشد. برای مثال، جهت تجزیه و تحلیل رفتار خود می‌توانید این موارد را بررسی کنید:

من از انجام دادن چه نوع کارهایی لذت می‌برم؟ کارهای فکری یا دستی؟

دوست دارم فردی کار کنم یا کار گروهی را هم دوست دارم؟ آیا به کار در محیط‌های آرام علاقه‌مندم یا کار در محیط‌های پرسروصدا را هم می‌پسندم؟

آیا تحمل کار کردن در شیفت شب را هم دارم؟ آیا تحمل دوری از خانواده را هم دارم؟

ارتباط داشتن با مردم را تا چه حد می‌پسندم؟ تا چه میزان به کارهای محاسباتی یا مدیریتی علاقه‌مندم؟

علاوه بر این موارد، می‌توانید از نظر کسانی که به شما نزدیکان و شما را به خوبی می‌شناسند نیز کمک بگیرید. گاهی دیگران ویژگی‌هایی را در ما می‌بینند که ممکن است خودمان به طور دقیق متوجه آن‌ها نشده باشیم. شما می‌توانید به کمک مشاور مدرسه‌تان یا سایر کسانی که در مراکز مشاوره کار می‌کنند، از خود و ویژگی‌هایتان شناخت بیشتر و دقیق‌تری به دست آورید. بنابراین قبل از اشتغال به هر کاری، مطالعه درباره آن و کسب

نگاه کردن به شغل تنها از زاویه کسب درآمد مثل این است که از دریچه‌ای کوچک به یک دریای بیکران نگاه کنیم. در این حالت، فقط بخش کوچکی از دریا را خواهیم دید و از درک عظمت آن باز خواهیم ماند. در واقع مهم‌ترین ضرورت داشتن شغل، رسیدن به رشد فردی و مفید بودن برای جامعه‌ای است که در قبال آن مسئولیم. فردی که شغل دارد، زندگی‌اش هدفمند است و انرژی و توانش صرف امور مفید و ضروری می‌شود و این دقیقاً رشد او را به دنبال دارد.

از طرف دیگر، کار به انسان هویت می‌دهد و این بخشی از هویت اجتماعی است که همه به آن نیاز داریم. ما زمانی از شغل و هویت اجتماعی خود احساس رضایت می‌کنیم که نسبت به آن شناخت داشته باشیم؛ شناخت خود و شغل‌های موجود در جامعه. شاید برای برخی از شما این سؤال مطرح باشد که «من برای چه شغلی ساخته شده‌ام؟»

خودشناسی از نظر شناخت علایق، استعدادها و خصوصیات شخصیتی یکی از نیازهای دوره نوجوانی و دانش‌آموزی است. با



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)
- رشد نوآموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگ سال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش متوسطه
- رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول) ♦
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم) ♦
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦
- رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.
- تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و فواید دانش

دوره نهم/شماره ۲/زمستان ۱۳۹۲

اطلاعات ضروری یکی از فعالیت‌های مهم است.

هر فردی می‌تواند با مطالعه یک شغل و شناخت آن پیامدهای مطلوب و محدودش را پیش‌بینی کند. شما با مطالعه منابع مربوط به هر شغل، با شرایط، عوامل، مشکلات و وضعیت فعلی و آتی آن آشنا می‌شوید. در نتیجه، شغلی را انتخاب می‌کنید که با وضعیت جسمانی و روانی شما بیشتر هماهنگ باشد. فرهنگ‌نامه مشاغل به‌دنبال آن است که نوجوانان را یاری دهد تا با شناخت ویژگی‌ها، مطلوبیت‌ها و محدودیت‌های هر شغل و چگونگی رسیدن به آن و... با در نظر گرفتن نیازهای شغلی جامعه، مسیر خود را برای انتخاب شغل مناسبی که در نظر دارند، هموار سازند. تعدد و پیچیدگی مشاغل از یک سو و وجود تفاوت‌های فردی از سوی دیگر ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های شغلی را ضروری کرده است.

در جامعه ما مشاغل مختلف، که در بخش‌های دولتی، خصوصی و نیمه‌خصوصی توزیع شده‌اند، در یکی از سه شاخه صنعت، خدمات و کشاورزی قرار می‌گیرند. تلاش نویسندگان فرهنگ‌نامه مشاغل بر این بوده است که مشاغلی را که در جامعه ما بازار کار مناسبی دارند و مورد نیاز مردم جامعه‌اند، پوشش دهد. مطالعات نشان می‌دهد که برخی از دانش‌آموزان، پس از طی دوره متوسطه اول، بنا به دلایلی مایل یا قادر به ادامه تحصیل نیستند و بر این اساس، لازم است اطلاعات شغلی مناسبی به‌دست آورند.

امید است این کتاب بتواند بستر مناسبی فراهم آورد تا این افراد با مشاغل مورد نظر خود آشنا شوند، این کتاب حاصل مطالعات و مصاحبه‌های انجام شده با افرادی است که در شغل‌های مورد نظر در حال فعالیت‌اند. سعی نویسندگان بر این بوده است که اطلاعات لازم، در قالبی متفاوت و نو با بیانی روان و شفاف برای استفاده دانش‌آموزان و نوجوانان عزیز تنظیم شود. فرهنگ‌نامه مشاغل به‌صورت یک راهنمای شغلی اکنون همراه نوجوانان عزیز است.

این فرهنگ‌نامه می‌کوشد ۱۵۰ عنوان شغلی را به نوجوانان معرفی کند و در کنار آن اطلاعات لازم را در اختیارشان بگذارد، تا بدانند که در انتخاب شغل به چه ویژگی‌های مهمی توجه کنند. در سراسر کتاب، آن‌ها پس از خواندن تعریف هر شغل ابتدا با ویژگی‌های آن آشنا می‌شوند و سپس درباره آن اطلاعات بیشتری به‌دست می‌آورند. این اطلاعات عبارت‌اند از:

- ویژگی‌های شخصیتی مناسب هر شغل؛
- تحصیلات لازم و شرایط دستیابی به آن شغل؛
- شرایط ارتقا و رشد در هر شغل؛
- وظایف و مسئولیت‌های هر شغل؛
- مزایا و محدودیت‌های هر شغل؛
- فضای شغل مورد نظر؛
- اهمیت شغل در زندگی امروز جامعه؛
- منابع در دسترس برای کسب اطلاعات بیشتر درباره هر شغل.

سخنی با مخاطبان

رعایت اجزا و عناصر ساختاری مقالات علمی، حرفه‌ای و پژوهشی شرايطی دارد که یک پژوهشگر و نویسنده آگاه آن‌ها را به کار می‌بندد. به عبارت دیگر موفقیت مؤلف در ارائه مقاله به بهره‌مندی او از این قواعد و تسلط بر مبنای نگارش و آگاهی از اصول مقاله‌نویسی و مهارت در امر نوشتن وابسته است.

مجله رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای، نشریه‌ای آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی در زمینه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است که با توجه به اهداف آن، به‌صورت فصل‌نامه منتشر می‌شود. بر این اساس از پژوهشگران، متخصصان تعلیم‌وتربیت، به‌ویژه هنرآموزان، دبیران و مدرسان دعوت می‌شود تا با توجه به موارد ذیل:

۱. اصالت موضوع/۲. عنوان/۳. چکیده/۴. کلیدواژه/۵. مقدمه/۶. بیان مسئله/۷. تبیین هدف/۸. پرسش/۹. پیشینه پژوهش/۱۰. معرفی پروژه تحقیقاتی/۱۱. تشریح روش‌شناسی مورد استفاده و تبیین رویکرد مقاله/۱۲. ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها/۱۳. توصیف ویژگی‌های جامعه پژوهش/۱۴. تبیین محدوده و محدودیت‌های پژوهش/۱۵. ارائه یافته‌های توصیفی و تحلیلی/۱۶. بحث و نتیجه‌گیری/۱۷. پیشنهاد/۱۸. منابع مورد استفاده

حاصل پژوهش‌ها و مطالعات خود را در زمینه‌های زیر، جهت درج در مجله ارسال فرمایند.

* مبانی نظری آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای

* آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در سایر کشورها (تجارب)

* روش‌های آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای

* کارآفرینی، خوداشتغالی، ارزش‌آفرینی (تجارب)

رویکردها و دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای * برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای * پروژه‌محوری در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای * معرفی مؤسسات آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران و سایر کشورها، معرفی پدیده‌های نو در حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و معرفی کتاب‌ها و مجلات جدید در حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای. * مقالات ارسالی مرتبط با موضوع مجله باشد و در مجلات دیگری درج نشده باشد. * مطالب باید تایپ شده باشد. * شکل قرار گرفتن جدول‌ها نمودارها و تصاویر باید در مقاله مشخص باشد. * نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. * مقاله‌های ترجمه‌شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه مقاله ارسال شود. * در متن‌های ارسالی باید تا حد امکان از معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. * پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، سال انتشار، نام اثر، نام مترجم، محل نشر، ناشر و شماره صفحه مورد استفاده باشد. * مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقالات رسیده مختار است. * آراء و نظرهای ارائه‌شده در مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها لزوماً بیانگر دیدگاه‌های دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

نشانی ارسال مقالات: تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

پیام‌نگار: faniherfeievakarodanesh@roshdmag.ir



سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

• نام مجله‌های درخواستی:

• نام و نام خانوادگی:

• تاریخ تولد:

• میزان تحصیلات:

• تلفن:

• نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

• در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

امضا:

• نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

• اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ / ۷۷۳۳۵۱۱۰ / ۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

• هزینه اشتراک یک‌ساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

• هزینه اشتراک یک‌ساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



نقد و بررسی کتاب

«بهداشت روانی» دوره هنرستان

صفحة ۵۸ را بخوانید



ایران

اسلام و انقلاب به ما جرأت و قدرت
تحرك و جوشش علمی بخشید.
رهبر معظم انقلاب